

یک صد قاعده در روش تحقیق

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

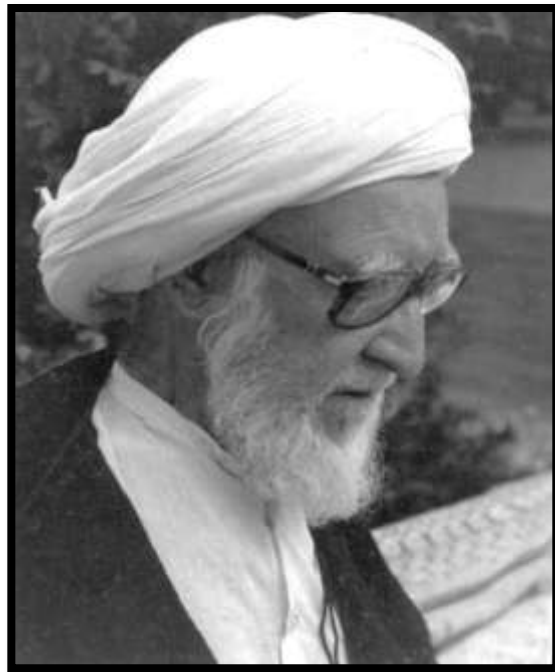
۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

اهداء به روح پرفتوح حضرت آیت الله

اعلی الله مقامه الشریف

مرحوم حاج شیخ ذبیح الله ذبیحی قوچانی



حق انتشار تجاری و غیرتجاری این کتاب با قید حفظ امانت در نقل و عدم تغییر کلی یا جزئی مطالب آن (مگر آنکه با اطلاع و اجازه کتبی این جانب باشد) برای کلیه افراد و ناشران آزاد است. کامیار صداقت ثمرحسینی

سرشناسه	صداقت ثمرحسینی، کامیار، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	یکصد قاعده و روش در تحقیق / کامیار صداقت ثمرحسینی.
مشخصات نشر	تهران : آفتاب توسعه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۶۵ ص.
شابک	ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۲۶-۹ ریال ۱۲۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۶۱.
موضوع	علوم انسانی -- تحقیق -- روش شناسی
موضوع	تحقیق -- روش شناسی
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ی ۸ ص/۴۱۸۶ AZ
رده بندی دیویی	۰۰۱/۳۰۷۹
شماره کتابشناسی ملی	۳۳۰۱۵۰۹

یکصد قاعده در روش تحقیق

نویسنده: دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه

نوبت چاپ / سال نشر: چاپ اول / ۱۳۹۲

طراحی جلد: یوسف بهرخ

شمارگان: ۷۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹ - ۲۶ - ۷۸۶۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN:

تمامی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۶ - ۱	مقدمه
	فصل اول
۲۲ - ۷	شخصیت پژوهشگر
۸	۱. داشتن اهدافی والا
۱۰	۲. موفقیت در گرو خودشناسی
۱۳	۳. روحیه نقادی و انتقادپذیری
۱۴	۴. ارتقای مستمر سطح خواندن و نوشتن
۱۶	۵. رعایت اعتدال در زندگی
۱۷	۶. استمرار
۱۸	۷. شاگردی اساتید بزرگ
۱۹	۸. فعالیت عملی
۱۹	گفتاری از مرحوم علامه استاد جلال الدین همایی
	فصل دوم
۱۲۰ - ۲۳	علم و روش علمی
۲۳	۹. علم شناختی منضبط و سازمان یافته است.
۲۵	۱۰. پژوهش ها بر اساس اهداف پژوهشگران انواع مختلفی دارند.
۳۱	۱۱. پژوهشگر باید متوجه کاربردهای پژوهش خود باشد.
۳۲	۱۲. اقتضای برخی از پژوهش ها استفاده از روش های ترکیبی است.
۳۳	۱۳. مطالعات توصیفی، تحلیلی و نظریه پردازی
۳۸	۱۴. پاره ای از مطالعات مبتنی بر آینده پژوهی هستند.

ب یکصد قاعده در روش تحقیق

۴۲. ۱۵. رعایت «اخلاق و ادب»
۴۲. ۱۶. «اول شناخت، سپس حکم»
۴۳. ۱۷. «تناسب روش با علم مورد نظر»
۴۶. ۱۸. تمییز قیاس از استقراء
۴۷. ۱۹. «هدفمندی در تحقیق»
۴۷. ۲۰. «عدم اعتماد به گمان»
۴۸. ۲۱. «تعیین درجه تشخیص شناخت»
۴۹. ۲۲. «اگر نقل کننده هستی پس سند»
۵۰. ۲۳. «اگر مدعی هستی پس دلیل»
۵۰. ۲۴. «بیان حقیقت، همه حقیقت»
۵۱. ۲۵. «پرهیز از ابهام و تعقید در متن»
۵۱. ۲۶. «وحدت رویه در تحقیق»
۵۲. ۲۷. «نگو درست نیست تا نمی دانی که درست چیست»
۵۲. ۲۸. «رعایت اولویت در سند و دلیل»
۵۳. ۲۹. «اصل مقدم بر فرع»
۵۳. ۳۰. «عدم خروج از عرف زبان علمی مگر با دلیل محکم»
۵۳. مثال - نمونه‌ای از نام‌گذاری نادرست
۵۴. ۳۱. «نگارش پس از تحقیق»
۵۴. ۳۲. اولین قدم محقق، آخرین قدم او نباشد.
۵۵. ۳۳. «محقق حق تشریع ندارد.»
۵۵. ۳۴. «قرآن مصون از تحریف است.»
۵۶. ۳۵. «رعایت حدود ابراز عقیده»
۵۶. ۳۶. «تقلید ناپذیری در کسب اعتقادات»
۵۶. ۳۷. «تفاوت کلام الهی با کلام بشری»
۵۷. ۳۸. «ثبات اصول اعتقادی و اخلاقی و احکام اولیه اسلام»
۵۸. ۳۹. ضرورت توجه به مصادر مختلف مذاهب اسلامی
۵۹. مثالی از اتکا به منابع و استدلال ضعیف در شناخت شیعه
۶۱. ۴۰. توجه به روش‌شناسی‌های مختلف

۶۲	۴۱. تسلط بر منبع‌شناسی
۶۸	۴۲. توجه به بسامد اندیشه‌ها یا پدیده‌ها
۶۹	۴۳. تمایز میان دنیای نظریه‌پردازی با دنیای واقعی.
۶۹	۴۴. درک مفهوم فرصت در گرو درک مفهوم تهدید است.
۶۹	۴۵. جدایی‌ناپذیری ابعاد یک پدیده در دنیای واقعیت.
۷۰	۴۶. ضرورت توجه به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاها
۷۱	۴۷. ممانعت از تبدیل نظریه‌های غربی به صورت اصل خود بنیاد.
۷۱	۴۸. ضرورت توجه به گذشته علم مورد نظر
۷۲	۴۹. ضرورت توجه به طبقه‌بندی علوم
۷۳	۵۰. توجه به حدود احکام تعمیم
۷۳	۵۱. پرهیز از استناد به شنیده‌ها و اظهارنظرهای عجولانه
۷۴	۵۲. کوشش جهت شناخت بی‌واسطه مسایل
۷۴	۵۳. تمرکز بر رفع نیاز واقعی
۷۵	۵۴. ضرورت مشخص کردن رویکرد نظری در پژوهش.
۷۵	۵۵. ضرورت اجتناب از روحیه کتابی
۷۷	۵۶. یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه
۷۸	۵۷. ضرورت داشتن الگوهایی در پژوهش
۷۹	۵۸. لازمه یک تحقیق خوب آگاهی محقق از روش‌شناسی خود است.
۸۲	۵۹. شناخت نظام‌یافته مصادر علمی
۸۴	۶۰. ارائه اطلاعات علمی صحیح
۸۸	۶۱. اجتناب از نقل‌قول‌های حجم افزا.
۸۹	۶۲. تهیه منابعی جهت مقایسه دیدگاه‌ها و وقایع
۸۹	۶۳. یادداشت نویسی منظم
۹۰	۶۴. استنادهای توضیحی و ارجاعی
۹۱	۶۵. ضرورت داشتن استدلال‌هایی صحیح
۹۴	۶۶. پژوهش مستلزم داشتن درک بالایی از زیبایی‌شناسی است.
۹۶	۶۷. داشتن نگاهی نقادانه
۱۰۳	۶۸. جهت افزایش قدرت نقادی خود مباحثه کنید

ث یکصد قاعده در روش تحقیق

۶۹. کاهش اشتباهات از طریق مشورت با دوستان اهل فن. ۱۰۳
۷۰. مشاهده؛ یکی از ابزارهای مهم پژوهش ۱۰۳
۷۱. تفکیک وضعیت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی ۱۰۶
۷۲. تفاسیر بازیگران و تفاسیر ثانویه علمی ۱۰۸
۷۳. ثبت مشاهدات ۱۰۹
۷۴. گفت‌وگوی هدفمند با نخبگان ۱۱۱
۷۵. گفت‌وگوی علمی باید قاعده‌مند و از روی برنامه باشد. ۱۱۱

فصل سوم

۱۱۵ - ۱۴۲

انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف

۷۶. پژوهش‌های اکتشافی زیربنای دیگر پژوهش‌ها ۱۱۵
۷۷. انتخاب موضوع بر پایه خودشناسی و موضوع‌شناسی ۱۱۶
۷۸. پرسش قطب‌نمای پژوهش است. ۱۱۸
۷۹. ضرورت وجود مشکل فکری در پرسش ۱۱۹
۸۰. هماهنگی عناصر پژوهش با پرسش‌های اصلی ۱۲۱
۸۱. اسلوب بیانی پرسش: روان و مختصر و مفید ۱۲۱
۸۲. توجه به تخصص، امکانات و محدودیت‌ها در طرح پرسش‌ها ۱۲۳
۸۳. تنها برخی از تحقیقات فرضیه دارند. ۱۲۴
۸۴. فرضیه پاسخی علمی به پرسش است. ۱۲۶
۸۵. تناسب فرضیه‌ها با نوع پژوهش ۱۳۰
۸۶. یا فرضیه اصلی یا «فرضیه رقیب». ۱۳۲
۸۷. ضرورت بین‌الذهانی کردن واژگان پژوهش ۱۳۳
۸۸. توافق در تعاریف، شرط گفت‌وگو با دیگران ۱۳۳
۸۹. مآخذ تعاریف لغوی باید مراجع معتبر باشند. ۱۳۴
۹۰. شرط قابلیت مشاهده و سنجش شرط در پژوهش‌های تجربی ۱۳۵
۹۱. نام‌گذاری و انتخاب واژگان باید دقیق باشد. ۱۳۷

فصل چهارم

۱۴۳ - ۱۵۴

نکاتی درباره نگارش طرح‌نامه و مقاله

۹۲. بخش‌های مختلف یک طرح‌نامه ۱۴۳

ج فهرست مطالب

۹۳. تنظیم طرحنامه بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش است. ۱۴۵
۹۴. اجزای طرحنامه پژوهش باید باهم هماهنگ باشند. ۱۴۵
۹۵. محدودیت حجم مقاله (حداکثر ۷۰۰۰ واژه) ۱۴۸
۹۶. نگارش مقاله به معنای اتمام پژوهش است. ۱۴۹
۹۷. نتیجه‌گیری پاسخ پرسش‌های اصلی و یا بیان صحت و سقم فرضیه‌هاست. ۱۵۲
۹۸. نگارش بندها (پاراگراف‌ها) باید هدفمند باشند. ۱۵۲
۹۹. سهل‌الوصول بودن مطالب مقاله ۱۵۳
۱۰۰. پایان هر پژوهش ارائه رهنمود به آیندگان است. ۱۵۳

۱۵۵

کتاب‌نامه

مقدمه

کتاب حاضر مشتمل بر مجموعه قواعدی است کاربردی در آموزش روش تحقیق در علوم انسانی که با مثال‌هایی از رشته‌های علوم اسلامی (همچون علوم قرآنی و شیعه‌شناسی) تنظیم شده است. تاکید این اثر بر تعمیق فرهنگ پژوهش و توجه دادن به ویژگی‌های شخصیتی یک پژوهشگر موفق است. تجربه نظام دانشگاهی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که هرچه تاکید بر آموزش خشک قواعد از نوع محفوظات شب امتحانی و عدم معرفی الگوها و جریان‌های اصیل پژوهش اسلامی در علوم انسانی باشد، گرایش به تقلب در میان دانشجویان بیشتر می‌شود. درس «روش تحقیق» اگر توأم با تجربه «کار عملی» باشد، قلب‌تپنده علوم انسانی است و باید از پایه اصلاح شود تا دیگر شاهد آن نباشیم که چهره شهرها و در و دیوار مراکز دانشگاهی مملو از برگه‌های تبلیغاتی جهت فروش مقاله و پایان‌نامه باشد که همانا یکی از اشکال «کلاه‌برداری» است که باید قاطعانه با آن مقابله کرد. این معضل یکی از پیامدهای بی‌مهری به آثار بزرگانی چون علامه عبدالحسین امینی، علامه سید محمدحسین طباطبائی، علامه آقابزرگ تهرانی، سید جعفر شهیدی، جلال‌الدین هُمایی (رحمهم الله) و ... در درس روش تحقیق بود تا جایی که در قریب به اتفاق کتاب‌های منتشرشده روش تحقیق در علوم انسانی کشور، حتی اشاره‌ای کوتاه هم به نام آنان نشده است؛ این در حالی است که مهم‌ترین وظیفه درس روش تحقیق، ترغیب دانشجویان به کسب تجربه پژوهش بر اساس الگوهایی اصیل است و نه افزودن کتابی دیگر به مجموعه کتاب‌های شب امتحانی ...

یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که در سال‌های اخیر بلایی برای فرهنگ و دانش کشور شده است، رها کردن منابع مرجع در آموزش و ورود غیرتخصصی به مباحث عمیق بوده است. برای مثال، در سال‌های اخیر سخن‌سرایی درباره حکمت صدرایی به اوج خود رسیده

است. افرادی که حتی قادر به روخوانی صحیح متن اسفار^۱ ملاصدرا نیستند (تا چه رسد به تفسیر آن) چنان درباره‌اش قلم‌فرسایی می‌کنند که گویی سال‌ها در این حوزه نزد اساطین فلسفه و عرفان اسلامی تحصیل کرده‌اند و دست آخر معلوم می‌شود که حداکثر چند واحدی در دانشگاه، درباره‌ی ملاصدرا چیزی به گوششان رسیده است! مرحوم استاد جلال‌الدین همایی می‌نویسد:

روزی یکی از معاصران خود که از مبادی فلسفه‌ی ابن سینا سهل است اصلاً با زبان عربی آشنایی نداشت، شنیدم که می‌گفت در وقت خواب به جای روزنامه و رمان، کتاب شفای ابوعلی سینا را مطالعه می‌کنم. من در ابتدا پنداشتم که این سخن را بر سیبل شوخی و مزاح یا برای تحقیر و اهانت به کتاب ابن سینا می‌گوید. آن گاه بر تعجب من افزود که دیدم آن سخن را جدی و در مقام خودستایی برای اثبات مفاخر خود می‌گوید. روی سخنم به طالبان مبتدی است که زنه‌ار غرور و خودسری را به خود راه ندهند و اگر به

۱. جلال‌الدین همایی درباره‌ی استادش مرحوم شیخ محمد خراسانی می‌نویسد: «... مکرر می‌فرمود که اسفار را نباید جزء متون و سطح فلسفه شمرد و بلکه باید آن را به منزله‌ی درس اجتهادی خارج محسوب داشت؛ یعنی کسی اهلیت خواندن اسفار را دارد که همه‌ی مبادی فلسفه را آموخته و با کلمات حکما و متکلمان و عرفای اسلامی کاملاً آشنا شده و از تحصیل متون و سطوح فلسفه و کلام و عرفان فراغت یافته باشد همان طوری که در درس خارج فقه شرط است که از تحصیل سطوح و متون فقه فارغ شده و به درجه‌ی اجتهاد رسیده باشد.» (نصری، ۱۳۶۷: ۱۵۷-۱۵۸)

۲. حضرت امام خمینی (ره) در نامه‌ای به یکی از شاگردان خود به نام سید ابراهیم خویی معروف به مقبره‌ای که در «صحیفه امام» موجود است، می‌نویسد که او هر آنچه را که از امهات اصول حکمت متعالیه می‌دانسته به وی منتقل کرده است و چنین هشدار می‌دهد که «مکرر می‌گردانم وصیت خود را به آنچه که مشایخ عظام به ما سفارش کردند؛ و آن، **فاش نساختن اسرارِ معارف است مگر به اهلش، و دهان نگشودن به حقایق عوارف مگر در محلس**» (نامه امام خمینی به تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۱۷ ش/ ۲۶ ذی الحجه ۱۳۵۷ ق) با این حال اهل و محل و شأن علوم اسلامی در آموزش دانشگاهی رعایت نمی‌شود. مدتی پیش شاهد بودم که یکی از اساتید دانشگاه از این موضوع ابراز خوشحالی می‌کرد که امروزه حتی در واحدهای دانشگاهی در شهرستانهای کوچک هم حکمت صدرایی تدریس می‌شود و آن را به عنوان نهضتی در راستای مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب می‌دانست. چنین طرز فکری صحیح نیست. در آموزش سنتی حکمت صدرایی، که ضامن بقای آن بوده است، افراد قابل با معیارهای دقیقی از سوی اساتید بزرگ حکمت متعالیه گلچین می‌شدند؛ از این رو شاگردان غالباً در سطوح خارج فقه بودند و آنان هیچگاه بدون سالها مجاهده و سیر و سلوک صحیح و چنین بی‌قیدوبند، به تعلیم مضامین بلند حکمت اسلامی نمی‌پرداختند.

مقدمه ۳

حقیقت، طالب علم و در تحری قبله معرفت و دانش اند، پای از طواف حریم کعبه استاد نکشند و قدم از طریق سعی و صفا بیرون نهند.

سعی ناکرده در این راه به جایی نرسد

مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر (نصری، ۱۳۶۷: ۱۶۶)

علوم انسانی با اکتفا به کرامت نامه نویسی درباره علمای بزرگ اسلامی متحول نمی‌شود؛ بلکه با تحقق اهداف، برنامه‌ها و استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مطالعاتی آن بزرگان است که می‌توان بر فضای علوم انسانی و ساحت فکری دانشگاه‌ها تأثیر گذاشت. آن‌ها نیازی به تعریف و تمجیدهای ما ندارند ولی ما سخت نیازمند شناخت معارف آنان (و نه بیان داستان‌هایی درباره آنان) هستیم. درس روش تحقیق، درسی نظری نیست و البته تا زمانی که نظام آموزش عالی کشور بر پایه محفوظات دانشجو و نه خلاقیت‌های او بنا شده باشد، امید چندانی به گسترش محتوای درس روش تحقیق به سایر دروس دانشگاهی نمی‌رود. در گذشته، هرچند حوزه‌های علمیه درس مستقلی به نام روش تحقیق نداشتند اما دید دقیقی نسبت به علم و تعریف آن بر مبنای «موضوع، مسایل و مبادی» داشتند. از سوی دیگر آنان بحث شرافت علم را از بحث «وثاقت دلالت آن» تمییز می‌دادند. از لحاظ شرافت علم، تاکید بر علوم الهی است؛ زیرا بر خلاف علوم دنیوی، امری مقطعی نیست؛ چنانکه حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ فَفَقَّهْهُ فِي الدِّينِ

چون خدا خیر بنده‌ای را بخواهد او را در دین دانشمند می‌کند. (کلینی،

۱۴۲۹: ۱ / ۷۷)

و حضرت امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید:

الْكَامِلُ كُلُّ الْكَامِلِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَالتَّقْدِيرُ الْمَعِيشَةَ

کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و اقتصاد در

زندگی است. (همان، ۱ / ۷۸)

۱ برای مثال، مرحوم میرزا احمد آشتیانی‌ره علوم را بر دو قسم می‌دانست: قسم اول شامل علوم مربوط به عالم جسمانی (عالم ظاهر و محسوس) است که به دانش‌های مربوط به صنایع و حرفه‌ها، عمران و سیاست، علوم پزشکی و ریاضیات و علوم تعلیمی تقسیم می‌شود. قسم دوم به ماوراءالطبیعه و عالم برتر از حس بازمی‌گردد. او در ادامه این بحث را مطرح کرده است که سنخ اول متعلق به دنیای فانی و سنخ دوم متعلق به حیات ابدی انسان است که البته نمی‌توان آن را نادیده گرفت. (آشتیانی: ۱۳۷۴: ۲ - ۴)

شرافت علم بر پایه ابدی بودن حیات انسان است، آیت‌الله حسن‌زاده آملی تعبیر خوبی در این زمینه دارد: «آن که خود را ابدی شناخت، فکر ابد می‌کند.» (آملی، ۱۳۸۲: ۲۳) دانشمندان بزرگ اسلامی به خوبی متوجه این مسئله شده بودند که حیات انسان ابدی است و زندگی اصیل در دنیا در گروه توجه به آخرت و تصحیح نیت‌ها و اعمال است؛ مسئله‌ای که خود را در علومی چون طب و یا هندسه، نشان داد. چنانکه در بحث «ادب طبیب» می‌خوانیم که: پزشک در کارش باید دارای نیتی خالص برای خداوند باشد تا حرفه‌اش از بزرگ‌ترین عبادات و در راستای امتثال سنت مطهره در کاهش دردهای مسلمانان و کمک به ایشان باشد. (الخطابی، ۱۹۹۸: ج ۱ / ۴۶۳ او به نقل از: ابوعبدالله العبدی از کتاب «المدخل» ۱۴۱/۴ - ۱۴۲) و یا مؤیدالدین العرضی (۶۶۴ ق / ۹۳۹ م) در «کتاب الهیئة» در بحث موضوع علم فلک و براهین آن می‌نویسد:

شرف هر علم یا به شرف موضوع آن و یا وثاقت براهینش و یا به هر دوی آن‌هاست. موضوع علم فلک درباره شگفت‌انگیزترین صنع الهی و بزرگ‌ترین آفریده او و حکیمانه‌ترین افعال است و براهین این علم، هندسی و حساب به تمامی است. اندیشه در آن مجالی بسیار وسیع و دلیلی قاطع بر وجود صانع - سبحانه و تعالی - دارد. (همان: ۲ / ۷۱۶-۷۱۷. او به نقل از مؤید الدین العرضی در «کتاب الهیئة» ص ۲۷ - ۳۱)

اما مسئله «وثاقت دلالت» در کنار ارتباط تنگاتنگ خود با شرافت علم، امری مرتبط با موضوعات روشی علوم است. به تعبیر راغب اصفهانی استحکام علوم دینی بر پایه وحی است؛ درحالی‌که در علم طب بر پایه «تجارب» است. (همان: ۲ / ۵۶۰. او به نقل از راغب اصفهانی در کتاب الذریعة إلى مکارم الشریعة، ص ۱۴۲ - ۱۴۳) اگر خوب توجه شود مشخص می‌شود که بحث شرافت علم در سنت‌های فکری جهان اسلام به معنای طرد بحث وثاقت علم در سنت‌های علمی و فکری جهان اسلام نیست و حتی می‌توان گفت که بدون توجه به مبحث وثاقت نمی‌توان به چنان شرافت بزرگی نائل آمد؛ زیرا کسب علوم الهی مستلزم استفاده از روش‌ها و منابع صحیح آن است.

گذشتگان ما از کودکی با قرآن و گلستان و بوستان سعدی و اشعار حافظ و نیز احکام شرعی آشنا می‌شدند و با خواندن آثار چنان جامع‌المقدمات و شرح الفیه (چه شرح

سیوطی و یا ابن عقیل) و کتاب مطول تفتازانی و مانند آن، علاوه بر آموزش زبان عربی و تقویت مبانی زبان‌شناسی آن، از همان ابتدا ارتباطی مستقیم با متون مرجع داشتند؛ از این رو بسیاری از محصلان آن نظام آموزشی طبعی موزون داشتند و بر دقایق ادبی تسلطی کامل. آنان در ادامه تحصیل خود، دروسی چون منطق، ریاضیات و هندسه، اصول فقه و فقه و بنا بر ذوق و استعداد خویش، اصول حکمت و عرفان را می‌آموختند؛ اما نظام دانشگاهی، نظامی واحدی و شتاب‌زده است که در آن دانشجوی بی‌آنکه مقدمات لازم را طی کند، به صورتی مصنوعی وارد این علوم می‌شود. از این حیث، وظیفه اصلی درس روش تحقیق در رشته‌های دانشگاهی علوم دینی را باید «محدود کردن» یا «مهار کردن» دانشجوی قلمداد کرد تا او بداند نباید بی‌مه‌با وارد هر عرصه‌ای شود و همواره متوجه خطراتِ جهل مرکب باشد.

با در نظر گرفتن توضیحات مذکور، این کتاب چنانکه از نامش پیداست، شامل مجموعه‌ای از قواعد روش تحقیق است. قاعده در لغت به معنای اساس و ریشه است. چنانکه ستون‌های خانه را «قواعد» می‌نامند و مراد از قواعد روش تحقیق عبارت است از اصولی عمومی که به کارگیری آن‌ها در جهت کسب شناخت علمی الزام‌آور است. برخی از اصول روش‌شناسی در همه رشته‌های علمی مشترک‌اند و برخی دیگر به اقتضای تخصص‌ها متفاوت از دیگری هستند. برای مثال، رعایت اخلاق، قاعده‌ای بنیادین در انجام هر پژوهشی است. باید از اتهام زنی بدون دلیل خودداری کرد. باید از به کار بردن الفاظ زننده و زشت در قبال آنان که موافق ما اندیشه نمی‌کنند خودداری کرد. به جای بدگویی، بهترین پاسخ به مخالفان یک دیدگاه و یا عقیده، استدلال محکم، در قالب بهترین عبارات است. باید امانت علمی را در نقل دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها رعایت کرد و فضل صاحبان اندیشه را در طرح مسئله‌شان پاس داشت. این موضوعات مسایلی عمومی‌اند که ضرورت آن در انجام هر پژوهشی احساس می‌شود. یا این قاعده که هر علمی روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد، در همه علوم و به ویژه علوم اسلامی، مطلبی مهم است. هر پژوهش دارای موضوعی است و هر موضوعی روش مطالعه خود را می‌طلبد. وظیفه محقق آن است که از خلط روش‌ها و علوم پرهیزد و در تاریخ به روش‌های تاریخی، در فقه به روش‌های فقهی و در تفسیر به روش‌های تفسیری متمسک شود. یا به عنوان یک قاعده، در نقد علمی یک اثر یا دیدگاه، علاوه بر رعایت انصاف، باید

نقد را به گونه ای مطرح کرد که مبدل به یک «قاعده کلی» شود و منحصر به انتقاد شوندگان نشود. این امر موجب می شود تا منتقد خودش را در تیررس انتقادش ببیند و خود نسبت به رعایت نقدش احساس مسئولیت کند و یا قواعدی مانند: «توصیف غلط موجب تحلیل غلط می شود. بنابراین مسئله تنها بیان حقیقت نیست، بلکه بیان همه حقیقت مؤثر در موضوع است.»، «اگر نقل کننده هستی پس سند»، «اگر مدعی هستی پس دلیل»، «اول کسب شناخت، سپس حکم کردن»، «گمان قابل اتکا نیست.» و ...

این کتاب حاصل تدریس این جانب در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (واحد تهران) است. کتاب تنها یادآوری برخی از نکات ضروری است که اقتضای هر پژوهشی هستند و تاکید اصلی بر فعالیت های عملی دانشجویان بوده است که عموماً شامل سه دسته فعالیت است:

۱. آشنایی دانشجویان با الگوهای اصیل پژوهش همچون علامه عبدالحسین امینی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، آیت الله معرفت، جلال الدین همایی، سید جعفر شهیدی و مانند آن.

۲. نگارش مقالات کوتاه برای هر جلسه در حدود سه تا پنج صفحه.

۳. نقد هفتگی مقالات علمی که از انواع پژوهش ها انتخاب می شود و در هفته به دانشجویان ارائه می شود.

انشاء الله روزی فرارسد که پژوهش های اصیل در حوزه و دانشگاه احیا شوند و شاهد ظهور بزرگانی دیگر در عرصه های علوم انسانی و الهی باشیم. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ... وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.

کامیار صداقت ثمرحسینی^۱

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تابستان ۱۳۹۲

فصل اول

شخصیت پژوهشگر

پژوهش پیش از آن که یک «فن» باشد، یک فرهنگ است. به کارگیری فنون پیشرفته پژوهش، بدون داشتن شخصیت و پی‌ریزی فرهنگ محکمی، برکت و ثمری ماندگار ندارد. باهر شیوه زندگی نمی‌توان به مراتب بالای علمی دست یافت. تولید علم بدون زحمت نیست و شخصی حاضر به قبول این زحمت می‌شود که به ارزش کسب آن ایمان داشته باشد. بسیاری از دانشمندان اسلامی نظیر مرحوم علامه عبدالحسین امینی، آیت الله شیخ جواد بلاغی نجفی، مرحوم آیت‌الله علامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ شمسی) و ... که فخر اسلام بودند و علوم و مؤلفاتشان جهان دانش را روشن کرد، در اوج سختی به کمالات عالی علمی و معنوی نائل شدند. البته باید مشکلات مالی پژوهشگر تا سطح قابل قبولی بر طرف شود، اما نباید ارزش‌های پژوهشگری قربانی آن شود. نمی‌توان پژوهش را از طریق حفظ کردن پاره‌ای از قواعد آموخت. پژوهش تنها با «عمل کردن» به اصول تحقیق و در وهله اول رعایت فرهنگ آن ممکن می‌شود. ممکن است شخصی قواعد پرسشگری را خوب بشناسد، اما تا به صورت عملی خود را درگیر پرسیدن و مهم‌تر از آن، توجه به «از چه پرسیدن» نکند، طبعاً معرفتی نیز برای او مطرح نخواهد بود. با توجه به آنچه بیان شد، در این بخش به اختصار به برخی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت یک پژوهشگر اشاره می‌شود:

۱. داشتن اهدافی والا

اقتضای فعالیت در علوم دینی پاکی دل و نیت صادقانه است. علمای دین همواره تاکید کرده‌اند که درس و بحث باید لله باشد: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (قرآن مجید، انعام: ۱۶۲)

علم بهر کمال باید خواند

نه به سودای مال باید خواند (اوحدی)

عالمان بزرگ جهان اسلام برای رسیدن به سطوح عالی سختی‌های بسیاری را تحمل کردند. هدف اصلی آنان احیای اسلام بود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:
قال صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ جَاءَهُ الْمَوْتُ وَهُوَ يَطْلُبُ الْعِلْمَ لِيُحْيِيَ بِهِ الْإِسْلَامَ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ.

کسی که مرگ او را دریابد درحالی که در طلب علم و دانش است تا بتواند اسلام را

زنده کند، در بهشت تنها یک درجه با پیامبران فاصله دارد. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲ / ۷۰۰)

گزارش مرحوم علامه محمدتقی جعفری (۱۳۰۲ - ۱۳۷۷) در وصف زندگی خود در زمان تحصیلش در نجف اشرف شگفت‌آور است. او گاه تا پنج، شش روز غذایی برای خوردن نداشت، در یک مورد از شدت گرسنگی از حال رفت و گاه دو تا سه ساعت در روز کار یدی می‌کرد و با این حال اشاره دارد که شوق به فراگیری علم، سختی‌ها را آسان و قابل تحمل می‌کرد: (جعفری، ۱۳۷۷: ۷)

رنج راحت شد، چو شد مطلب بزرگ

گرد گله توتیای چشم گرگ (شیخ بهایی)

موفقیت آنان بدین دلیل بود که نیتی پاک و الهی از پژوهش ارائه داده بودند و از «ظاهرسازی» سخت اجتناب می‌کردند. پیشوایان دینی معیارهای دقیقی برای تمیز عمل حقیقی از عمل ریایی و ظاهرسازی ارائه داده‌اند:

ثلاث علامات للمُرَائِي: يَنْشَطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ

يُحَمِّدَهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ

نشانه‌های ریاکار سه چیز است: نشاط او در مقابل دیدگان مردمان و کسالت او در زمان

شخصیت پژوهشگر ۹

تنهایی و اینکه دلش خواهان تعریف و تمجید مردمان در همه امور است. (آشتیانی،

۱۳۸۳: ۶۵۴/۱)

همچنین توسل به خاندان پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های فرهنگی پژوهشگران شیعی است. زندگی تمامی دانشمندان برجسته شیعی مملو از شور و شوقی عظیم به این خاندان بزرگوار است.

نیز عالمان شیعه علاوه بر ایمان راسخ به اهدافشان، در پژوهش‌های خود نیز کاملاً هدفمند ظاهر شده‌اند. برای مثال، آقابزرگ تهرانی با نگارش «الذریعة إلى تصانیف

الشیعة» که دائرةالمعارف بزرگ کتاب‌شناسی شیعه است، کوشید تا حضور علمای شیعی را در سراسر تاریخ اسلام نشان داد آن اثر پاسخی بود به کسانی که شیعه را متهم به نداشتن دانشمندان و تألیفات و منابع علمی می‌کردند. علامه سید محمدحسین طباطبایی با تفسیر المیزان کوشید تا تفسیر نویسی بر پایه منهج اهل بیت علیهم السلام را در روزگار معاصر احیا کند. آیت‌الله محمدهادی معرفت با تمرکز موضوعات تحقیق خود در حوزه تفسیر و علوم قرآن کوشید تا مطالعات علوم قرآنی در حوزه را رونقی دوباره بخشد. علامه مصطفوی با نگارش کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» کوشش کرد تا افق‌های جدیدی در دلالت‌های مفهومی الفاظ قرآن ارائه کند. او نشان داد که الفاظ قرآن معانی مجازی ندارند و معانی همه آن‌ها بر پایه دلالت‌های حقیقی استوار هستند.

علامه عبدالحسین امینی در کتاب «الغدير فی الکتاب و السنة و الادب» علاوه بر احیای میراث مکتوب الغدير، در مباحث ادبی آن کتاب نشان دادند که فهم شاعران و ادیبان بزرگ اسلامی از واژه مولى در حدیث غدير، سرپرستی و زعامت جامعه بوده است. او این مسئله را در بسامد میراث غدير قرن به قرن نشان می‌دهد.

نیت و انگیزه خیر از انجام پژوهش، اولین مشخصه یک پژوهشگر خوب است. پژوهشگر خوب در پی حل مشکلی از مشکلات جامعه و کاهش دردها و مصائب آن و افزودن بر رفاه و سلامت اعضای جامعه‌اش است؛ بنابراین دغدغه‌های بزرگی دارد مانند:

- ایجاد امکاناتی بهتر برای آموزش کودکان،
- تحقیق برای زدودن افکار خرافی از جامعه،
- تحقیق برای گسترش امکانات وحدت اسلامی و ...

پژوهشگر خوب می‌داند به دنبال چیست؟ کسی که بدون داشتن پرسشی روشن، به جمع‌آوری داده‌های تحقیق می‌پردازد، ممکن است روزی تا شانزده ساعت یادداشت بنویسد. اما از آنجا که کارش جهت مشخصی ندارد، هدف و نتیجه مشخصی هم نخواهد داشت.

بیندیشیم

- چه اهدافی از تحصیل داریم؟
- چه کسانی الگوی ما هستند؟
- پایبند به چه اصولی در پژوهش هستیم؟

۲. موفقیت در گرو خودشناسی

موفقیت یک پژوهشگر در گرو خودشناسی است. دانشجوی موفق کسی است که می‌کوشد تا بر نقاط قوت و ضعف خود آگاهی یابد و از تجربه‌ها درس بگیرد؛ نه آنکه دائماً یک اشتباه را بارها و بارها تکرار کند. برای مثال، یکی از جنبه‌های خودشناسی، شناخت پیش‌فرض‌های مورد قبول خویش است. پیش‌فرض‌ها اصول و پایه‌های کلی‌ای هستند که جریان شناخت را متأثر از خود می‌کنند. محقق باید نسبت به آنچه در پژوهش خود، بدیهی و از پیش مسلم و قطعی می‌داند، آگاه باشد. او هر چه پیش‌فرض‌های مورد پذیرش خود را بهتر بشناسد، محتاط‌تر گام بر می‌دارد و منظم‌تر عمل می‌کند؛ زیرا پایبند اصولی است که پیش از تحقیق بدان آگاهی داشته است. برای مثال، پیش‌فرض‌های تفسیر در بیان مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی عبارت‌اند از:

۱. قرآن کلام خداست.
۲. متن قرآن معجزه است.
۳. قرآن شمولیت و جاودانگی دارد.
۴. قرآن دارای خلاقیت است.
۵. برای معضلات انسان و جامعه در قرآن پاسخ و راه‌حل موجود است.
۶. قرآن موجب تأسیس شریعت است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۰ - ۲۳)

شخصیت پژوهشگر ۱۱

محقق با شناخت پیش فرض‌های خود، در واقع شرایط فکری حاکم بر خویش را به صورت روشنی ترسیم می‌کند. البته برخی پیش فرض‌ها به بدیهیات عمومی میان مسلمانان مبدل شده‌اند و برخی دیگر از آن‌ها محدودتر یا شخصی‌ترند. ممکن است پیش فرض (امر مسلم) یک نفر در نظر دیگران فرضیه یا همان امر محتمل، باشد. شخصی که با پیش فرض «صامت بودن» قرآن کریم وارد حوزه تفسیر کلام الهی می‌شود، بسیار متفاوت از مفسرانی برجسته چون علامه طباطبایی^(ه) می‌اندیشد که قرآن را کلامی ناطق می‌دانند که برخی آیات آن مفسر برخی دیگرند. باید در قبال پیش فرض‌های خود آگاه بود؛ چرا که آن‌ها در موارد بسیاری بر جهت‌گیری کلی پژوهش، تأثیر قاطعی دارند.

همچنین پژوهشگر زمانی موفق است که شناخت مطلوبی از توانایی‌های خود داشته باشد و بر پایه آن شناخت، به توسعه توانایی‌هایش بپردازد. در انتخاب حوزه فعالیت‌ها، باید به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود توجه کرد و حوزه توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را توسعه داد؛ اما فراتر از آن کاری نکرد. محدوده تحقیق بر پایه محدودیت‌های فرا روی پژوهشگر ترسیم می‌شود. معمولاً پژوهش‌هایی که بیش از اندازه، گسترده و یا محدود هستند، نتایج مطلوبی ندارند. تعیین محدوده پژوهش بدون تعریف و توجه به محدودیت‌های پژوهشگر امکان‌پذیر نیست. در اینجا خودشناسی کمک می‌کند تا محقق محدوده پژوهش مناسب‌تری انتخاب کند. در این زمینه توجه به پرسش‌های زیر سودمند است:

- آیا دارای زمان کافی در امر پژوهش هستم؟
 - آیا به کتاب‌های «لازم» برای پژوهش دسترسی دارم؟
 - آیا قادر به ایجاد و مدیریت گروهی برای پژوهش هستم؟
 - آیا مسلط به زبان مورد نیاز پژوهش هستم؟
 - آیا امکانات مالی متناسب با موضوع انتخابی خود را دارم؟ و ...
- خانم دکتر طاهره صفار زاده در کتاب خود با عنوان «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)» نشان می‌دهد که به صورتی هدفمند و مستمر، مطالعات قرآنی خود را با علاقه‌ای درونی دنبال کرده است. او به نکات بسیار آموزنده‌ای اشاره دارد:

سعی من در تألیف این کتاب معرفی اهمیت شناخت اسماء الحسنی و دیگر مفاهیم بنیادی قرآن مجید بوده است. زیرا در هیچ‌یک از آثار پیشینیان و معاصران کوششی به مقصد شناساندن ارتباط اسماء الهی با آیات قرآن نیافتم ... سرمایه اصلی من در این

سیر و سفر علمی که رد پایی برای اطاعت و دنبال کردن در پیش روی خود نمی‌دیدم، توکل به خداوند دانای توانا و اتکا به الهامات الهی بود. ابزار کار عبارت بودند از حدود سی سال مطالعه مشتاقانه و پژوهشگرانه توأم با یادداشت برداری از تفاسیر کشف الأسرار، ابوالفتوح، مجمع البیان، مواهب علیه، منهج الصادقین، طبری، سورآبادی، نسفی، کمبریج، المیزان، نمونه و آثار مفسران و مترجمان معاصر ... ابزار مؤثر دیگر در تألیف این کتاب و ترجمه قرآن به دو زبان این‌ها بودند: بیش از چهل سال کار با قلم همراه با پژوهیدن و تمرین برای کاربرد واژه در شعر و نثر، حدود چهل سال آشنایی با زبان انگلیسی از تحصیل دانشگاهی تا تدریس دانشگاهی به ویژه نوزده سال تدریس نقد عملی ترجمه در دانشگاه‌های کشور و نیز دوازده سال ویراستاری کتاب‌های علمی به زبان انگلیسی. ... (صفار زاده، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴)

متن فوق نشان از علاقه نویسنده و تناسب اثرش با تخصص و علاقه اش دارد. نیز نشان از برنامه‌ریزی طولانی مدت محقق جهت فعالیت در یک حوزه مطالعاتی دارد. همچنین پژوهشگر خوب توجه ویژه‌ای به شیوه زندگی‌اش دارد. برای مثال، نمی‌توان بدون دارا بودن برنامه منظم و هدفمند مطالعاتی خود را پژوهشگر خواند. نمی‌توان بدون استمرار در یادگیری، «ملکه پژوهش» را در خود محقق کرد. استمرار در مطالعه سنجیتی با تحمیل مطالعه بیش از حد بر خود که نقش مخربی بر روحیه پژوهشگر دارد، ندارد. نمی‌توان با روزی پنج ساعت تماشای فیلم و برنامه تلویزیونی خود را دانشجو نامید. متأسفانه توان عظیمی از نیروی اندیشه نسل جوان کشور، در پای بسیاری از برنامه‌های بی‌محتوای تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای از میان می‌رود. در مباحث کلاسی در سال ۱۳۸۳، برخی از دانشجویان اشاره کردند که روزانه بین سه تا شش ساعت از اوقات خود را در پای تلویزیون مصرف می‌کنند. بدیهی است که با چنین شیوه‌ای نمی‌توان امید به آینده‌ای درخشان داشت.

همچنین اصلاح معاشرت‌ها و ارتقای سطح دوستان، یکی از عوامل مهم موفقیت چه در نظام حوزوی و یا دانشگاهی است. آیا با هر نوع معاشرتی می‌توان امید به پیشرفت علمی خود داشت؟ رسول خدا (ص) فرمودند:

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ مَنْ يَجَالِسُ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْمَرْءُ وَلْيَنْظُرْ مَنْ يَجَالِسُ

انسان بر دین هم نشین است؛ پس باید از خدا بترسد و ببیند که با چه کسانی نشست و برخاست می‌کند. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۴)

شخصیت پژوهشگر ۱۳

و حضرتش (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از ویژگی‌های عالمی را که باید در مجالس آنان نشست، «رهنمون سازی افراد از شک به یقین» می‌داند. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۸ او به نقل از البحار، ۱ / ۲۰۵، ر ۲۸)

هم‌نشین تو از تو به‌باشد
تا تو را عقل و دین بیفزاید.
برخی از ویژگی‌های یک محقق خوب عبارت‌اند از:
حق‌جویی،
امانت‌داری،
جدیت و پشتکار،
تواضع (بدون مبالغه)،
قبول اشتباه،
عدم تحقیر دیگران و ...

بیندیشیم

- من به عنوان یک پژوهشگر چه کسی هستم؟
- من متأثر از چه پیش‌فرض‌هایی هستم؟ این پیش‌فرض‌ها موجب شکل‌گیری چه نوع جهت‌گیری‌هایی می‌شود؟

۳. روحیه نقادی و انتقادپذیری

مرحوم آیت الله معرفت^(ه) به درستی اشاره کرده است که «فداست تنها مخصوص اقوال معصومان علیهم السلام است؛ اما اقوال بزرگان احترام دارد نه فداست و تجلی احترام آنان به نقد و بررسی نظریاتشان است و نه پذیرش تعبدی آن‌ها»؛ بنابراین نباید مقهور نام افراد شد. هدف از نقد علمی بیان «نقاط ضعف» و «نقاط قوت» یک اثر است. نقدی که توأم با اخلاق علمی باشد، موجب می‌شود تا محقق مقهور نام دانشمندان نشود و عادت به بررسی منابع و مدارک و شیوه هر استدلالی کند. نویسنده بارها با افرادی در کسوت استاد و محقق مواجه شده است که حتی تاب شنیدن این عبارت ساده را که «نظرشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت»، نداشتند. باید از چنین فرهنگی فاصله گرفت و از آن الگو نگرفت. یک

محقق خوب از واکنش‌های شتاب‌زده پرهیز می‌کند. تحمل خواندن و شنیدن نظرات و عقاید مخالف نظر خود را دارد. برای مثال، اگر فردی (باهر نیتی) نظری نادرست نسبت به اسلام بیان کند، بهترین پاسخ، انجام پژوهش کافی درباره موضوع و انتشار آن در فضای دانشگاهی است. ممکن است که پاسخ شتاب‌زده و توأم با عصبانیت، بازتابی منفی داشته باشد و حتی به اشاعه آن دیدگاه نادرست بینجامد. از زمره وظایف هر محقق، ارائه راه‌حل‌ها و اصلاح نظریات نادرست است. به جای عصبانیت و واکنش‌های احساسی به راه‌حل‌های مسئله باید اندیشید و توان خود را در مسیر کمک به حل مشکلات علمی و رسیدن به حقیقت به کار گرفت.

۴. ارتقای مستمر سطح خواندن و نوشتن

نباید وقت خود را به مطالعه هر اثری اختصاص داد. به فراخور نیاز پژوهشی، همواره باید ارتباط خود را با منابع مرجع و اصلی حفظ کرد. مطالعه آثار برجسته، موجب ارتقای خواننده می‌شود. همچنین، مطالعه باید آگاهانه و هدفمند یعنی برای پاسخ دادن به پرسشی و یا حل موضوعی باشد.

کسب مهارت در نگارش و نویسندگی، نیازمند تمرین «نوشتن» است. بدون تجربه نوشتن و درس‌های عملی آن، نباید انتظار موفقیت داشت. دانشجو باید کار خود را با نگارش مقالاتی کم حجم (حداکثر تا پنج صفحه) شروع کند و بکوشد با طرح پرسشی مشخص، پاسخ را با ارائه دلایل و مدارک متقن پاسخ دهد. به تدریج، علاوه بر ایجاد ملکه پژوهش، نحوه جمله‌بندی‌ها با تأثیرپذیری از متونی شایسته، پخته و استوار می‌شود. مستندسازی پژوهش، (ذکر دقیق منابع در زیرنویس) به اعتبار پژوهش می‌افزاید.

متن نوشته خود را با معیارهای فرهنگستان زبان فارسی مطابقت دهید. رعایت قواعد دستور خط فارسی و نیز واژه‌های مصوب «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» در نگارش پایان‌نامه الزامی است. در این زمینه، وب‌گاه فرهنگستان زبان فارسی قواعد دستور زبان فارسی و نیز واژه‌های مصوب خود را به نشانی زیر قرار داده است:

– دستور خط فارسی

<http://www.persianacademy.ir/fa/das.aspx>

- واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

<http://www.persianacademy.ir/fa/wordspdf.aspx>

نیز حتماً پس از تایپ مقاله یا پایان نامه خود، آن را با نرم افزار ویراستار که افزونه‌ای برای میکروسافت ورد است، مورد بازبینی مجدد قرار دهید. از قابلیت‌های ویراستیار می‌توان به اصلاح خطاهای املائی، اشتباهات ویرایشی و نشانه‌گذاری و نیز استانداردسازی متون فارسی اشاره کرد. این نرم افزار را می‌توان از سایت آن که متعلق به (دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی - شورای عالی انقلاب فرهنگی) است، به رایگان دریافت کرد. (آخرین شماره ویرایش آن در نیمه سال ۱۳۹۲ (۲. ۵. ۴) بود).

- نرم افزار ویراستار

<http://www.virastyar.ir/>

متن نگاشته شده خود را باید چندین بار خواند و آن را به دوستان هم رشته و علاقمند به موضوع نشان داد. آیا آنان نیز همان برداشت نویسنده را از نوشته دارند؟ آیا نویسنده در «انتقال» موضوع به مخاطبان خود خوب عمل کرده است؟ اولین ویرایش متن را نباید آخرین آن دانست. داناترین مردمان، در صورتی که قادر به انتقال علم و آگاهی‌شان نباشند، نمی‌توانند بهره‌ای از علمشان نصیب جامعه کنند.

سخن باید که چون از کام شاعر

بیاید، در جهان گردد مسافر

نه زان گونه که در خانه بماند

به جز قائل مر او را کس نخواند. (فخرالدین اسعد گرگانی)

هیچ محقق بی نیاز از مشورت با اهل فن نیست. در موارد بسیاری نویسنده نمی‌تواند خود ایرادات پژوهش را دریابد، اما افراد مطلع قادر به مشاهده خطاهای او هستند. مشورت موجب می‌شود تا افق‌های جدیدی برای پژوهشگر گشوده شوند. پس اجازه دهیم تا افراد مطلع به انتقاد از کارهای ما بپردازند.^۱

تجربه‌ای که در نوشتن توأم با فکر کردن کسب می‌شود بسیار ارزشمند است. برای

۱. «ترز ال بیکر» افراد مطلع را سه دسته می‌داند: ۱. محققان زیربط که موضوع مشابهی را مطالعه کرده‌اند. ۲. خودی‌ها، افراد محیطی که مورد تحقیق هستند. ۳. دوستان روشنفکر، افرادی که در میان گذاشتن طرح و اندیشه‌هایشان با آنها پر بار است. (بیکر: ۱۳۷۷: ۱۰۷ - ۱۰۸)

تمرین، خوب است دفتری تهیه شود و با ذکر تاریخ و مشخصات کامل منبع، هر نکته ارزشمندی را که از تجربیات عملی زندگی و یا مطالعات خود به دست می آید، یادداشت کرد. مسایل بسیار زیادی موجود است که می توانند موضوع تمرین دانشجویان شوند و تجربه ای بر تجربیات آنان بیفزایند. نوشتن باید آگاهانه و هدفمند باشد. قاعده ساده زیر را که غالباً در لابه لای وصله پینه های نقل قول های حجم افزا به فراموشی سپرد می شود، همواره باید به خاطر داشت: «اول تحقیق، سپس نگارش آن» بدون انجام تحقیق، چیزی برای ارائه وجود ندارد.

بیندیشیم

عادت کنید تا هیچ مقاله ای را بدون تجزیه و تحلیل رها نکنید. حتماً با دوستان علاقمند به حوزه کاری تان درباره دیدگاه ها و مقالات مختلف مباحثه کنید. به عنوان یک تمرین عملی، مقاله ای را که پیش تر خوانده اید، این بار با پاسخ دادن به پرسش های زیر بخوانید: (این کار را باید دائماً تکرار کرد.)

الف- هدف نویسنده از نگارش اثر خود چه بوده است؟ چه پرسشی برای او مطرح بوده است.

ب- نویسنده چه پاسخی به مشکل معرفتی اش می دهد؟

ج- نحوه استدلال و دلایل او چیست؟

آیا تا کنون نوشته خود را به منظور شناخت شخصیت خود مورد تحلیل قرار داده اید؟ می توان با طرح این پرسش که «سبک و شیوه نگارش من چیست؟»، نوشته های قبلی خود را مروری دوباره کرد. نوشته ما تا حدودی نشان دهنده شخصیت ما است.

۵. رعایت اعتدال در زندگی

پژوهیدن بخشی از زندگی محقق است که باید بدون هرگونه افراط و تفریط، هماهنگ با سایر جوانب زندگی محقق شود. نباید بیش از اندازه به خود فشار آورد و از سوی دیگر نباید اوقات خود را به بطالت سپری کرد. مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی^(ع) (۱۲۷۶ - ۱۳۶۹ ش) که تمام زندگی اش وقف علوم آل محمد^(ص) شد،

در وصیت‌نامه خویش چنین سفارش می‌کند:

و سفارش می‌کنم او را به: دوری جستن از بیکاری و بطالت و صرف عمر عزیز در چیزهایی که نفعی ندارد. پس روایت شده است که: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى شَأْنَهُ يَبْغُضُ الشَّابَّ الْفَارِغَ (مرعشی نجفی، ۱۳۷۰: ۱۶)

غافل منشین نه وقت بازی است

وقت هنر است و سرفرازی است

دانش طلب و بزرگی آموز

تا به نگرند روزت از روز

چون شیر به خود سپه شکن باش

فرزند خصال خویشتن باش (نظامی)

مطالعه بدون به‌کارگیری روشی معتدل، پایدار نخواهد ماند. تحمیل فشار بیش از حد به خود، گاه موجب خستگی و دل‌زدگی از کار می‌شود که آفت خطرناکی برای ادامه و استمرار تحقیق است؛ پس باید همواره نشاط مطالعه را در خود تقویت کرد و از تهیۀ برنامه‌های صوری و غیرقابل اجرا پرهیز کرد. خوب کار کردن در مقابل «پرکاری بیش از حد» است. با احساس خستگی باید دست از کار کشید و پس از استراحت بار دیگر بر پژوهش و فعالیت خود متمرکز شد.

بیندیشیم

چند ساعت در روز را به مطالعه و پژوهش اختصاص داده ایم؟ چه میزان از آن بر اساس هدفی مشخص و پاسخ دادن به مشکلی اساسی بوده است؟

۶. ضرورت استمرار در کار

استمرار در کار، لازمه فعالیت هر پژوهشگری است. از طریق استمرار می‌توان صفات خوب (مانند عادت به خوب پرسیدن، نقادی و روحیه نقدپذیری و ...) را تبدیل به ملکه (صفت راسخ و استوار) کرد. پژوهشگر خوب دائماً از این شاخه به آن شاخه نمی‌پرد. در روایت است که حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

أَحِبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ

نزدیک ترین اعمال نزد خدای با عزت و جمال، اعمالی است که بنده بر آن مداومت کند؛ هرچند کم باشد. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲ / ۷۷)

علم بی حلم، شمع بی نور است

هر دو باهم چو شهادت زنبور است. (سنایی)

متأسفانه در مواردی، زندگی اداری دانشگاهی بر زندگی علمی افراد سیطره می‌یابد. هدف از روابط اداری دانشگاه یاری محقق جهت پیشبرد تحقیقش است؛ نه آنکه زندگی علمی تنها محدود به شرایط و محیط اداری شود. برای مثال، سه ماه تابستان و یا تعطیلات مربوط به آغاز سال خورشیدی از لحاظ اداری تعطیل است؛ اما این به معنای تعطیل شدن فکر و به کنار نهادن پرسشگری نیست. اگر باهر تعطیلی در اداره، زندگی علمی نیز تعطیل شود، باید در اصالت هدف و کار تردید کرد.

۷. شاگردی اساتید بزرگ

ما معمولاً در جریان تحصیل خویش، درس ده ها استاد مختلف را تجربه می‌کنیم، اما با کمی تأمل در می‌یابیم که تنها متأثر از معدودی از ایشان (شاید کمتر از انگشتان یک دست) بوده ایم. در واقع در برخی از دروس صرفاً شاگردی رسمی بر اساس مقررات اداری مراکز علمی بوده و در برخی دیگر، شاگرد راه و روش زندگی بزرگانی می‌شویم که شاید حتی مسیر زندگی و مبدأ میل ما را به کلی عوض کنند. تا جای ممکن باید کوشید تا آشنایی بی‌واسطه‌ای با این گروه از اساتید پیدا کرد.

معنای احترام به اساتید و بزرگان آن نیست که هرچه آنان گفته‌اند حتماً بی‌کم‌وکاست باید قبول کرد. هدف از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی این است که در نهایت بتوان با محوریت حق‌جویی نظرات مختلف را بررسی و نقد کرد. دانشجویی که تصور می‌کند باید تابع محض اساتید (ولو اساتید اداری) باشد و یا استادی که بررسی دیدگاهش توسط دانشجویانش را بی‌احترامی به خود می‌پندارد، اصالت ندارند و هردو مردودند. فرق است میان کسی که شاگرد پروری می‌کند با کسی که با سوءاستفاده از نام مقدس معلم و استاد، در پی دکان بازی و خود پروری است. باید جانب ادب را نگاه داشت، اما باید تنها و تنها مطیع حق و حقیقت بود.

۸. فعالیت عملی

- فعالیت عملی در زمینه کاری خود، احتمال موفقیت را بالا می‌برد. برخی از زمینه‌هایی که می‌توان در آن‌ها فعالیت کرد، عبارت‌اند از:
- مجالس و نشست‌های علمی سطح بالا را پیدا کرد و حتی الامکان در آن شرکت کرد.
 - مراکز و پژوهشکده‌ها و مجلات تخصصی موجود در رشته خود را یافت و در مورد زمینه‌های همکاری با آن‌ها تحقیق کرد.
 - با راهنمایی اساتید (بر پایه انتخابی صحیح) و با کمک دوستانتان مبادرت به فعالیت‌های گروهی علمی در دانشگاه یا حوزه کرد.

پن‌دیشیم

فعالیت‌های عملی خود را (اعم از همکاری با مجلات، شرکت در نشست‌ها، حلقه‌های علمی و ...) در رشته تحصیلی‌تان بشمارید. چه برنامه‌ها و اندیشه‌هایی برای آینده دارید؟

گفتاری از مرحوم علامه استاد جلال‌الدین همایی

در خاتمه این بخش مناسب است تا گفتاری از استاد جلال‌الدین همایی در باب سرقات ادبی نقل شود که درس‌های بسیاری در آن موجود است.

نو کردن جامه انشاء و تغییر نام کتاب

یکی از انواع سرقت‌ها که در قدیم هم معمول بوده و در ایام ما نیز مابین اشخاص تنک مایه؛ که آرزوی نشر چیزی تازه دارند رواج یافته، این است که نتیجه یک عمر زحمت و رنج کسی را می‌گیرند و جامه انشاء دیگر در آن می‌پوشانند و بدون اینکه حق مؤلف سابق را شناخته و گزارده و از وی نام برده باشند، آن را تألیف تازه خود قلمداد می‌کنند. این عمل هرگاه با تغییر موضوع همراه باشد، مشمول همین سرقت نقل است؛ و در صورتی که تحت همان موضوع مؤلف باشد، جزو سلخ و المام^۱ است و اگر دستبرد به

۱. سلخ در اصل به معنی پوست باز کردن و المام: به معنی قصد کردن و نزدیک شدن به چیزی است و در اصطلاح آن است که فکر و مضمون نظم یا نثری را از دیگری بگیرند و آن را در قالب عبارتی دیگری

عین عبارت هم زده باشد، داخل مسخ و اغاره^۱ می‌شود؛ و در هر حال نوعی از «سرقت ادبی» است.

۵. شیادی و دغل‌کاری یا دزدی بی‌برگه و بی‌نام و نشان.
همان سرقت مدارک و مآخذ تحقیقی فضلا و دانشمندان است که در آغاز فصل سرقات ادبی بدان اشاره کردیم و تفضیلی را که در آنجا وعده دادیم بدین قرار است که: شخص دانشمند محقق زحمتکش چه‌بسا که ماه‌ها و سال‌ها، رنج تتبع و تصفح می‌برد و سرگشته و سراسیمه از این کتاب به آن کتاب و از این کتابخانه به آن کتابخانه می‌دود تا مطلبی تازه به چنگ می‌آورد و آن را در کتابی یا مقاله‌ای می‌نویسد و برای اینکه نوشته خود را مستند و مستدل کرده باشد، مآخذ و سند نوشته خود را هم در حاشیه غالباً با ذکر صفحه و دیگر خصوصیات نسخه، به دست می‌دهد، غافل از اینکه وسیله دزدی بی‌برگه و بی‌نام و نشان به دست سارقان شیادتر دست ادبی داده است که نوشته او را انتحال می‌کنند و به جای اینکه از مؤلف کتاب و نویسنده مقاله نام ببرند، مآخذ او را سند کار خود قرار می‌دهند، با اینکه، شاید در تمام عمر خود، اصلاً آن مآخذ را ندیده و نخوانده باشند. بر فرض هم که ببینند، از عهده فهم آن بر نمی‌آیند.
چنانکه من خود یکی از این جماعت را دیدم که «شفای» ابوعلی سینا را سند نوشته خود قلمداد کرده بود و در برخورد با وی معلوم شد که اصلاً در عمر خود کتاب «شفا» را ندیده است و آن را از افسانه «امیر ارسلان» و «سه تفنگدار» امتیاز نمی‌دهد.
و پاره‌ای از این جماعت گستاخی را چنان وانمود می‌کنند که اصلاً آن سند و مآخذ را پیش از مؤلف دیده بوده اند و حال آنکه شاید ابد آن مآخذ را ندیده باشند و حدود معلومات و تتبعات و وضع کار ایشان هرگز مناسب با آن دعوی نباشد.
و گاه هست که نوکاری نوآموز، برای اینکه اهمیت و اعتبار به نوشته های خود داده

بریزند، بدون اینکه موضوع آن را تغییر داده باشند؛ چنانکه مثلاً کتابی را که به سبک خود مؤلف نوشته شده است، با یوه انشاء دیگر بنویسند و بدون اینکه نامی از مؤلف اصل برده باشند، اصل آن تألیف را به خود نسبت دهند، این عمل جزو دزدی و خیانت فاحش است. اما هرگاه قصد تحریر و تنقیح داشته باشند، و مثلاً کتاب مشکل قدیم را به نثر فصیح ساده قابل فهم امروز تبدیل کنند، خود صنعتی بدیع و هنری ارزنده است، به شرط اینکه حق مؤلف اصل را فراموش نکرده باشند و بگویند که اصل کتاب از کیست و ما در آن چه تغییری داده و چه تصرفی کرده‌ایم. (همایی، ۱۳۸۹: ۳۶۳)

۱. مسخ یعنی تغییر صورت دادن چیزی را از گونه‌یی به گونه دیگر بدل کردن و اغاره به معنای غارت کردن در اصطلاح آن است که اثر دیگری را از لفظ و معنی بردارند و در آن به تقدیم و تأخیر کلمات و بسط عبارات، یا نقل کردن به مرادفات و امثال این امور، تصرف کنند. (همان: ۳۶۱)

شخصیت پژوهشگر ۲۱

باشد، کتب مهمی را از قبیل همان شفای ابوعلی و اسفار ملاصدرا یا در ریاضیات قدیم، امثال تحریر مجسطی و تحفه شاهی قطب‌الدین شیرازی و شرح تذکره بیرجندی را جزو مأخذ خود ثبت می‌کند درحالی‌که آن کتاب‌ها را اصلاً ندیده و نخوانده و از عهده فهمش نیز خارج است. (همایی، ۱۳۸۹: ۳۶۹-۳۷۱)

مرحوم همایی در باب خیانت و سرقت در ترجمه نیز سخنی بسیار مهم دارد که باید مورد توجه هر دانشجو و محقق قرار گیرد:

خیانت و سرقت در ترجمه

ترجمه اشعار و متون عربی و زبان‌های دیگر به فارسی فصیح؛ و همچنین از فارسی به زبان‌های دیگر، هنری بس عالی و زیننده و ارزنده است، به شرط اینکه: اولاً ترجمه تام و تمام بدون حذف و اسقاط باشد؛ و اگر مصلحتی در انداختن جمله و عبارتی بوده است؛ یا قصد تلخیص و اختصار داشته اند، آن را صریح و واضح اعلام کنند. ثانیاً: امانت در نقل و حفظ نام و شئون مؤلف اصل را مراعات کنند.

اما عملی که مابین پاره‌ای از مردم بی‌مایه شیاد زمان ما اعم از فارسی و عربی و غیره، معمول است که کتب و رسایل و مقالات علمی و ادبی دیگران را از زبانی به زبان دیگر برمی‌گردانند و بدون گزاردن حق نویسنده اصل، آن را جزو مؤلفات مستقل خود به خرج می‌دهند، سرقت فاحش و مورد حکم الهی «السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهما» است، چیزی که هست می‌توان قطع ید را در این موارد بر بریدن دست و جراحه و اندام ظاهر؛ حمل نکنند؛ یعنی نه چنان باشد که اگر مثل دزدان اموال، در دزدی اول چهار انگشت پنجه دست راست او را قطع کردی، با باقیمانده انگشت دست راست و تمام دست چپ، همان دزدی را تکرار کند، بلکه بریدن دست را اینجا شاید به «قطع ید» معنوی تأویل کنند؛ یعنی چنان کنند که دزدان ادبی برای همیشه دست از این عمل زشت قبیح بردارند؛ و دستشان از این قبیل کارها بریده شود. (همان: ۳۸۱-۳۸۲)

فصل دوم

علم و روش علمی

علم در لغت به معنای وضع یا کیفیت دانستن و دانایی در برابر نادانی یا آگاهی نادرست است. برای مثال، گفته می‌شود که بدون علم نباید درباره موضوعی سخن گفت. همچنین علم به معنای بخشی از آگاهی‌های نظام‌یافته، نظیر یک رشته تحصیلی (برای مثال، علم سیاست یا علم زمین‌شناسی) است. در اصطلاح دانشمندان «علم» به هر دانسته و شناختی اطلاق نمی‌شود؛ بلکه علم معرفتی دقیق و شناختی تیزبینانه است. در این فصل به بیان تعریف علم و برخی از مهم‌ترین قواعد روش‌شناسی تحقیق در مطالعات علوم اسلامی می‌پردازیم.

۹. علم شناختی منضبط و سازمان‌یافته است.

- یک مقاله، کتاب و یا پایان‌نامه زمانی دارای اطلاعاتی «علمی» است که مبتنی بر ویژگی‌هایی مطابق تعریف علم باشد. آن ویژگی‌ها عبارت‌اند از:
- علم شناختی نظام‌یافته است؛ یعنی نظم و ترتیبی به هم پیوسته دارد و ارائه‌دهنده شناخت منسجمی است. چنانکه بر پایه چینش مقدمات صحیح به نتایج یقین‌آور برسد.
 - علم بر واقعیتی دلالت دارد که بی‌نیاز از وجود و یا عدم وجود پژوهشگر است. علامه جعفری می‌نویسد: «علم عبارت است از: انکشاف واقعیتی که وجود و جریان کلی آن بی‌نیاز از من و عوامل درک انسانی بوده باشد که با آن ارتباط برقرار کرده است. قضیه و

مسئله‌ای را که از چنین انکشافی حکایت کند، قضیه علمی می‌نامیم.» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶)

- علم مبتنی بر استدلال و ادله منطقی است. هر گزاره علمی دربردارنده دلایلی است که به تبیین چرایی و یا اثبات موضوع خود می‌پردازند. ضمن آنکه لازم است تا همزمانی دو پدیده باهم از مفهوم «اسباب» جدا شو؛ چنانکه فارابی (۳۳۹ ق / ۹۵۰ م) اشاره دارد که می‌دانیم که «حرارت» ناشی از اسبابی چون آتش، خورشید و نظایر آن است؛ اما امور دیگری نیز هستند که هرچند همزمان باهم اند ولی در رابطه علی باهم قرار ندارند. چنانکه علت تولد و یا مرگ فردی به جهت تقارن آن با غروب خورشید و یا طلوع آن نیست. (الخطابی، ۱۹۹۸: ۱۱۹)

- علم افاده یقین صد در صد می‌کند. (با حصول علم، شک از آن رخت بر می‌بندد). فرضیه متضمن گمانی بیش از پنجاه درصد است و از این رو تا زمانی که تأیید، اصلاح و یا رد امری از طریق روش علمی (متناسب با موضوع آن علم) به یقین منتهی نشود، آن را نمی‌توان علم نامید. توجه به این نکته ضروری است که در مطالعات اسلامی «با ظن و گمان نمی‌توان اصول دین را بنیان نهاد زیرا (ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً)» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۳۶)

- علم از طریق روش معتبر و متناسبی با موضوع خود قابل وصول است. علم حدیث، علم فقه، فلسفه و علوم عقلی، علوم قرآنی، علم تاریخ، علم طب و... هر یک نیازمند به کارگیری روش خاص خود هستند. مرحوم علامه حسینی تهرانی (۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق) در وصف مرحوم علامه طباطبایی^(۵) می‌نویسد:

از مرحوم ملا محسن فیض کاشانی {۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق} بسیار تمجید می‌کردند و می‌فرمودند: این مرد جامع علوم است و به جامعیت او در عالم اسلام کمتر کسی را سراغ داریم و ملاحظه می‌شود که در علوم مستقلاً وارد شده و علوم را باهم خلط و مزج نکرده است. در تفسیر صافی و اصفی و مصفی که روش تفسیر روایی را دارد، ابدأ وارد مسایل فلسفی و عرفانی و شهودی نمی‌شود، در اخبار کسی که کتاب وافی او را مطالعه کند می‌بیند یک اخباری صرف است و گویی اصلاً فلسفه نخوانده است، در کتاب‌های عرفانی و ذوقی نیز از همان روش تجاوز نمی‌کند و از موضوع خارج نمی‌شود. با اینکه در فلسفه استاد و از مبرزان شاگردان صدرالمتهلین بوده است. (حسینی طهرانی، بی تا: ۲۶)

۱۰. پژوهش‌ها بر اساس اهداف پژوهشگران انواع مختلفی دارند.

یکی از انواع پژوهش‌ها «نوجویی و یافتن مسایل جدید علمی» است که از اساسی‌ترین پژوهش‌هایی هستند که مستقیماً به تولید علم می‌انجامند. بزرگ‌ترین کشف انسان ادراک قوه در کنار امر بالفعل بوده است. این امر استعدادی عالی است و البته شهامت و جسارت بسیاری را نیز می‌طلبد. برخی از کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های دانشگاهی چیز جدیدی بر حوزه علمی مورد نظر می‌افزایند و یا مسئله را از زاویه‌ای مطرح می‌کنند که تا آن زمان مورد توجه کسی واقع نشده بود. این امر مستلزم آشنایی کامل با پیشینه تحقیق و اشراف بر آن است تا بتوان با اتکا بر آن از مرزهای فعلی علم فراتر رفت. برخی از محققان، این نوع پژوهش‌ها را پژوهش‌های ابتکاری یا نوجویی در برابر پژوهش‌های «تأییدی یا نوگستری» می‌نامند. پژوهش ابتکاری به دنبال یافتن یا کشف آنچه بر دیگران مجهول است؛ اما پژوهش تأییدی تنها شامل گستردن یا تفصیل چیزی می‌شود که به صورت اجمالی بر دیگران معلوم است. (آریان پور، ۱۳۵۸: ۱۰) گاه ممکن است که نوآوری یک تحقیق به استنباط یک دانش نوین بینجامد که در این صورت ارائه «موضوع» جدیدی را می‌طلبد که بر اساس مسایل آن ابواب و فصول علم نوین را ترسیم کنند. به عبارت دیگر محقق در ضمن تحقیقات خود مسایل و مباحث نوینی استنباط کرده و می‌کوشد تا با بین‌الذهانی کردن آن‌ها با دیگران، کاربردشان را تعمیم دهد. در این زمینه به نکات زیر توجه شود:

۱. هیچ‌گاه موضوعات بدیهی را به عنوان پرسش تحقیق خود مطرح نکنید.
۲. با توجه به انبوه نیازمندی‌های فرهنگی و معرفتی جامعه خود، می‌توان در مسیر پژوهش‌های نوین قرار گرفت.

۳. نو و جدید بودن یک پژوهش، فی‌نفسه امتیازی برای آن نیست؛ بلکه بیش از نو بودن یک مطلب، نقش مفید و سازنده تحقیق در ارتقای سطح معارف دینی و فرهنگی جامعه اهمیت دارد. هر سخن تازه‌ای واجد ارزش نیست؛ اما اگر نوآوری با محتوایی عمیق به دنبال «حق‌یابی» و «حق‌خواهی» و رفع نیازهای فرهنگی جامعه باشد، در آن صورت محقق توفیقی بزرگ داشته است. برخی دیگر از پژوهش‌ها به «تکمیل امور ناقص و ناتمام گذشته» اختصاص دارند. معمولاً یافته‌های جدید درباره موضوعات علمی منجر

به تجدیدنظر و یا اصلاح تحقیقات پیشین می‌شوند. ابن خلدون درباره دلایل انجام این دسته از پژوهش‌ها به موارد زیر اشاره کرده است: ۱. اطلاع از وجود نقصان در آثار پیشین و کوشش در جهت رفع آن، ۲. تکمیل آنچه ناتمام باقی مانده است. (در قالب مسایل و یا فصولی بر آثار مورد نظر) (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۱۲۳) در اینجا بحث اصلی نه در رفع اشتباه پژوهش‌های قبلی، که در گسترش کمی و کیفی آن‌هاست و البته می‌تواند به رفع اشتباهات دیگر پژوهش‌ها بینجامد. برای مثال، پژوهش‌های بسیاری درباره چگونگی گسترش امر نماز در جامعه صورت پذیرفته است؛ اما ممکن است محقق متوجه عدم عنایت کافی آن‌ها به ارائه راه‌حل‌های عملی منطبق با شرایط شهرهای مختلف کشور شود. او از سویی نیازمند تکمیل کارهای پیشین است و از سوی دیگر وارد پژوهشی ابتکاری و نوجویانه می‌شود.

یکی دیگر از انواع پژوهش‌ها «مختصر کردن آثار مفصل پیشین» (بدون تغییر در محتوای آن) است. این پژوهش‌ها عمدتاً به خلاصه کردن متون طولانی و مطول، جهت اهداف آموزشی اکتفا می‌کنند. طبیعی است که در یک نیمسال تحصیلی در دانشگاه (حداکثر ۱۷ جلسه) نمی‌توان کتابی بسیار قطور را به عنوان منبع درسی قرار داد. گلچین کردن مطالب و خلاصه کردن چنین اثری، به صورتی که مباحث اصلی به اندازه کافی انتخاب شوند و نیز محتوای کتاب مخدوش نشود، کار چندان ساده‌ای نیست. هرچند محصول نهایی، نسبت به اثر اصلی، منبع درجه دوم محسوب می‌شود. برای مثال، اگر بخواهیم یک دوره تفسیر قرآن را به جهت استفاده مخاطبان خاص خود (مانند نوجوانان) خلاصه کنیم، وارد این شیوه از پژوهش شده‌ایم که نگارش آن مستلزم حذف آن دسته از مطالب تخصصی است که مناسب فهم مخاطب خاص ما نیست. این کار برطرف کننده یک نیاز اساسی جامعه است و بر خلاف باور اولیه دقت و مهارت بسیاری را می‌طلبد؛ اما باید در نظر داشت که عادت به خلاصه خوانی و اکتفا بر آن، اثری منفی بر رشد علمی‌مان

دارد.^۱ لذا به رغم مفید بودن این شیوه در امر آموزش و یا جذب مخاطبان خاص، از تبدیل آن به فرهنگ مطالعاتی حذر باید کرد.

گونه‌ای دیگر از پژوهش‌ها شامل «جمع‌آوری مطالب پراکنده و سازمان‌دهی آن در مجموعه‌ای نظام‌مند» می‌شود. این روش دارای نوآوری اساسی نیست اما زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی خواهد بود. برای مثال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جمع‌آوری اشعار فارسی مربوط به مسجد،
- گردآوری افعال جامد در زبان عربی در قالب یک فرهنگ،
- سازمان‌دهی موضوعی تفسیر «المیزان»
- انجام کتاب‌شناسی‌های موضوعی (مثلاً درباره‌ی داستان حضرت یوسف علیه‌السلام)

گاه ممکن است که این روش به شکل‌گیری علمی نوین بینجامد؛ چنانکه برخی از محققان آغاز پیدایش علم بیان را بر پایه‌ی این نوع از پژوهش‌ها می‌دانند. چه آنکه عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ق)، ابو یعقوب یوسف سکاکی (متوفی ۶۲۶ ق) مسایل علم بیان را در کتب نحوی پراکنده یافتند، ضمن آنکه پیش‌تر، جاحظ (متوفی ۲۵۲ ق) در کتاب «البیان و التبیین» بسیاری از مسایل آن دانش را گرد آورده بود. این توجه منجر به تلاش در جهت کشف موضوع این علم و جدا کردن آن از دیگر علوم با عنوان علم بیان گردید تا جایی که کتب مشهوری درباره‌ی آن نگاشتند. حال آنکه پیش‌تر چیزی جز مجموعه مطالبی پراکنده به نظر نمی‌رسید. (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۱۲۴)

«ترجمه آثار علمی» نیز از زمره‌ی دیگر پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود. ترجمه تنها انتقال ساده‌ی یک متن از زبانی به زبان دیگر نیست؛ بلکه در درجه‌ی اول انتقال فرهنگ و تمدن از زبانی به زبان دیگر است. تمامی نهضت‌های ترجمه در جهان اسلام بر سیر تفکر و فرهنگ آن‌ها تأثیرگذار بوده و منجر به بروز واکنش‌هایی در جوامعشان شده است. برای ترجمه، نخست باید با مطالعه‌ی دقیق آن، نکات نیازمند تحقیق را استخراج کرد؛ سپس با نگاشتن مقدمه و بخش معرفی کتاب، ترجمه‌ی متن اصلی را انجام داد. این ترجمه می‌تواند به صورت ترجمه‌ی علمی و دقیق (بدون دخل و تصرف و همراه با تحقیق واژگان

۱. یکی از انتقادات ابن‌خلدون در دوران انحطاط علمی در اندلس اسلامی و شمال آفریقا، رواج تکیه بر خلاصه‌ها به جای منابع اصلی بود. (ابن‌خلدون: ۲۰۰۰، مقدمه‌ی ابن‌خلدون، صص ۴۵۷ - ۴۵۸ نیز ابن‌خلدون: ۱۳۷۵، مقدمه ابن‌خلدون، ج ۲، صص ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵)

آن) و یا ترجمه آزاد (اعمال سلیقه مترجم، در کنار رعایت معنا) باشد. مرحوم دکتر طاهره صفار زاده (از مترجمان برجسته قرآن) می‌نویسد:

موفقیت یک ترجمه عبارت از مجموعه پاسخ‌های مثبتی است که به این پرسش‌ها باید داده شود:

- ا. آیا مفهوم متن اصلی رسانده شده؟
 - ب. آیا لحن نویسنده حفظ شده؟
 - ت. آیا مترجم زبان خاص و متناسب متن را یافته؟
 - ث. آیا واژگان درست و دقیق انتخاب شده؟
 - ج. آیا تطابق دستور زبانی به عمل آمده؟
 - ح. آیا در برگرداندن جمله‌ها طول کلام نویسنده رعایت شده؟
 - خ. آیا به علامات نقطه‌گذاری اهمیت کافی داده شده؟ (صفار زاده، ۱۳۸۰: ۲۹)
- درباره ترجمه تعاریف و تعابیر مختلفی موجود است. برای مثال، «کولی» Cowley می‌نویسد: ترجمه کلمه به کلمه و یا خط به خط به این می‌ماند که دیوانه‌ای حرف‌های دیوانه دیگری را نقل کند. «نایدا» Nida ترجمه را عبارت از آن می‌داند که از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک، بهره‌مند باشد و «ارنست سیمونز» Ernest Simmons معتقد است که ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که مفهوم و پیام متن اصلی را به‌علاوه فرم (شکل بیان) تا سرحد امکان حفظ کرده باشد. (نک: همان، ۲۶ - ۲۷)
- جلال‌الدین همایی نیز درباره ترجمه می‌نویسد:

ترجمه یعنی مطلبی را از زبانی به زبان دیگر برگردانیدن و این کار که خود هنری در جزو هنرهای گران ارز ادبی شمرده می‌شود، در نظم و نثر - هردو - روا و شایع است. ترجمه بر دو قسم است:

۱. یکی «پایخوان» یعنی ترجمه تحت‌اللفظ که آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه حتی با صورت جمله‌بندی بی‌کم‌وزیاد از زبان دیگر نقل کرده باشند، چنانکه در ترجمه کتب مذهبی آسمانی معمول است.
۲. قسم دیگر، ترجمه به معنی که روح مقصود و حاصل مراد گوینده و نویسنده‌ای را بگیرند و آن را در قالب زبانی دیگر بریزند، چنانکه خصوصیات ادبی و دستوری زبان ترجمه هم کاملاً مراعات شده باشد؛ و این خود هنری بسیار عالی و گران‌مایه است و جز از کسی که در هر دو زبان منقول منه و منقول‌الیه، نهایت تبحر و براعت استادی

داشته، از ذوق و سلیقه مستقیم ادبی نیز کاملاً برخوردار باشد، ساخته و پرداخته نیست.

(همایی، ۱۳۸۹: ۳۷۳)

همچنین شرایط یک مترجم خوب عبارت است از:

۱. تسلط وی به هر دو زبان،

۲. رعایت،

۳. احاطه علمی به موضوع متن مورد نظر،

۴. آشنایی مترجم با بستر فرهنگی‌ای که نویسنده اثر بدان تعلق دارد.

ترجمه زمانی می‌تواند به عنوان یک رساله پژوهشی دانشگاهی مورد پذیرش واقع شود که متن انتخاب‌شده از بهترین آثار مربوط به آن رشته باشد و دانشجو علاوه بر ترجمه اثر، حتماً به شیوه‌ای علمی، به نقد محتوایی آن بپردازد.

از دیگر انواع پژوهش‌ها «شرح آثار دشوار یا تحقیق در نسخ خطی» است. برای مثال، «الفیه ابن مالک» (حدود ۶۰۰ - ۶۷۲ ق) در علم نحو عربی به توسط شخصیت‌های بسیاری شرح داده شده و حتی بر برخی از شروح آن نیز شروحي دیگر نوشته شده است. برخی از شارحان در خلال فعالیت علمی خود کوشیده‌اند تا مطالب الفیه را از حالت اجمال به تفصیل و از پیچیدگی مباحث به آسانی درآورند. به طور کلی، تحقیق در زمینه آثار خطی شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی هویت نسخه اصلی.

۲. شناسایی نسخ خطی دیگر به ترتیب اولویت پژوهشی و وثاقت نسخه.

۳. مقایسه دیگر نسخه‌ها با نسخه اصلی.

۴. بررسی دوره تاریخی مورد نظر و اشراف بر فضای مفهومی واژگان فرهنگی آن.

۵. شرح لغات، اصطلاحات علمی و دیگر دشواری‌های موجود در متن.

مرحوم جلال‌الدین همایی عمل تصحیح را غیر از مقابله کردن نسخ می‌دانست. او کسانی را که چند نسخه مختلف از یک کتاب را جمع می‌کنند و در آن میان یک نسخه را اصل قرار می‌دهند و بقیه را نسخه بدل نام می‌نهند و نسخه بدل‌ها را نیز بدون مشخص کردن صحت و سقم آن‌ها، با علامات خاص در حواشی ثبت می‌کنند، ارزش کارشان تنها در این است که فقط خواننده را از مجموع نسخه‌هایی که به دست آورده‌اند، مطلع می‌سازند. او می‌گفت:

من هر وقت این قبیل نسخه بدل نویسه‌ها را می‌بینم به یاد قصهٔ مثنوی مولوی دربارهٔ آن مرد دو مو می‌افتم که عروس نوگزیده بود و پیش سلمانی رفت که موهای سفید او را از سیاه جدا کند. سلمانی همهٔ ریش او را یکجا بریده و پیش او گذاشت که من فرصت این کار را ندارم، خودت موهای سفید و سیاه را از هم جدا کن. (نصری، ۱۳۶۷: ۱۷۱. او به نقل از مختاری نامه، ص ۷۴)

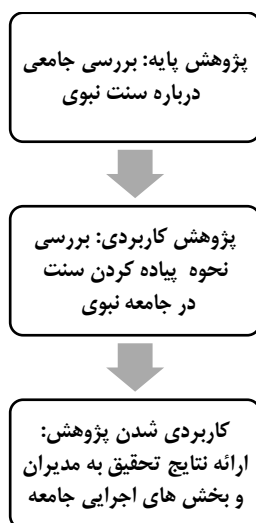
همایی معتقد بود که شأن اهل تحقیق مقابلهٔ نسخ نیست و روش دقیق تصحیح که سنت گذشتگان نیز بوده است، علاوه بر جمع‌آوری نسخه‌های گوناگون و مقابلهٔ آن‌ها با یکدیگر، یافتن تحریفات و تصحیفات نسخ، است که متضمن احاطه و تبحر در موضوع کتاب را پیدا کرده و نسخه یا نسخ ارجح را عرضه کند. کاری که هم نیازمند آشنایی با موازین علمی و فنی این کار است و هم تبحر در موضوع و دقت و پشتکار است. او با دردمندی چنین می‌گوید:

متأسفانه در این ایام که آن را دورهٔ آشفتگی بازار ادبیات فارسی می‌توان نامید، در جزو سایر تخلیطات و اشتباه کاری‌ها، عمل تصحیح و مقابله نیز به یکدیگر مخلوط و مشتبه شده و این کار مثل اکثر امور فرهنگی دست‌خوش مداخلات ناهلان گردیده است. هر که را بینی به تقلید و تشبه اساتید فن دو نسخهٔ عکسی از کتب‌خانه‌ها تهیه کرده و باد در گلو افکنده که لقمهٔ از حوصله بیش مشغول تصحیح دیوان یا فلان کتاب علمی و ادبی نثر قدیم است و گاهی که محصول این کوشش‌های بی‌فایده به بازار می‌آید، مایهٔ فزاحت و خجلت و شرمساری است. (همان: ۱۷۲)

شکل دیگری از پژوهش‌ها در کوشش پژوهشگر به منظور «اصلاح اشتباهات نویسندگان دیگر» مشاهده می‌شود. برخی از نویسندگان در آثار خود به عمد یا غیر عمد، مطالب نادرستی دربارهٔ دین و معارف اسلامی ارائه داده‌اند که حساسیت‌های فرهنگی بسیاری به دنبال دارد. در نتیجه، وظیفهٔ پژوهشگران رفع اشتباهات موجود در این دسته از آثار است؛ ضمن آنکه باید توجه داشت که «دانشمندی که آن لغزش‌ها را رد می‌کند، ناگزیر باید دلایل خود را بنویسد و به صورت مکتوب به یادگار بگذارد تا خواننده بر آن آگاه شود.» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۱۲۳)

۱۱. پژوهشگر باید متوجه کاربردهای پژوهش خود باشد.

پژوهش‌ها را به اعتباری به پژوهش‌های پایه (بنیادی) و پژوهش‌های کاربردی تقسیم کرده‌اند. پژوهش پایه‌ای می‌تواند زمینه «پژوهش کاربردی» باشد ولی به صورت مستقیم متوجه علمی کاربردی در زندگی انسان‌ها نیست. درحالی‌که پژوهش‌های کاربردی دارای مستقیماً متوجه حل مشکلات جامعه و بشریت هستند. در ضرورت انجام هر دو این پژوهش‌ها شکی نیست. تصمیم‌گیرندگان سیاسی هر کشور به جهت کسب توانایی در اداره عملی جامعه، نیازمند پژوهش‌های کاربردی هستند و این دسته از پژوهش‌ها خود متکی بر پژوهش‌های پایه‌ای هستند. برای مثال، ما علاوه بر نیاز به تشریح دقیق زندگانی و سنت پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نیازمند طرح پرسش‌هایی کاربردی غالباً با ادوات پرسشی «چه»، «چگونه»، «چطور» و نظایر آن در جهت عملی ساختن آن در زندگی خویش هستیم.



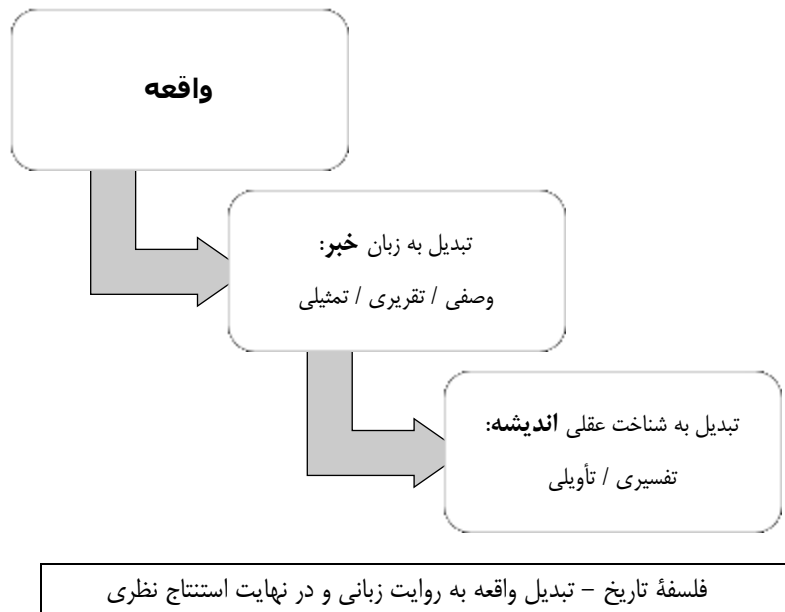
مطالعات کاربردی معمولاً به زوایایی از آسیب‌شناسی موضوع نیز می‌پردازند. برای مثال، پژوهشی که به منظور حل معضل تفرقه در جهان اسلام نوشته می‌شود، باید به موانع تفرقه نیز بپردازد؛ بنابراین ارائه راهکار پس از شناخت مشکل ضروری است. این به

معنای ضرورت ۱. وجود مسئله‌ای برای حل کردن و نیز ۲. داشتن انگیزه برای رفع تهدید است تا پژوهش از حالت یک گزارش تکراری خارج شود و به گزارشی راهبردی مبدل شود.

۱۲. اقتضای برخی از پژوهش‌ها استفاده از روش‌های ترکیبی است.

برخی از پژوهش‌ها از روش‌های ترکیبی بهره می‌گیرند. برای مثال علم تاریخ واجد دو جنبه روشی است. که عبارت‌اند از: الف- نقل ب- عقل. علم تاریخ تنها گردآوری روایت‌های تاریخی و یا مقایسه آن‌ها جهت شناخت حوادث گذشته نیست؛ بلکه این علم در درجه اول به تفسیر آن وقایع می‌پردازد. فایده اصلی تاریخ کسب تجربه و عبرت از گذشته برای حل مشکلات امروز است و گر نه هدف مورخانی بزرگی چون ابوالحسن مسعودی (متوفی ۳۴۶ ق) احمد ابن ابی یحیی یعقوبی (متوفی ۲۸۴ ق) و ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ ق) بیان تنها وقایعی جزئی برای سرگرمی نبوده است. از این رو تاریخ نوعی حکمت است و جنبه‌ای عملی و اخلاقی نیز دارد.

با این حال در مطالعات جدید، برخی علم تاریخ را از علوم نقلی به حساب آورده‌اند که در مقابل فلسفه (علوم عقلی) است. پیوند میان این دو به «فلسفه تاریخ» منجر شده است. در فلسفه تاریخ از سویی با تبدیل «واقعۀ تاریخی» به «خبر»، شناخت واجد صورتی زبانی شده و از سویی دیگر روایت تاریخی منقول با «استنتاج نظری» صورتی تحلیلی پیدا می‌کند که در نهایت به شناخت واقعه یاری می‌رساند. (حمیش، ۱۹۹۸: ۴۳) همچنین لوازم و تبعات روشی جنبه زبانی آن متفاوت با جنبه نظری و استنتاجی‌اش است؛ اما هستند بسیاری از فلاسفه و نیز مورخانی که یا فاقد چنین تصویری از رابطه تاریخ و فلسفه بوده و یا اصولاً آن را انکار می‌کنند. برای مثال، تاریخ را امری جزئی و فلسفه را امری کلی و غیرقابل جمع با یکدیگر می‌دانند. (همان منبع، ۲۴ - ۱۲۵) بنابراین، بسیاری از تعارضات بین‌رشته‌ای خود را در شیوه طبقه‌بندی علوم نمایان می‌کنند.



۱۳. مطالعات توصیفی، تحلیلی و نظریه پردازی

مطالعات توصیفی مطالعاتی است که به ارائه گزارشی از یک پدیده و یا موضوع، بدون علت‌یابی شکل‌گیری و پیدایش آن هستند. در این‌گونه پژوهش‌ها، بر گزارش یک واقعہ و یا یک اندیشه، از آن جهت که «موجود است» و نه «چرایی به وجود آمدن آن» توجه می‌شود. برخی از محققان مطالعات توصیفی در حوزه وقایع تاریخی (مربوط به گذشته) را با عنوان مطالعات تاریخی، از مطالعات توصیفی جدا کرده‌اند؛ اما صرف‌نظر از جنبه‌های خاص روش‌شناسی مطالعات تاریخی، آن قسمت از مطالعات تاریخی که صرفاً نقل روایت از پدیده‌ای تاریخی است، در حوزه توصیف خواهد بود.

از دیرباز شیوه‌های مختلفی از مطالعات توصیفی در جهان اسلام رایج بوده است. برای مثال، بسیاری از دانشمندان اسلامی در خلال ادای فریضه حج - که در گذشته معمولاً مستلزم عبور از سرزمین‌های بسیاری بود - به توصیف مشاهدات و وقایع سفر می‌پرداختند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: رحلة ابن جبير (۵۷۹ - ۵۸۱ ق / ۱۱۸۳ - ۱۱۸۵ م)، الدلیل اثر هروی (متوفی ۶۱۱ ق / ۱۲۱۴ م)، الرحلة المغربية اثر العبدري

(متوفی ۶۸۸ ق / ۱۳۲۱ م) این سفرنامه‌های توصیفی از اهمیت تاریخی بسزایی برخوردارند. برای مثال، ابن جبیر در سفرنامه‌اش، ضمن مشخص کردن محدوده قبر حضرت اسماعیل و مادرش حضرت هاجر ^(علیهما السلام) تصریح بر زیارت مردم و تبرک جویی آنان و نمازخواندنشان در آنجا دارد. از دیگر نمونه‌های پژوهش‌های توصیفی می‌توان به گیاه‌شناسی دانشمندان اسلامی اشاره کرد. نمونه‌هایی از آن در پژوهش‌های ابن‌العوام (متوفی ۵۸۰ ق / ۱۱۸۴ م) و نیز ابن الرومیه (متوفی ۶۳۷ ق / ۱۲۳۹ م) مشهود است. ابن الرومیه به جهت مطالعه انواع گیاهان مسافرت‌های بسیاری کرد و کوشید تا در آثارش نظیر «الرحلة المشرقية» با دقت زائدالوصفی اجزای نباتات و ویژگی‌های آن‌ها را تشریح و از یکدیگر تمییز دهد. (ابو خلیل، ۲۰۰۴: ۵۴-۵۵) همچنین می‌توان به کتاب «الجامع فی الادویة» اثر ابن بیطار (متوفی ۶۴۸ ق / ۱۲۴۸ م) اشاره کرد که در نوع خود بزرگ‌ترین دایرةالمعارف گیاه‌شناسی در زمان خود بود. در علم جغرافیا نیز می‌توان به پژوهش‌های ادریسی (متوفی ۵۶۰ ق / ۱۱۶۴ م) اشاره کرد که با مسافرت‌های بسیار به شمال آفریقا، آسیای صغیر و اروپا به ترسیم نقشه‌های جغرافیایی مهمی مبادرت کرد. نقشه‌ای که او در زمانش از جهان ترسیم کرد، پیشرو بودن اطلاعاتش را نشان می‌دهد. همچنین بخشی از پژوهش‌های رایج در پزشکی که شامل گزارشی از انواع بیماری‌ها و توصیف ابزار آن است، نیز نظیر آنچه در آثار شیخ‌الرئیس حسین بن عبدالله بن حسن بن سینا (۳۷۰-۹۸۰ ق / ۴۲۸-۱۰۳۷ م) در کتاب قانون و ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی (متوفی ۴۲۷ ق / ۱۰۳۵ م) در کتاب «التصریف لمن عجز عن التألیف» دیده می‌شود.

امروزه جدا کردن پژوهش‌های توصیفی از تحلیلی کار دشواری است و معمولاً تحقیقات جدید مشتمل بر هم توصیف و هم تحلیل است. توصیف اهمیت بسیار زیادی دارد و حتی می‌توان گفت که نقش آن در پژوهش بیش از تحلیل است؛ زیرا هر کجا که تحلیل است، توصیف نیز وجود دارد و در صورت توصیف نادرست و یا نارسا، تحلیل نیز به همان سرنوشت دچار می‌شود. یکی از دلایل ناکامی بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی کشور، عدم توجه کافی به پژوهش‌های توصیفی و دست‌کم گرفتن آن‌هاست؛

بنابراین، بدون وجود توصیف کاملی از وضعیت موجود، نباید به تحلیل علل چرایی آن پرداخت.

نحوه مواجهه علمی با مشکلات به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد و از همین پژوهش‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که یکی از آن‌ها تقسیمشان به پژوهش‌های توصیفی و پژوهش‌های تحلیلی است. توصیف بیان علمی وضعیت موجود است (معلول‌ها) و تحلیل ریشه‌یابی شکل‌گیری آن. (علت‌ها) پژوهش‌های معتبر جدید از هر دو شیوه استفاده می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را به طور کامل توصیفی و یا تحلیلی دانست.

مطالعات تحلیلی مشتمل بر مجموعه روابط علی و معلولی در توضیح یک وضعیت یا یک مسئله هستند. برای شناخت آن‌ها باید با مفهوم «نظریه» آشنا شد. متأسفانه آشفتگی بسیاری در خصوص مفهوم نظریه موجود است و الفاظ معانی واقعی خود را به دلیل کاربرد نابجای آن‌ها از دست داده‌اند. اینکه فردی خود را با الفاظ پرطمطراقی مانند «نظریه پرداز»، «تئوری پرداز» دل خوش کند، ولی پایبند به معانی واقعی آن نباشد، تنها در کوتاه مدت می‌تواند با بازی کلمات و الفاظ، عده‌ای را بفریبد. نظریه‌پرداز کسی است که توصیف و تحلیلی جامع از موضوع نظریه‌اش ارائه کند. برای شناخت نظریه ابتدا باید نوعی از قضایای شرطی موسوم به «قانون» را شناخت. قانون علمی، قضیه‌ای است شرطی که حداقل سه ویژگی زیر را داراست:

۱. اسلوب بیانی شرطی دارد؛ مانند:
هر چه (الف) بیشتر / کمتر شود، پس (ب) بیشتر / کمتر می‌شود.
اگر (الف) روی دهد / ندهد، پس (ب) روی خواهد داد. / نخواهد داد.
۲. در بخش اول (الف) یا همان شرط، «علت» یا «عامل تأثیرگذار» و بخش دوم (ب) یا همان جواب شرط، «معلول» یا «تأثیرپذیر» آورده می‌شوند.
۳. قانون علمی از نظر «موضوع» و «زمان» و «مکان» نامحدود است. با محدود و معین شدن آن - متناسب با نوع پژوهش - قانون مبدل به فرضیه می‌شود.
اکنون می‌توان مفهوم نظریه را تشریح کرد. نظریه دستگاه منسجم فکری است که حداقل شامل سه قانون علمی به هم پیوسته باشد؛ به شکلی که متغیرهای آن به شکلی مستقیم یکی پس از دیگری توضیح‌دهنده هم باشند. در اینجا دو نوع متغیر موجود است.

متغیر مستقل همان «علت» یا «عامل تأثیرگذار» است و متغیر وابسته، همان معلوم یا تأثیرپذیر است. برای مثال، به جملات زیر توجه شود:

- اگر گروه مرجع مثبت سیاسی جامعه‌ای، گروه مرجع بیگانه شود، پس ارزش‌های جامعه فوق نیز متأثر از آن تغییر خواهند کرد.
- اگر ارزش‌های یک جامعه به ارزش‌های بیگانه تغییر کند، پس به همان میزان از مشروعیت نظام سیاسی‌اش کاسته می‌شود.
- اگر از مشروعیت نظام سیاسی کاسته شود، پس به همان میزان از پایداری نظام سیاسی آن کاسته می‌شود.
- اگر گروه مرجع مثبت جامعه‌ای، گروه مرجع بیگانه شود، پس به همان میزان از پایداری نظام سیاسی کاسته می‌شود.

با دقت به آخرین قانون، مشخص می‌شود که این قانون نتیجه منطقی سه قانون پیش از خود است. در واقع عبارت است از: شرط قانون اول + نتیجه قانون سوم

گروه مرجع بیگانه ← پایداری نظام سیاسی

البته روابط علی ممکن است روابطی متقابل با یکدیگر برقرار کنند؛ یعنی تغییر هر یک بر دیگری اثر متقابلی داشته باشد. برای مثال، ارزش‌های اجتماعی نیز بر اثر عوامل دیگر دست‌خوش تحول شوند که در نتیجه موجب تغییر گروه‌های مرجع مثبت جامعه شود. همچنین نظریه جامع آن است که مبدأ روابط علی و معلولی را از سرچشمه‌ها شروع کند. در مثال آموزشی فوق، شروع نظریه از سرچشمه اصلی نیست؛ زیرا این سؤال پیش می‌آید که پس تغییر خود گروه مرجع مثبت اجتماعی معلول چه عواملی است؟ پاسخ می‌تواند به زنجیره‌ای دیگر از روابط علی و معلولی در ابعاد داخلی مانند اقدامات نظام سیاسی کشور در قالب برنامه‌های توسعه‌ای و در ابعاد خارجی مانند نقش بنگاه‌های تجاری غربی مطرح شود. در هر صورت باید کلیه متغیرهای موجود در یک نظریه را به دقت تعریف کرد. برای آزمون نظریه، باید قضایای شرطی را به صورت مناسبی محدود کرد. پیش‌تر اشاره شد که نظریه قالب بیانی نامحدودی دارد؛ اما محقق در تبیین پدیده‌ها زمان و مکان آن را مشخص می‌کند. ساخت یک نظریه جامع و مشتمل بر روابط علی - معلولی کافی و پرداختن به همه آن‌ها نیازمند داشتن موارد زیر است:

۱. مهارت عملی در ساخت روابط علی و معلولی،
 ۲. داشتن زمان کافی،
 ۳. مطالعات وسیع درباره پدیده‌ها،
 ۴. وسعت نظر و هوشمندی بالا.
- مثال‌هایی از پژوهش‌های تحلیلی (به روابط علی و معلولی توجه شود).
- بررسی تأثیر عقاید معتزله بر زمخشری، (مطالعه کتاب الکشاف)
 - بررسی نقش ارزش‌های قرآنی در تکوین هویت ایرانی،
 - بررسی تأثیر منطق ارسطویی بر تکوین علم نحو عربی،
 - بررسی تأثیر فرهنگ قرآنی در ادبیات منظوم فارسی (با مطالعه دیوان حافظ شیرازی)
 - علل اختلاف نظر مفسران قرآن،
 - بررسی نقش فریضه حج در شکل‌گیری وحدت فرهنگی در جهان اسلام،
 - بررسی نقش زمان دعا بر استجابت آن در قرآن و سنت،
 - بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی (مطالعه موردی شیعیان لبنان)
 - بررسی تأثیر قرآن کریم بر ساختار زبان فارسی،
 - بررسی ارتباط میان شرکت در فعالیت‌های ورزشی بر پیشرفت تحصیلی،
 - بررسی نقش متقابل نوع معماری بر اعتقادات دینی. (این فرضیه اشاره دارد که هر دو متغیر بر یکدیگر دارای تأثیرگذاری متقابل اند. به عبارت دیگر از سویی انسان‌ها فعالانه بناهای معماری را می‌سازند و از سوی دیگر خود متأثر از آن‌ها می‌شوند).
 - بررسی ارتباط میان وسایل کمک آموزشی با یادگیری قرآن کریم (در مدارس راهنمایی شهرستان کرج)
- جهت مطالعه بیشتر درباره «نظریه» به آثار دکتر فرامرز رفیع مانند «کندوکاوها و پنداشته‌ها» (آموزش روش تحقیق) و کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» و «توسعه و تضاد» که دو نمونه عملی از نظریه‌پردازی هستند، مراجعه شود.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸ ش) *کندوکاوها و پنداشته‌ها مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی*. تهران (چاپ دهم) شرکت سهامی انتشار.
 - رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶ ش) *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل علل*

پیدایش انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. چاپ چهارم، ۱۳۷۹، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۰ (۱۳۶۴). *جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیده استان یزد*. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم.

۱۴. پاره‌ای از مطالعات مبتنی بر آینده‌پژوهی هستند.

آینده‌پژوهی (Futures Study) شیوه‌ای از مطالعات علمی است که محقق به توسط آن می‌کوشد تا مشکلات فراروی پدیده مورد تحقیقش را پیش از وقوعشان بیابد، آینده‌های بدیل و نحوه تحقق آن‌ها را بررسی کند و از آنجا که هر چه حالا انتخاب شود موجب تغییر آینده خواهد شد، درک صحیحی از اولویت‌ها و حق تقدم‌ها در فرایند تصمیم‌گیری کسب کند؛ بنابراین آینده‌پژوهی به معنای داشتن چشم‌اندازهای قابل تحقق (مثلاً پنجاه سال آتی) است که گاه در قالب یک «سناریو» نوشته می‌شود.

یکی از دلایل انجام پژوهش‌های تحلیلی ترسیم زنجیره‌های علت - معلولی توضیح‌دهنده وضعیت جاری است که به محققان در یافتن راه‌حل یاری می‌رسانند. ارائه راه‌حل به معنای توجه به امکان تغییرات مطلوب است. در اینجا تفاوت کار آینده‌پژوهان از دیگر محققان، در تفاوت طرح مسأله‌شان مشاهده می‌شود که اولین تافلر آن را با عنوان «چشمان تازه‌ای به واقعیت» تعبیر می‌کند؛ به عبارت دیگر آینده‌پژوهان روابط علت و معلولی را نه تنها برای تبیین وقایع گذشته و حال، بلکه برای شناخت و یا ساختن آینده مطلوبشان مورد توجه قرار می‌دهند؛ بنابراین آینده‌پژوهی علم تغییر وضعیت جاری برای ساختن آینده مطلوب و گریز از آینده‌های نامطلوب مطرح است. شناخت متغیرهای سازنده آینده محور اصلی آینده‌پژوهی است.

مثلاً ممکن است محقق در یک پژوهش توصیفی و اکتشافی این پرسش را مطرح کند که «مهم‌ترین مسایل و مشکلات فرهنگی ایرانیان در حال حاضر کدام‌اند؟» و پس از یافتن پاسخ این پرسش به دنبال یافتن «علل شکل‌گیری و تداوم آن‌ها» (زنجیره علت - معلولی) باشد و نهایتاً پیرامون «راه‌حل‌های برون رفت از وضعیت موجود» بیندیشد؛ اما پرسش‌های آینده‌پژوهان ناظر به ترسیم آینده جهت اتخاذ تصمیمات بهتر در زمان حال

است. لذا نوع پرسش‌های آنان به گونه‌ای دیگر طرح می‌شوند مانند آن که:

- «مشکلات فرهنگی ایرانیان در آینده (مثلاً دههٔ آتی) کدام اند؟ (در برابرشان چندگونه آیندهٔ ممکن مطلوب و یا نامطلوب موجود است؟)
- «آینده‌های جایگزین آن‌ها کدام‌اند؟ (حل مسایل در آینده)»

تافلر در این خصوص می‌گوید: «نگاه کردن به آینده چیزی که هیچکس نمی‌تواند، مگر به شیوهٔ انتزاعی، وسیله‌ای است برای بهتر کردن تصمیم‌هایی که در زمان حال گرفته می‌شوند.» اهمیت آینده‌پژوهی از آن روست که فهم زمان حال نیازمند فهم آینده است و کسی که دیدگاهی دربارهٔ آینده نداشته باشد، نمی‌تواند با زمان حال تعامل کند و از این رو فرهیختگان مسلمان باید بتوانند آیندهٔ کشورهای خویش را خود ترسیم کنند؛ به ویژه آن که موضوعاتی مانند جهانی‌شدن باعث شده است تا آیندهٔ ملت‌های مسلمان بیش از پیش به هم وابسته شود. حسرت خوردن از پایان گذشته‌ای پرافتخار و یا اکتفا کردن به نقد وضعیت کنونی راه‌حل‌های مناسبی برای مواجهه با پدیده‌هایی چون تهاجم فرهنگی و یا جهانی‌شدن فکر و فرهنگ غربی نیستند؛ این فهم زمان حال برخاسته از معرفت به آینده است که می‌تواند قدرت مسلمانان را در حل مسایل و معضلاتشان افزایش دهد؛ مشروط به آن که برخاسته از علمی معطوف به عمل باشد. یکی از معیارهای شناخت مطلوب زمانه آن است که محقق غفلتاً با حوادث آینده مواجهه نمی‌شود. کسی که دید روشنی از آینده نداشته باشد به درستی نمی‌داند که چگونه با زمان حال مواجه شود. آینده از امروز آغاز می‌شود و جوامع اسلامی نیازمند بهبود سیاست‌هایی هستند که هم‌اکنون اتخاذ می‌نمایند تا به آینده‌ای بهتر نائل شوند. همچنین آینده‌پژوهی موجب کسب آمادگی مطلوب برای زندگی در آینده می‌شود. مهیا شدن برای آینده منوط به داشتن برنامه در زمان حال است. موفقیت کسی که تنها به زمان حاضر می‌اندیشد، پایدار و ماندنی نیست؛ مثلاً آینده‌پژوهی وظیفهٔ هشدار قبلی و آمادگی قبلی در قبال مسایل آتی و معین کردن درجهٔ احتمال وقوعشان را بر عهده می‌گیرد و موجب مطالعه در زمینهٔ امکانات و توانایی‌های بالفعل و بالقوهٔ افراد جامعه به منظور توسعهٔ توانایی‌های آن می‌شود. برخی از پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از:

۱. آینده از ابتدا مقدر نشده است. (قابل تغییر و جایگزینی است).
۲. شناخت آینده پیش از آن که برای اصلاح زمان حال باشد برای ساختن فردایی

بهتر است.

۳. زمان حال را نمی توان بدون درک گذشته و تصویری از آینده مقابل شناخت؛ اما چنین نیست که هر چه در آینده پدید آید، در گذشته و یا زمان حال موجود باشد. آینده دارای عناصر و روابطی است که پیش تر از آن موجود نبوده اند.
۴. هر جامعه دارای آینده های ممکن بسیاری است که برخی از آن ها بدیل دیگری اند.
۵. هرگونه توسعه ای در گرو ترسیم آینده خویش است. توسعه موفق توسعه ای است که تصویر آینده خویش را به گونه ای بومی و بر پایه نیازهای واقعی خویش ترسیم کرده است.

بیندیشیم

مطالعه روابط علی و معلولی مندرج در متون فرهنگی جهان اسلام، ضمن تقویت قدرت استدلال خواننده، نتایج فرهنگی مثبتی را در ساخت نظریه دارد. با مطالعه چند زیر، به روابط علی و معلولی مندرج در آن توجه کنید:

متنی از قابوس نامه:

و هر کسی را که وزارت دادی، وی را در وزارت تمکینی تمام کن تا کارهای تو و شغل مملکت تو برو بسته نباشد و به اقرباء و پیوستگان او نیکویی کن، به معاش دادن و خوبی کردن تقصیر مکن، اما خویشان و پیوستگان وی را عمل مفرمای که یکباره پیه به گربه {در نسخه ای دیگر: گرگ} نتوان سپردن که وی به هیچ حال حساب پیوستگان خویش به حق نکند و از بهر مال تو خویشان خویش را نیازارد و نیز کسان وزیر صد بیداد بکنند بر خلقان که بیگانه از آن صد، یکی نیارد کردن و وزیر از کسان خویش در گذرد و از بیگانه در نگذرد. (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۸۰: ۲۲۹)

متنی از سیاست نامه خواجه نظام الملک:

عُمال را که عملی^۱ می دهند، ایشان را وصیت باید کرد تا با خلق خدای، تعالی، نیکو روند و از ایشان جز مال حق نستانند و آن نیز به مدارا و مجاملت طلب کنند و تا ایشان

را دست به ارتفاعی^۱ نرسد، آن مال نخواهند، که چون پیش از وقت خواهند، رعایا را رنج رسد و درمگانه ارتفاعی که خواهد رسید، از ضرورت، به نیم درم بفروشند و از آن مستأصل و آواره شوند و اگر کسی از رعیت در ماند و به گاو و تخم حاجتمند گردد، او را وام دهند و سبکبار دارند تا بر جای بماند و از خانه خویش به غربت نیفتد. (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۴: ۲۴)

و یا همین نویسنده می‌نویسد:

چاره نیست پادشاه را از آنکه هر هفته‌ای دو روز به مظالم بنشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی‌واسطه‌ای و چند قصه^۲ که مهم‌تر بود، باید که عرضه کنند و در هر یکی مثالی^۳ دهد، که چون این خبر در مملکت پراکنده شود که خداوند جهان، متظلمان و دادخواهان را، در هفته‌ای دو روز، پیش خویش می‌خواند و سخن ایشان می‌شنود، همه ظالمان بشکوه‌اند^۴ و دست‌ها کوتاه دارند و کس نیارد^۵ بیدادی کردن و دست‌درازی کردن از بیم عقوبت. (همان: ۱۲)

متنی از فصول منتزعه اثر حکیم ابونصر فارابی:

به سه دلیل نباید گذاشت که هیچ کس کنش‌های گوناگون انجام دهد و دارای بیش از یک پیشه باشد، بلکه شاید کسی در جامعه آماده فراگرفتن پیشه و کاری است که دیگری سزاوار آن نیست و دیگری شایسته کاری دیگر است که آن یکی آمادگی انجام آن را ندارد. دلیل دوم، آن است که همین که انسانی یک کار و یک پیشه را برگزیند و از کودکی به همان کار و پیشه بزرگ شود و کار دیگری نپذیرد، او در سازمان بخشیدن همان پیشه و کار رساتر و برتر و در انجام همان پیشه و کار چیره‌دست‌تر و استادتر از دیگران خواهد بود. دلیل سوم، آنکه همه کارها، زمان‌های معین و اوقات ویژه‌ای دارد، همین که پدید آوردن کنش‌ها دیر شود و زمان آن به تأخیر افتد، از میان خواهد رفت و گاهی پیش می‌آید که انجام دو کار در یک زمان است، پس همین که او به یکی سرگرم شود، دیگری از میان خواهد رفت و در وقت دوم به آن دست نخواهد یافت. از این رو شایسته است که هر انسانی به یک کار دست یازد تا هر یک از دو کار به هنگام خود انجام گیرد و فرصت تباه نشود و زمان از میان نرود. (ابونصر فارابی، ۱۳۸۲: ۶۵ -

۱. برداشت محصول

۲. عرض حال و نامه

۳. فرمانی

۴. بترسند

۵. جرئت نکند

۱۵. رعایت «اخلاق و ادب»

تحقیق علمی توأم باتقوا و رعایت پاکی و سلامت در کلام است. عاقبت به خیری انسان‌ها (محقق و غیر محقق) در صدق و راستی آن‌هاست:
هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ
این روزی است که راست‌گویان را راستی‌شان سود بخشد (قرآن مجید، مائده، بخشی از آیه ۱۱۹)

اگر هدف از شناخت علمی، بیان واقعیت از سر صدق و راستگویی است، پس نمی‌توان اخلاق را از طریق علم جدا دانست. در عین نقد علمی، احترام بزرگان دینی را باید نگاهداشت. استدلال منطقی را نباید فدای هیجانات زودگذر کرد و در مدح و ذم موضوعات علمی نباید جز بر مدار حق شد.

۱۶. «اول شناخت، سپس حکم»

تا مسئله پژوهش به درستی شناخته نشود، امکان ورود علمی به آن ناممکن است. یکی از اشتباهات رایج در نگارش برخی از مقالات و پایان‌نامه‌ها ناشی از تعجیل نویسنده در صدور حکم و قضاوت نهایی، بدون فراهم کردن مقدمات لازم است. پژوهش را باید در دو مرحله پی در پی انجام داد:

۱. شناخت صحیح مسئله یا موضوع تحقیق،

۲. ارزیابی و داوری.

برای مثال، فخر رازی (۵۳۴ - ۶۰۶ ق) کتاب (جامع العلوم «ستینی») را در دوران جوانی خود نگاشته است.^۱ نکات زیر در بررسی این اثر حائز اهمیت است:

۱. با شناخت این اثر تنها می‌توان در محدوده این اثر و نه همه آثار فخر رازی،

۱. این اثر با این مشخصات به چاپ رسیده است: رازی، فخرالدین (۱۳۸۲ ش) **جامع العلوم «ستینی»**، (تصحیح) سید علی آل‌داود، تهران (چاپ اول) مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

قضاوت کرد.

۲. اعتبار قضاوت درباره آرای فخر رازی در این کتاب، در پرتو مقدار شناخت حاصله از آن است و از آنجا که این اثر مربوط به دوران جوانی فخر رازی است، پس این امکان موجود است که دیدگاه وی در گذر زمان تغییر کرده باشد.

۳. لذا نمی توان به صرف شناخت افکار جوانی فخر رازی، حکم کلی ای را به تمامی مراحل حیات فکری او تعمیم داد.

۴. حال اگر درباره انتساب این رساله به فخر رازی نیز اختلاف نظر باشد، حکم و قضاوت درباره آن مشکل تر خواهد شد.

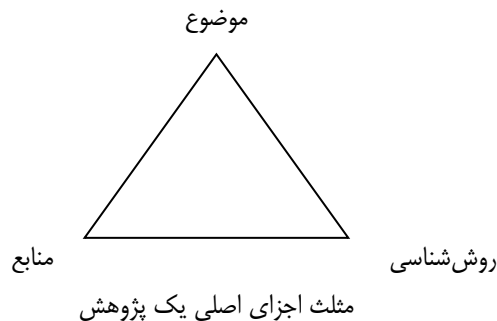
۱۷. «تناسب روش با علم مورد نظر»

روش علمی عبارت است از مجموعه قواعد و راه هایی است که در شناخت هر علم به کار می رود. از دیرباز دانسته شده بود که علم از راه های مختلفی کسب می شود. که مهم ترین آن ها عبارت اند از: حس ۲. خبر ۳. نظر. (خطابی، ۱۹۹۸: ۵۵۷/۲) از دیدگاه راغب اصفهانی (۴۰۲ ق / ۱۰۱۱ م) راه های کسب علم بر چهار گونه است:

- علوم حاصل از بدیهیات عقل یا از امور حسی.
- علوم حاصل از جنبه نظری مبتنی بر مقدمات عقلی و یا مقدمات محسوس
- علوم حاصل از خبر که بر پایه شنیدن و یا خواندن است و تا حالت گمانی خبر مرتفع نشود، تبدیل به علم نخواهد شد.
- علوم حاصل از طریق وحی. (همان: ۵۶۰-۵۶۲)

علم (Science) به معنای شناخت حاصل از مشاهده، آزمایش از طریق تجربه است. در سنت متداول غربی، موضوع مطالعه علمی باید عینی و مشاهده پذیر باشد. این مسئله برای پاره ای از موضوعات صادق است، ولی علم را در روش تجربی منحصر نکرد. نه می توان تمام علوم را منحصر به روش شناسی تجربی کرد و نه می توان کارایی روش تجربی را در موضوعات تجربی زیر سؤال برد. هر علمی از منطق روشی خاص خود تبعیت می کند و تعمیم اصول روش شناسی هر یک به دیگری نادرست است؛ بنابراین در فقه باید ملتزم به قواعد و روش های فقهی بود و در تاریخ از اصول شناخته شده میان مورخان استفاده کرد و در تفسیر و علوم قرآن ملتزم به روش های تفسیری بود. علم به اعتباری شامل موضوع،

منابع (داده‌ها) و روش تحلیل آن داده‌هاست. برخی از اندیشمندان مسلمان (شیعه و یا اهل سنت) که حداقل در یکی از سه عرصه مذکور، متأثر از جریان‌های فکری مغرب زمین بوده‌اند که دلایل مختلفی دارد که از زمره آن‌ها می‌توان به تأثیرپذیری از سنت‌های مطالعاتی شرق شناسی بر اثر نهضت ترجمه، اعزام دانشجوی به مراکز فرهنگی و آموزشی غرب، ورود اساتید غربی به جهان اسلام، سیاست دولت‌های غرب زده در جهان اسلام و مانند آن اشاره کرد.



برای مثال نصر حامد ابوزید (۱۹۴۹ - ۲۰۱۰ م) که روش تفسیر او از قرآن که متأثر از سنت‌های تفسیری غربی است و موجب تکفیرش که شرح مفصلی از آن در کتاب (تفکر در عصر تکفیر) و نیز در ضمیمه کتاب معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن (ابوزید، ۱۳۸۷: ۴۸۲-۴۹۲) آمده است، در کتاب «**رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن**» با محوریت دادن به نقش عبدالله بن سبأ، شیعیان را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. غلات (مؤسس آن: عبدالله بن سبأ)، ۲. امامیه، (مؤسس آن: مختار بن عبید) و ۳. زیدیه، (مؤسس آن زید بن علی زین‌العابدین) او در چنین سیاقی می‌اندیشد که اعتقاد به مهدویت در مقابل حکومت دنیوی بنی‌امیه مطرح شد. (ابوزید ۱۳۸۷: ۳۱) اعتقادی که به زعم او اساساً با کار آیی انسان که معتزله همواره به تاکید بر آن و دفاع از آن تلاش می‌کردند؛ متناقض است. (ص ۵۳) و یا محمد عابد الجابری (۱۹۳۶-۲۰۱۰ م) متأثر از لویی ماسینیون، اعتقاد به امامت در شیعه را امتداد هرمس‌گرایی^۱ می‌داند و شیعیان را نخستین هرمس‌گرایان اسلام می‌خواند. (جابری، ۱۳۸۹: ۳۳۹-۳۴۰ و ۴۱۵)

۱. مکتب هرمس از تلاقی تمدن‌های یونانی و مصری در اسکندریه ایجاد شد. سید حسین نصر نشان می‌دهد که چنین اعتقادی با نهضت ترجمه متون فلسفی در دوران عباسیان وارد جهان اسلام شد. در زمینه هرمس و نوشته‌های هرمسی در جهان اسلامی نک: (نصر، ۱۳۴۸: ۵۹ - ۹۰)

نیز روزه آرنالدز شرق شناس فرانسوی، در بیان دیدگاه محمد ارکون درباره اسلام می گوید که گرچه او درباره قرآن و سنت صحبت می کند ولی محقق غربی سریعاً متوجه این موضوع می شود که در حال بازگویی نظریه ای غربی است. (الشیخ، ۱۹۹۹: ۶۳) مثال ها در این زمینه بسیار است.

تعاریف و تعبیر مختلفی از علم بیان شده است. هیچ یک از این تعاریف جدا از سیر تطور مفهومی پیش از خود معنا نمی یابند. لذا پذیرش هر تعریفی از علم منوط به پذیرش تفسیری از تاریخ علم است. برای مثال، تفاوت مفهوم Science (علم) با Knowledge (شناخت در مفهوم کلی) در مباحث امروزی غرب به سیر تحول فکری و فرهنگی جوامع غربی ناشی از تحولات دوران تجدید حیات فرهنگی آن ها بازمی گردد. توجه به این تاریخ به ما نشان می دهد که چگونه در فضای مفهومی این واژه، دنیا و مظاهر مادی آن در کانون توجه دانشمندان قرار گرفت و از درک پدیده ها در قالب مخلوقات الهی انصراف حاصل شد و چگونه علم در روش شناسایی واحدی «حصر» شد و در نهایت چگونه علم و از جمله علوم انسانی در ذیل مفهوم طبیعیات تفسیر شدند. البته این موضوعی مربوط به تاریخ علم و از برخی جهات فلسفه علم است و در این مجال همین قدر کفایت می کند که متوجه بستر تاریخی و فلسفی خود در حین تعریف علم باشیم و البته باید اوهام و خیالاتی از قبیل دوره های سه گانه اوگوست کنت (مبنی بر دوران متافیزیکی، دوران فلسفی و دوران تحقیقی) را از معنای تاریخ علم جدا کرد. (جعفری، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۴-۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱ / ۶۴۲)

یکسان دانستن علوم طبیعی با علوم انسانی امری متفاوت با پذیرش وجود رابطه میان آن ها است. برای مثال، متفکری (در علوم انسانی) که تصویر ماهواره ای چرخش وضعی و انتقالی زمین را دیده باشد، یقیناً به نسبت پیشینیان خود که فاقد چنین تجربه ای بودند، بهتر درباره زمین اندیشیده و دارای افق فکری وسیع تری خواهد بود؛ اما این امر به معنای تعمیم روش علوم تجربی بر تفسیر قرآن نیستند. چنانکه مفسران بزرگ قرآن بر این امر تاکید دارند که در تفسیر قرآن، نباید از ظن و گمان و آنچه حجیت و اعتبار عقلی و یا شرعی ندارد، پیروی کرد. در این زمینه آیت الله معرفت معتقد است که استفاده از فراورده های علمی به عنوان ابزار درک قرآنی برای خود صاحب نظران قهری است؛ اما دیگران که می خواهند از این نظریات استفاده کنند اولاً باید این نظریات به سر حد کمال

رسیده باشد و ثانیاً با کلمهٔ محتمل در تفسیر مطرح شود نه آنکه به طور جدی گفته شود معنای آیه همین است و لا غیر. (نک: معرفت، ۱۳۸۴: ۶۰؛ خویی، ۱۳۸۲: ۵۲۶-۵۲۷؛ طباطبائی، ۱۳۶۳: ۷/۱ - ۲۱)

۱۸. تمییز قیاس از استقراء

بحث استقراء و قیاس یکی از مباحث مهم تعریف علم است. استقرای تام، استقرای برهانی است که کاملاً معتبر و مفید یقین است؛ اما معمولاً انجام استقرای کامل در سطوح مطالعهٔ وسیع ممکن نیست. در این حالت، استقرا تنها افادهٔ ظن غالب می‌کند. امروزه در علوم انسانی (به ویژه در علوم اجتماعی) پذیرفته شده است که پایهٔ پژوهش از حوزهٔ قیاسی و نه استقرایی آغاز می‌شود و استقرا به عنوان پایهٔ علم قابل قبول نیست. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۹۲) معمولاً در مطالعات اکتشافی و نیز تکمیل جورچین روابط علت - معلولی در نظریه (قیاس)، به استقراء توجه می‌شود.

تجربه متفاوت با استقرا است. استقراء در مقابل قیاس قرار دارد؛ اما معمولاً آن را به اشتباه، با «تجربه» یکی می‌دانند. تجربه ناظر به ماهیت شیء (بما هو شیء) بوده و به دنبال دریافت خاصیت درونی شیء است. درحالی که استقراء متوجه شناخت رابطهٔ شیء با خارج است. ضمن آنکه در تجربه مسئلهٔ قیاس خفی مطرح می‌شود چنانکه مرحوم شهید مطهری (۱۲۹۹ - ۱۳۵۸ ش) می‌نویسد:

... وقتی که مسئله، خاصیت خود شیء شد و ما هستیم و آهن «بما هو آهن» یعنی طبیعت آهن، می‌گوییم پس آهن چنین خاصیتی دارد. وقتی که در ده مورد فهمیدیم که این خاصیت مربوط به خود آهن هست، چون هیچ عامل دیگری غیر از خود آهن در اینجا وجود ندارد، اینجاست که «قیاس خفی» که بو علی سینا و خواجه نصیرالدین می‌گویند در کار می‌آید. آن وقت امر دایر به این است که: آهن از آن جهت که آهن است خاصیت متحدالشکلی داشته باشد، یعنی این طبیعت واحد، اثر واحد داشته باشد، این جاست که یک قیاس خفی در کار می‌آید و شما می‌گویید: «حکم الامثال فی ما یجوز و فی ما لا یجوز واحد» یعنی اموری که مانند یکدیگر هستند، اگر صد در صد مانند یکدیگر باشند، نمی‌تواند احکام مختلف و متناقضی داشته باشد، مثل این است که بگوییم در یک جا پنج ضربدر پنج، بیست و پنج می‌شود، ولی در جای دیگر بیست و شش می‌شود! چنین نیست. پنج ضربدر پنج در همه جا یک خصلت واحد دارد. پس به حکم قاعدهٔ کلی که حکم امثال یکی است، آهن در همه جا یک خصلت دارد، به

دلیل اینکه این موضوع مربوط به رابطه آهن با شیء دیگر نیست، یعنی مربوط به خصلتی که آهن قابل باشد و دیگری به او داده باشد، نیست، عکس‌العملی است که آهن در مقابل عامل از خود نشان می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۲۵-۱۲۶)

۱۹. «هدفمندی در تحقیق»

خواندن و نوشتن بی‌هدف کاری عبث و بیهوده است؛ بنابراین، به جهت هدفمند کردن پژوهش باید رابطه اقدامات خویش مانند انتخاب منابع، مطالعه، یادداشت‌برداری و ... با «پرسش‌های اصلی تحقیق» را مشخص کرد. در ادامه بیان می‌شود که پرسش‌های تحقیق قطب‌نمای آن هستند.

در قبال انجام هر بخش از تحقیق خود، باید بتوان دلیل انجام آن را و نیز توجیه عدم انجام برخی اقدامات نزدیک به پژوهش بیان کرد. برای مثال:

- چرا این موضوع تحقیق انتخاب شده است؟
 - چرا محقق از این زاویه وارد مسئله شده است؟
 - چرا برخی از منابع مطالعاتی انتخاب شده و از برخی دیگر چشم‌پوشی شده است؟
- نویسنده موارد بسیاری از نگارش بی‌هدف پایان‌نامه‌های دانشجویی را مشاهده کرده است که در برخی از موارد، دانشجو قادر به توضیح علت انتخاب فصلی از رساله اش نبوده است.

۲۰. «عدم اعتماد به گمان»

هیچ گاه نباید نتایج تحقیق خود را مبتنی بر «امور ظنی» و «احتمالات» کرد. در این صورت نتیجه‌گیری تحقیق، مقید به قید «شاید» و نظایر آن خواهد شد. (شاید باشد، شاید نباشد!) در نتیجه به رغم صرف وقت و هزینه‌های بسیار، گویی کاری انجام نشده است.

نباید دنباله رو چیزی بود که بدان علم نداشت. «و لا تقف ما لیس لک به علم» (قرآن مجید، اسراء: ۳۶، نیز نک: زخرف: ۸۶ / یونس: ۳۶ و ۶۶ / بقره: ۱۶۹) در بررسی قرآن و سنت نباید متأثر از روش‌های فرض‌گروی رایج در مطالعات علوم طبیعی بود. در مطالعات علوم اسلامی، فرضیه تا پیش از رسیدن به علم از راه‌های معتبر، قابل استناد و اتکا نیست. با

این حال به طور طبیعی هر محقق در بررسی یک مسئله با مراتب مختلفی از شناخت سروکار دارد که در قاعده بعدی به آن اشاره می‌شود.

۲۱. «تعیین درجه تشخیص شناخت»

محقق باید دانسته‌های خود را بر اساس میزان شناختش درجه‌بندی کند و یقین خود را از نقل قول‌هایی که نمی‌پذیرد، جدا کند و دلایل شناخت علمی خود را در اسلوب مناسبی بیان کند. خواننده باید بداند که در گزارش تحقیق کجا «علم» است و کجا «احتمال» یا «شک» یا «ظن» و یا «اطمینان» است. لذا متن علمی نیازمند گنجانیدن قیدهایی است که در صورت نبود یقین، درجه شناخت را نشان دهد. این بدان معناست که محقق باید آگاهی صحیحی از ساختار دانسته‌هایش داشته باشد تا بتواند به انتقال صحیح اطلاعات به خواننده مبادرت کند. مرحوم علامه جعفری در تعریف اصطلاحات فوق درجه بندی زیر را مطرح کرده است: (امید و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۲؛ نیز نک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۱-۳۷۲)

- علم: انکشاف صد در صد واقعیت در ذهن.
 - اطمینان: انکشاف ۷۰ - ۹۹ درصد واقعیت در ذهن.
 - ظن: انکشاف ۵۱ - ۹۹ درصد واقعیت در ذهن.
 - شک و تردید: انکشاف پنجاه درصد واقعیت در ذهن.
 - احتمال: انکشاف زیر پنجاه درصد واقعیت در ذهن.
- البته همواره این دقت مورد توجه نیست، پس به‌طور کلی می‌توان گفت که در یک پژوهش علمی همواره شناخت علمی از شناخت غیرعلمی جدا می‌شود و از خلط شناخت‌ها که موجب سردرگمی خواننده می‌شود باید اجتناب کرد. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در پانویست بخشی از ترجمه کتاب «البدء و التاریخ» اثر محمد بن طاهر مقدسی، با عنوان «آفرینش و تاریخ» در عباراتی بسیار آموزنده که مبتنی بر روح تحقیق و پژوهش است، توجه خواننده را به عباراتی از کتاب مقدسی می‌دهد که او آن را به درستی متوجه نشده است. شوق به دانستن در عبارات او موج می‌زند و آفرین بر سلامت نفس او در تحقیق:
- عبارات این بخش را به درستی دریافتم و تردیدی ندارم که افتادگی‌های بسیاری در آن راه یافته است. با این همه ممکن است اهل تحقیق عبارات متن درست را تشخیص

دهند، در آن صورت بر عجز و جهل من ببخشایند و از راهنمایی دریغ نفرمایند، اینک متن عبارت کتاب: *إلا أن لا شيء في الغائب الا جسم او عرض لأنه لا يرى في الشاهد* غیر حدث ... (مقدسی، ۱۳۸۱: ۱ / ۱۵۰)

۲۲. «اگر نقل کننده هستی پس سند»

به طور کلی هر نقلی مرکب از حداقل دو جزء اساسی است: ۱. سند و ۲. متن و ساختار محتوایی آن. در حین نقل مطالب، اسناد مربوط به آن ها، هر یک با اتکا به روش خاص خود، باید مورد بررسی شود. از لحاظ بررسی روایات معصومین علیهم السلام، سند شناسی مشتمل بر دو علم رجال و حدیث است. علم رجال به بررسی افراد راوی حدیث و علم حدیث به سلسله‌ای که راویان در آن قرار می‌گیرند، اختصاص دارد. البته صحت سند روایت در اثبات حقیقی و واقعی بودن آن کفایت نمی‌کند، بلکه با لحاظ سایر معیارها می‌توان به درستی و یا نادرستی آن حکم کرد. در نقل قول‌ها باید به منابع اصلی آن‌ها توجه کرد. برای مثال، به نقل فردی دروغ‌گو و یا بی‌دقت نباید اعتماد کرد و پذیرش سخنان آن‌ها را باید به تأیید صحت آن از طریق منابع دیگر موکول کرد. ضعف سند لزوماً به معنای جعلی بودن روایت نیست؛ هرچند که اعتبار روایت را بسیار پایین می‌آورد. یکی از راه‌های تشخیص صحت محتوای یک روایت، هماهنگی آن با قرآن کریم و عدم تناقضش با مسلمات یقینی اسلامی است. قرآن مجید درست‌ترین معیار و میزان برای سنجش صحت و سقم روایات و اخبار است. همچنین از برخی از مسلمات تاریخی نیز می‌توان در تشخیص صحت نقل استفاده کرد. در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) چنین وارد شده است:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْتَبِرَ عَقْلَ الرَّجُلِ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ فَحَدِّثْهُ فِي خِلَالِ حَدِيثِكَ بِمَا لَا يَكُونُ، فَإِنْ أَنْكَرَهُ فَهُوَ عَاقِلٌ، وَإِنْ صَدَّقَهُ فَهُوَ أَحمَقُّ

هرگاه خواستی عقل کسی را با یک نشست و برخاست بیازمایی، در خلال سخن خود، چیزی بگو که تحقق آن محال باشد، اگر آن را نپذیرفت بدان که عاقل و خردمند است و اگر آن را پذیرفت بدان که کم‌خرد و نادان است. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱ / ۱۱)

تناقض یک خبر با امور قطعی تاریخی برای رد و عدم پذیرش آن کافی است. از همین قبیل است، هرگاه راوی مدعی شود که از فلان فرد حادثه‌ای را دیده یا شنیده

است، درحالی که آن فرد پیش از تولد راوی مرده یا پس از وفات او به دنیا آمده باشد. در مواردی نیز وجود چند روایت متناقض دربارهٔ یک موضوع، به خودی خود نشان می‌دهد که یک یا چند مورد از آن، باید جعلی باشد. همچنین نقل باید با احکام فطری و عقلی سازگار باشد. هیچ یک از تعالیم، اقوال، افعال و مواضع رسول‌الله و ائمه اطهار علیهم‌السلام مخالف عقل و فطرت نیستند. حکم عقل به وجوب عصمت پیامبر و امام از خطا و گناه نمونه‌ای از آن است؛ بنابراین متنی که خطا یا گناهی به ایشان نسبت می‌دهد، مردود است.

۲۳. «اگر مدعی هستی پس دلیل»

ادعا سخنی است که درستی و یا نادرستی آن مشخص نیست. زمانی که گفته می‌شود: ادعای فوق بر حق است. حقانیت آن ادعا به مجموعه دلایلی کافی و متقن منسوب می‌شود. بر همین اساس «ادعای ناحق» ادعایی است که با دلایل متقن رد شده است. لذا نحوهٔ استدلال نقش قاطعی در سلامت تحقیق دارد.

۲۴. «بیان حقیقت، همهٔ حقیقت»

هیچ گاه نباید پژوهش مبتنی بر مطلبی غیر واقعی شود. هیچ خیری در دروغ نیست و عدم پذیرش حقیقت در درجهٔ اول تحقیر و فریب خود است. بسیاری از مورخان اروپایی، هر جا در بیان احوالات پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله به تأویل و تفسیری دست یابند که متضمن ایراد یا انتقادی بر ایشان باشد، آن را به هر تفسیر و یا تأویل دیگری ترجیح می‌دهند. (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۹۰) و این امر نه پژوهشی علمی، که چیزی جز عناد و کینه جویی نیست. پژوهشگر باید خود را ملتزم به بیان حقیقت بداند و همهٔ حقیقت مرتبط با پاسخ پرسش تحقیق را بیان کند.

۲۵. «پرهیز از ابهام و تعقید در متن»

ابهام به دو یا چند معنایی بودن گفتاری اطلاق می‌شود که بخشی از دلایل آن محتوایی (مانند عدم کفایت در دلیل) و برخی دیگر ساختاری (مانند مشخص نبودن مرجع ضمیر) است. از آنجا که نمی‌توان بدون روشن شدن گفتار تحقیق خود حتی یک گام در

جهت انتقال اطلاعات علمی برداشت، پس همواره نیاز به رعایت صراحت، روانی در گزارش پژوهش موجود است. استدلال نباید چنان مطرح شود که برخلاف منظور اصلی محقق، قابل تفسیر به شیوه‌های مختلفی باشد. از شعارهای اصلی هر تحقیق علمی چنین است: «پیچیده فکر کنید، روان بنویسید».

در زمینه سخن شیوا و روانی و استحکام آن، مطالعه کتاب زیر پیشنهاد می‌شود:

- جلال الدین همایی (۱۳۸۹ ش) **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. تهران (چاپ سی‌ام) نشر هما. (به ویژه ص ۳ الی ۲۳)

نیز به منظور آشنایی با الگویی نمونه در شیوه نگارش مطالعه منبع زیر توصیه می‌شود:

- عبدالحسین زرین کوب (۱۳۹۲) **فرار از مدرسه درباره زندگی و اندیشه ابو حامد غزالی**. تهران (چاپ دوازدهم) انتشارات امیرکبیر.

۲۶. «وحدت رویه در تحقیق»

اجزای یک پژوهش باید یکدست و هماهنگ باشند. برای مثال، لازم است تا ارتباط منطقی بین پرسش، فرضیه و عنوان پژوهش برقرار باشد. باید ارتباطی منطقی میان نتیجه گیری تحقیق با پرسش مورد نظر ایجاد شود. نتیجه گیری پژوهشی که ربطی با پرسش خود ندارد، فاقد اعتبار کافی است.

مثالی دیگر، وحدت رویه میان علم و روش شناسایی آن است. برای مثال، نباید روش تجربی را بر تفسیر قرآن تحمیل کرد. نیز در انجام تحقیق، باید از یک منطق روشی واحد بهره گرفت. لذا پیش از انجام تحقیق، لازم است برنامه روشی خود را تبیین کرد. غالب متفکران اسلامی به ویژه مفسران قرآن نظیر علامه طباطبایی، شیوه ای مشخص و قابل پیش بینی در تفسیر قرآن دارند و از خلط مباحث و روش ها انتقاد می کنند. به مثال های زیر توجه شود:

- خلط بحث «محکم و متشابه» با بحث پیرامون معنای «تأویل» منجر به انحراف و اختلاف عجیبی در انعقاد اصل مسئله و نتیجه گیری از آن شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳ / ۴۹)

- شخصی که معتقد است حسن و قبح کلی و دائمی نیست و همواره در تغییر و دگرگونی است، در مقام استدلال مفهوم را با مصداق خلط می کند. برای مثال، فردی می گوید که عدل و ظلم (روشن ترین مصادیق حسن و قبح) دائمی نیست. زیرا اجرای یک قانون مانند زدن شلاق به

مرد و زن زناکار، در جامعه اسلامی عدل است و در جوامع غربی ظلم. درحالی که این نظر به سبب خلط بحث فوق نادرست است. غربی‌ها نیز عدل را خوب و ظلم را بد می‌دانند، (قاعده حسن و قبح برای آن‌ها نیز دائمی است) اما در مصداق (تازیانه زدن به زناکار) اختلاف نظر موجود است. (همان: ۵ / ۱۱) علامه طباطبایی در ادامه می‌نویسد: «و کسی که مثل این گوینده فرق میان مفهوم و مصداق را تشخیص ندهد، ما نیز با او بحثی نداریم. ...»

- نویسنده (مانند صاحب تفسیر المنار) نباید بحث تفسیری را که کارش به دست آوردن مدلول آیات کریمه قرآن است، با بحث کلامی که هدفی جز اثبات گفته متکلم درباره مذهبش نداشته و مبتنی بر هر دلیل ممکن از عقل، کتاب، سنت، اجماع و یا دلیلی مختلط از آن‌ها است، «خلط» کند. بحث تفسیری اجازه استدلال به غیر قرآن را نداده و مفسر نباید نظریه ای علمی را بر قرآن تحمیل کند. (همان: ۹ / ۲۹۳)

۲۷. «نگو درست نیست تا نمی‌دانی که درست چیست»

تقریر درست مسئله، متضمن بیان وضعیت‌های نادرست و رد آن‌ها است. بیان اینکه چه چیز درست است، به طور طبیعی امر نادرست را نشان می‌دهد. همواره باید در کنار جنبه سلبی پژوهش، متوجه جنبه ایجابی آن نیز بود و به رد مطالب نادرست اکتفا نکرد.

۲۸. «رعایت اولویت در سند و دلیل»

بیان اسناد و ادله باید بر پایه نظم مشخص باشد و بهتر است اولویت ترتیب بر پایه ارزش اسناد و دلایل، به ترتیب از عالی‌ترین سند موجود باشد و مابقی اسناد به عنوان مکمل آن بیان شود. هیچ گاه نباید اسناد درجه دوم را بر اسناد درجه اول ترجیح داد و ارتباط پژوهش خود را با مراجع اصلی پژوهش قطع کرد. با وجود دلایل و مدارک متقن از دلایل ضعیف و نارسا استفاده نکنید.

۲۹. «اصل مقدم بر فرع»

حاشیه را نباید چنان گسترانید که از موضوع اصلی پژوهش خارج شد. معیار اصلی برای تمیز اصل و فرع پژوهش از هم «پرسش تحقیق» است. اگر قاعده «هدفمندی در تحقیق» رعایت شود، احتمال خروج از موضوع تحقیق بسیار کاهش خواهد یافت. برای

مثال، اصل در هر پژوهش بنا بر بررسی پرسش‌های اصلی تحقیق است، نه دیگر پرسش‌ها و یا اصل در انجام هر پژوهش، بنا بر اتکا بر منابع معتبر است، نه دیگر منابع. در انتخاب منابع نیز اصل بر منابعی است که مستقیماً به حل مسئله کمک کنند.

۳۰. «عدم خروج از عرف زبان علمی مگر با دلیل محکم»

در هر علم، اولویت با کاربرد اصطلاحات رایج در همان علم است. در علوم اسلامی می‌توان از ظرفیت‌های واژگانی آثار علمای متقدم و متأخر استفاده کرد. باید تا حد امکان واژگان تخصصی خود را از میراث فرهنگی جهان اسلام و نه غرب استخراج کرد. برای مثال، در پژوهش‌های تاریخ صدر اسلام از واژه انتخابات برای بیعت و جنگ برای جهاد استفاده نکرد و حتی الامکان خود مبادرت به وضع اصطلاح جدید نکرد. در صورت نیاز مبرم به ساخت اصطلاحات جدید، باید آن را به صورت دقیق و مشخص تعریف کرد. همچنین علت وضع آن را به شکل مختصر و مفید بیان کرد.

مثال – نمونه‌ای از نام‌گذاری نادرست

در مقاله‌ای با عنوان «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»^۱ نویسندگان به چند دسته روابط جنسی پیش از ازدواج اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: الف- گفتمان پیشامدرن (روابط روسپی‌گری و صیغه‌ای)؛ ب- گفتمان مدرن (روابط عاشقانه از قبیل ۱. هم‌خانگی و ۲. دوست پسر و دوست دختر و روابط غیر عاشقانه مانند روابط مبتنی بر فریب طرف مقابل) ج- گفتمان پسامدرن (روابط عشق سیال) این‌گونه نام‌گذاری‌ها غالباً از منابع غربی اخذ شده‌اند و استفاده آن‌ها معرف زندگی مسلمانان نیست. نویسندگان در اینجا باید از اصطلاحاتی چون «روابط غیرشرعی و نامشروع» و «زناکاری» استفاده می‌کردند و حدود روابط میان زن و مرد را از دید شرع مشخص می‌کردند. این بدان معنا نیست که مُنکر وجود چنین روابط نامشروعی در جامعه شویم و یا درباره آن سخن نگوییم؛ اما نام‌گذاری پدیده‌ها در جوامع اسلامی، باید دقیق و بر پایه حدود الهی باشد. خطرات کم‌رنگ شدن بار معنایی

۱ فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

واژگان از دید شرع زیاد و نگران کننده است.

۳۱. «نگارش پس از تحقیق»

از زمره باورهای نادرست برخی از دانشجویان این تصور است که: «پژوهش همان نگارش (مقاله یا پایان نامه و ...) است.» این در حالی است که ما ابتدا تحقیق می کنیم و در پایان گزارش آن را در قالب مقاله، پایان نامه و یا کتاب می نویسیم. «مرحله نگارش، مرحله گزارش پژوهش است.» به طور کلی مراحل تحقیق عبارتند از:

- مرحله مطالعات اکتشافی - موضوع یابی به جهت طرح پرسشی برای تحقیق.
- پرورش مفهومی و محتوایی پرسش های تحقیق.
- نگارش طرح تحقیق.
- بررسی منابع و مدارک.
- جمع آوری داده های مرتبط با تحقیق.
- تحلیل داده ها.
- نتیجه گیری نهایی.
- نگارش و ویرایش گزارش نهایی.

۳۲. اولین قدم محقق، آخرین قدم او نباشد.

انجام تحقیق مستلزم صبر و حوصله بسیار است. به محض ارائه یک پرسش و یا پاسخی اولیه برای آن، نباید کار را تمام شده تلقی کرد. نیز مشورت با اهل فن همواره کاری ارزشمند و قابل ستایش است، اما روی مشورت ها تأمل کرد و بهترین گزینه ها را انتخاب کرد. از سخنان گرانمایه حضرت علی (علیه السلام) است:

لسان عاقل وراء قلبه و قلبُ الأحمق وراء لسانه

گفتار عاقل پس از تفکر و تأمل است و فکر احمق پس از گفتار اوست. (آشتیانی،

۱۳۸۳: ۱/ ۱۹)

مزن بی تأمل به گفتار دم

نکو گوی اگر دیر گویی چه غم

۳۳. «محقق حق تشریع ندارد.»

احکام دین جز از خداوند متعال، رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام گرفته نمی شود. امری که مورد تاکید بسیاری از روایات همچون حدیث ثقلین است. این حدیث چنان در بین مسلمانان متواتر است که حجت قاطعی بر همگان است. (در اینجا به تفاوت میان مفهوم سنت در نزد شیعه و برادران گرامی اهل سنت، توجه شود.)

بر این اساس، هرگونه تشریعی در برابر تشریع الهی مردود است و هیچ حجت و مشروعیتی ندارد و نیز سنت رسول الله مشروعیت دهنده به رفتار و گفتار افراد است و نه آنکه رفتار و گفتار افراد بدان مشروعیت بخشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بر پایه رأی خویش اجتهاد نمی کرد.^۱ از این رو هیچ احتمال خطایی در احکام صادره از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی رود.

اجتهاد در مقابل نص مروی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باطل است و مخالفت با آن از سوی هر کس که بوده باشد، واجب است. معیار و میزان همه چیز قول و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که از طرق صحیح به ما رسیده باشد.

۳۴. «قرآن مصون از تحریف است.»

کتاب صد درصد درست و بدون تحریف قرآن است و در هر کتاب جز قرآن مطالب صحیح، ضعیف، تحریف شده و جعلی وجود دارد. استدلال بی اساس برخی مبنی بر تحریف قرآن، منجر به بطلان حجیت قرآن و در نتیجه نبوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و لغو و بی اثر شدن معارف دین می شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۲ / ۱۶۵ - ۱۶۶) تمامی روایات تأییدکننده «تحریف قرآن» مردودند. (همان: ۲۰ / ۵۲۰)

۳۵. «رعایت حدود ابراز عقیده»

در مطالعات دینی که محقق می خواهد نظر دین را درباره موضوعی ارائه کند، نباید نظریه شخصی و یا شبهه خود را پیش از عرضه به قرآن و به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و به اهل بیت علیهم السلام، در بین مردم منتشر کند؛ زیرا ممکن است برخلاف خواسته محقق،

۱. بر خلاف آنچه که در شرح مقاصد تفتازانی و شرح تجرید ملاعلی قوشچی تصریح شده است.

موجبات دعوت به باطل و یا ایجاد اختلاف بین مردم کند که نهایتاً جامعه را به فساد می‌کشاند. (همان، ۴ / ۲۰۶ - ۲۰۷)

۳۶. «تقلید ناپذیری در کسب اعتقادات»

تقلید در امور اعتقادی جایز نیست. نیز «گمان» نمی‌تواند مأخذ اعتقادات باشد. زیرا همیشه احتمال خلاف در ظن وجود دارد. پس در امور اعتقادی ظن و حدس کفایت نمی‌کند و باید به یقین و قطع رسید. اصول عقاید بر دو قسم هستند. ۱. عقاید ضروری مانند توحید، نبوت و معاد، که مرز پذیرش اسلام است. ۲. اصول نظری که در آن اختلاف بسیار به همراه ادله و شواهد و استدلال‌های فراوان شده است. عدم پذیرش آن‌ها منجر به خروج از اسلام نمی‌شود.

۳۷. «تفاوت کلام الهی با کلام بشری»

در تفسیر آیات قرآنی نباید کلام خدا را با کلام مردم مورد مقایسه قرار داد. بیان قرآنی بر خلاف کلام بشری، کلامی است که الفاظش در عین جدایی از همدیگر، به یکدیگر متصل هستند. پس نباید به مدلول یک آیه و آنچه از به کار بردن قواعد عربیت می‌فهمیم اکتفا کرد و بدون آنکه سایر آیات مناسب با آن را مورد دقت و اجتهاد قرار داد به معنایی که از آن یک آیه به دست می‌آید تمسک کرد. همچنان که آیه شریفه «افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیهِ اختلافاً کبیراً» (قرآن مجید، نساء: ۸۲) بر پیوستگی تمامی آیات قرآن به هم اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۱۷ - ۱۱۸)

تفاوت کلام خدا با سایر کلام‌ها از جنبه نحوه استعمال الفاظ یا چین جملات و به کار بردن فنون ادبی و صناعات لفظی نیست. زیرا قرآن کلامی عربی است: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه، لیبین لهم» (قرآن مجید، ابراهیم: ۴) «و هذا لسان عربی مبین» (قرآن مجید، نحل: ۱۰۳) «انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون» (قرآن مجید، زخرف: ۳) بلکه تفاوت کلام الهی با کلام بشری، از جهت «مراد و مصداق» است. علامه طباطبایی اشاره دارد که ذهن انسان‌ها به جهت ارتباطی که با عالم طبیعت دارد، مأنوس با مادیات

شده و از هر معنایی مفهوم مادی آن را فهمیده و هر مفهومی را با مصداق جسمانی اش منطبق می سازد. مثلاً زمانی که کلامی را از فردی مثل خود می شنویم، آن را بر مصداقی حمل می کنیم که معهود ذهن ما و نظام حاکم در آن است. زیرا می دانیم که گوینده کلام نیز انسانی مانند ماست و خودش هم غیر از آنچه ما فهمیدیم، نمی فهمد و غیر آن را هم نمی فهماند. این نظام «حاکم در مصداق» در مفهوم هم جاری است. چه بسا که به مفهوم کلی استثنا می زند و یا مفهوم یک حکم جزئی را تعمیم می دهد و یا به نحوی دیگر در مفهوم دخل و تصرف می کند که آن را «تصرف قرائن عقلیه غیر لفظیه» می نامیم. بکار بردن این تصرفات در تفسیر کلماتی که خداوند متعال در معرفی اسماء صفات، افعال خود، فرشتگان، کتب، رسولان، قیامت و متعلقات آن آورده همه اش از قبیل تفسیر به رأی و پیروی غیر علم و تحریف کلام از مواضعش است. (نک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۲۱-۱۲۴)

۳۸. «ثبات اصول اعتقادی و اخلاقی و احکام اولیه اسلام»

اصول اعتقادی و اخلاقی اسلام در گذر زمان قابل تغییر نبوده و نسبی نیستند. مکتب اسلام شامل پنج رکن اساسی است:

۱. اعتقادات
۲. اخلاقیات
۳. احکام اولیه
۴. احکام ثانویه
۵. موضوعات

از آن رو که عقاید متکی به فطرت و عقل سلیم و وجدان انسانی هستند، هرگز قابل تغییر و دگرگونی نخواهد بود.

اخلاقیات شامل یک عده اصول و قضایایی است که انجام و یا ترک آن ها شایسته وجود انسانی است و برای حرکت در مسیر تکامل ضرورت دارد. این ها نیز از آن جهت که مربوط به نیازهای اولیه انسانی است ثابت و غیرقابل تغییر هستند.

احکام اولیه عبارت از احکامی است که بر مبنای نیازهای ثابت انسان به وسیله پیامبر اسلام تبلیغ و مردم به پیروی از آن مکلف اند؛ مانند نماز، روزه، حج و نیز ممنوعیت دروغ و

زنا، قتل نفس، آشامیدن مسکرات و ... از آن جهت که این احکام بر اساس نیازهای اصلی انسان وضع شده است، هیچ وقت قابل تغییر و دگرگونی نخواهد بود. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱ / ۴۲۰ - ۴۲۳)

احکام ثانویه عبارت از تکالیف و وظایفی است که با نظر به مصالح و مفاسد، توسط زمامداران اسلامی به عنوان حکم ثانوی صادر می شوند و با برداشته شدن علت و انگیزه آن (مصلحت و یا مفسده مربوطه) حکم ثانوی برداشته شده و باز احکام اولیه به جریان می افتد؛ مانند تحریم تنباکو از طرف میرزای شیرازی با توجه به این مسئله می توان گفت که احکام ثانویه قابل تغییر است. با ایجاد علل و انگیزه شان به وجود آمده و با از میان رفتن آن ها از میان می روند.

موضوعات عبارت است از تمام نیازها و واقعیات و شئون زندگی انسان که با عقل سلیم و حواس و اندیشه اش با آن ها به فعالیت می پردازد و زندگی خود را تأمین می کند. احکام تابع موضوعات همانند احکام ثانویه در معرض تغییر هستند.

۳۹. ضرورت توجه به مصادر مختلف مذاهب اسلامی

مصادر هر علم سرچشمه های آن علم هستند که در بررسی علمی نمی توان از آن ها چشم پوشید. برای مثال، کتاب هایی چون صحیح بخاری یا صحیح مسلم از مصادر علم حدیث اهل سنت و کتاب های اصول کافی یا الاستبصار از مصادر علم حدیث شیعه هستند. هستند. کتاب سیبویه از مصادر علم نحو به شمار می رود. کتاب الکامل اثر مبرد از مصادر ادبیات است. کتاب المغنی اثر ابن قدامة از مصادر علم فقه حنبلی است. برای شناخت مصادر اصلی هر علم اقدامات زیر سودمند است:

- پرس و جو از منبع شناسان متخصص،
- استفاده از فهرست های کتابخانه های بزرگ،
- مراجعه به کتابنامه آثار علمی معتبری که در زمینه موضوع علمی مورد نظر نوشته شده اند.

- مطالعه آخرین شماره های مجلات تخصصی،
- رجوع به منابع و مصادر اصلی پیروان هر یک از مذاهب اسلامی برای شناخت

اعتقادات آنان لازم است، ولی علاوه بر آن، باید به تفسیرها و برداشت های مورد اجماع علمای آن مذهب از آن منابع و مصادر رجوع شود. پس نباید شیعه به مجموعه ای از روایات اهل سنت و یا سنی به مجموعه ای از روایات شیعه استناد کنند تا به خیال خود اعتقاد به تحریف قرآن در نزد دیگری را اثبات کنند. درحالی که یقیناً هیچ یک از آن دو معتقد به چنان برداشت ناروایی از آن روایات و یا قائل به صحت آن روایات نیستند. پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر، باید به منابع روایی هم رجوع کنند و تفاسیر و دیدگاه های خود را با بیان دیدگاه های رقیب و در نظر گرفتن دلایل مخالف، بسنجند و بیان کنند و درعین حال، بی دلیل، پندار و گفته خود را به منزله اعتقاد دیگران نپندارند. برای مثال، در صورتی که ما درصدد شناخت عقاید پیروان سلفیه هستیم باید به منابع اصلی آموزش عقاید آنان رجوع کرد. این نکته بسیار مهم است که برخی از این منابع با منابع عموم اهل سنت مشترک اند؛ ولی چنانکه گفته شد، **محقق باید متون اعتقادی را از زاویه ای که پیروان سلفی می خوانند، نه برداشت انتقادی خویش مورد توجه قرار دهد.** ابتدا از طریق منابع و تفسیر آنان بداند موضوع از چه قرار است، سپس دیدگاه انتقادی خود را بیان کند.

مثالی از اتکا به منابع و استدلال ضعیف در شناخت شیعه

در متن زیر (از ترجمه الغدیر از آقای محمدتقی واحدی) به نقد علامه محقق عبدالحسین امینی^(ه) درباره فرازی از کتاب «عقد الفرید» اثر «ابن عبد ربه» توجه شود. با مطالعه آن، به منبع «عقد الفرید» در شناخت شیعه توجه شود. منبع شناخت او چه میزان اعتبار دارد؟ به نظر شما چه عواملی موجب می شود تا یک نویسنده به چنین منابعی استناد کند؟ به نظر شما نویسنده «عقد الفرید» برای شناخت شیعه به چه منابعی باید رجوع می کرد؟ همچنین به استدلال امینی درباره آن توجه شود.

بخوانید و بخندید! می گوید: ابو عثمان بحر الجاحظ گفته است: مردی از رؤسای تجار به من خبر داده گفت: پیرمردی بد اخلاق اخمو و خاموش، در کشتی با ما بود که سرش را از زمین بر نمی داشت و هر وقت اسم شیعه را می شنید در خشم فرومی رفت و چهره اش دگرگون شده، ابروهایش را سخت درهم می کشید. روزی به او گفتم: خدا تو را رحمت کند مگر از چه چیز شیعه این قدر بدت می آید، که می بینم هر وقت اسم شیعه در

برابرت برده می‌شود، سخت بر آشفته و نگران می‌شود؟ گفت: من از هیچ چیز شیعه به اندازه این شین اول اسمش بدم نمی‌آید، زیرا من شین را ندیده‌ام مگر در اول هر کلمه زشتی، از قبیل: شر، شوم، شیطان، شغب (شر بسیار)، شقاء، شفار (نقص) شرر، شین، شوک (خار) شکوی، شهره (افتضاح) شتم (فحش) شح (حرص و بخل) ابو عثمان گفت: بدین ترتیب دیگر اساس تشیع واژگونه شد.

شگفتی از سفاکت پیرمرد بد اخلاق و کوتاه بینی اوست که چون نتوانسته عیبی برای شیعه دست و پا کند، دشمنی شدید، او را وادار کرده تا با سفسطه چینی، عیبی برایش بترشد، از این رو شروع کرده فقط برای اینکه حرف اول این اسم با حرف اول اسماء زنده‌ای باهم متحدند، شیعه را بدان مؤاخذه کند. اگر این بهانه‌گیری‌ها مجاز باشد نسبت به بسیاری از اسماء مقدس، باید سرایت کند و حتی به کتاب خدای عزیز که در آن لفظ شیعه را می‌خوانیم؟ «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» (قرآن مجید، صافات: ۸۳) و آیات دیگر. بدتر از پیرمرد بد اخلاق، ابو عثمان است که گمان کرده بعد از این کلمه بی‌مایه، اساس تشیع واژگونه گردیده است، گویا این صاعقه‌ای بود که بر شیعیان باریده و یا زمین در زیر پای آن‌ها فرو رفته و یا کوه‌ها بر سرشان فرو باریده و آنان را هلاک ساخته است یا دلایل آنان وسیله برهانی قاطع مردود واقع شده رسوا شدند او نمی‌دانست که پیرمرد بد اخلاق، با سخنی که به زبان آورده، سوء نیت خود را و دلیل بد اخلاقی‌اش را آشکار ساخته است و ابو عثمان هم به عقل ناقصش از او پیروی کرده است. از این نابخردی، ابن عبدربه (صاحب عقد الفرید) نیز دور نمانده است که آن را در کتاب خود با اظهار رضایت نسبت به آن آورده است، چرا پیرمرد بد اخلاق از شین کلمه شیعه به مناسبت اتحاد حرف اولش با کلماتی از قبیل: شریعت، شمس، شروق (تابش) شعاع، شهد، شفاعت، شرف، شباب (جوانی)، شکر، شهامت، شأن، شجاعت، شفق، خوشش نیامد که بسیاری از آن‌ها مانند لفظ شیعه در قرآن هم آمده است؟! چرا شیخ در این قصه دروغین میکوشد تا شین را فقط در آن الفاظ بیابد نه در این الفاظ. شاید هم اعور یا احوال بوده و مقابل چشمان معیوبش را، نمی‌دیده است. آیا شیعه نمی‌تواند مانند پیرمرد بد اخلاق بگوید: من از سنی به خاطر سین اول اسمش بدم می‌آید که آن را در کلمات! سام، سئم، سعر (آتش) سقر (دوزخ) سبی (اسارت) سقم (بیماری) سم، سموم، سوئه (بدی) سهم (تیر)، سهو، سرطان، سرقت، سقه، سفل، سخب (سر و صدا) سخط، سخف، سقط، سلّ سلیطه، سماجت، می‌یابم. ولی شیعیان عقلا و حکمایند^۱ و بدین

۱ و بسیاری از علمای متقی اهل سنت که به این تهمت‌ها علیه برادران شیعه خود بی‌اعتنا بوده‌اند. شیعیان نیز متقابلاً باید هوشیار باشند و در دام فتنه‌های کور دشمنان وحدت اسلامی گرفتار نشوند.

یاوه‌ها توجه نمی‌کنند، با عواطف مردم به خاطر این یاوه‌های بی‌سروته، در نمی‌افتند و هیچ نوع بنیادی را با این خرافات، بدنام نمی‌کنند. این بود پاره‌ای از دروغ‌ها و جعلیات ابن عبدربه؛ و چه بسیار نظایری می‌توان برای آن یافت که هر گاه بخواهیم همه را متعرض شویم، کتاب بزرگی را تشکیل می‌دهد. از این‌ها گذشته، اشتباهات تاریخی در این کتاب نیز دیده می‌شود، مثل اینکه گوید: زید شهید در خراسان خروج کرد و آنجا کشته شد و بدار آویخته گردید. (عقدالفريد، ۲ ر ۱۴۶، ۳۵۵، ۳ ر ۴۱) که هر گاه بخواهیم به نقد و بررسی آن پردازیم، از موضوع بحث خارج می‌شویم و عارف را یک اشارت بس است. ابن تیمیه که در کتاب «منهاج السنه» خود نسبت‌ها و مجعولات ابن عبدربه را نقل کرده چون خوشش آمده نشان دهد به مردم که من از گذشتگانم بیشتر می‌توانم دروغ بیافم و بیش از آنان، از راستی و امانت فاصله دارم، لذا اضافه کرده است: یهودیان با اخلاص به مؤمنان سلام نمی‌کنند بلکه می‌گویند السام علیک (مرگ بر شما)، رافضیان نیز چنین‌اند.

یهودیان، مسح بر موزه (پای پوش) را جایز نمی‌دانند، همچنین رافضیان.

یهودیان، اموال مردم را حلال می‌دانند، همچنین رافضیان.

یهودیان، در نماز سجده بر فرق سر می‌کنند، همچنین رافضیان.

یهودیان، عقیده به فریب مردم دارند، همچنین رافضیان.

و امثال این سخنان خرافی و یاوه. ما تکذیب دروغ‌های نسبت داده‌شده را به نیروی درک و فهم آزاد شما، واگذار می‌کنیم و مطلب را به احاطه شما به فقه شیعه و کتب عقائد و احکامشان، آنچه از قدیم و جدید از شیعه شناخته شده، موکول می‌سازیم. «و هر گاه پس از علمی که تو را فراهم آمده، پیروی از تمایلات و هواهای آنان کنی، نه دوست خواهی داشت و نه یآوری»

۴۰. توجه به روش‌شناسی‌های مختلف

پیروان مذاهب شیعه و اهل سنت در زمینه حجیت برخی روش‌ها اختلاف نظر دارند. در بررسی نظرات آن‌ها باید به الزامات روشی شان توجه کرد. برای مثال، عالمان شیعه اعتبار و ارزش رأی، قیاس^۱ و استحسان^۲ را در تشریع زیر سؤال می‌برند. همچنین از دید

۱. قیاس عبارت است از حکم به یک موضوع به جهت علتی که از حکم درباره موضوع دیگری استنباط شود.

۲. استحسان عموماً به معنای حدس مناسبت مابین حکم و موضوع است. برای مثال، نهادن دست‌ها بر روی هم و گذاشتن آن بر سینه و یا شکم در حال قرائت نماز نوعی خضوع در برابر خداوند تلقی می‌گردد.

شیعه اجماع به خودی خود حجت عقلی یقینی نیست. اجماع حجتی است ظنی و شرعی که دلیل اعتبارش نزد اهل سنت مبتنی بر خبری منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «امت من بر خطا و ضلالت اتفاق و اجماع نمی کند» و نزد شیعه به این است که یا قول معصوم علیه السلام در میان اقوال اهل اجماع باشد و یا از قول اهل اجماع به گونه‌ای کشف از قول معصوم شود. پس حجیت اجماع، چه منقول یا محصل، موقوف بر قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام است، آن نیز موقوف بر نبوت است و صحت نبوت هم در این عصر متوقف بر سلامت قرآن از تحریفی است که صفات قرآن از قبیل هدایت و قول فصل و مخصوصاً اعجاز را از بین ببرد. (طباطبایی، ۱۲ / ۱۶۰ - ۱۶۱)

۴۱. تسلط بر منبع‌شناسی

محقق باید بر منبع‌شناسی حوزه کار خود مسلط باشد. منبع‌شناسی موجب روشن شدن نقشه راه می‌شود و نشان می‌دهد که:

- چه کسی مشغول چه کاری است؟
 - چه حوزه‌های مطالعاتی مورد توجه چه کسانی هستند؟
 - در چه حوزه‌های مطالعاتی کار چندانی صورت نگرفته است؟
 - چه کسانی دوست هم هستند؟ (ادبیات مشترک و همسو)
 - چه کسانی دشمن هم هستند؟ (ادبیات غیر همسو مانند ردیه‌نویسی) و ...
- بی‌جهت نیست که اولین اقدام اسلام‌شناسان غربی تسلط شدن بر منابع اسلامی است. در اینجا پاره‌ای از مصادر و مراجع علوم قرآن تقدیم حضور می‌شود:

مثال: غریب القرآن و اعراب آن

۱. معانی القرآن اثر فراء. این کتاب در سه جلد با تحقیق محمدعلی النجار و همکارانش در دارالکتب المصریة قاهره منتشر شده است.
۲. معانی القرآن اثر أخفش

در اینجا حکم وجوب گذاشتن دست‌ها بر روی هم بر سینه و یا شکم و موضوع احترام و تعظیم خداوند است.

۳. معانی القرآن و إعرابه که منسوب به زجاج است.
۴. تفسیر غریب القرآن اثر ابن قتیبہ که در یک مجلد با تحقیق احمد صقر در مصر (۱۹۵۸ م) منتشر شده است.
۵. إعراب ثلاثین سورة من القرآن اثر ابن خالویه
۶. إملاء ما منَّ به الرحمن من وجوه الإعراب و القراءات فی جمیع القرآن اثر محب‌الدین ابی البقاء عبدالله بن الحسین العکبری
۷. غریب القرآن اثر سجستانی

مثال: تفاسیر اهل سنت

منبع‌شناسی می‌تواند ترسیم‌کننده گرایش‌های روشی مفسران قرآن نیز باشد. برای مثال به نمونه‌هایی از مصادر و مراجع تفاسیر قرآن کریم در نزد اهل سنت، شامل تفاسیر مأثور و معقول، توجه شود:

الف - تفاسیر مأثور

۱. جامع البیان عن تأویل القرآن معروف به تفسیر طبری اثر ابی جعفر محمد بن جریر طبری (۲۴۴ - ۳۱۰ ق)
۲. معالم التنزیل اثر ابی محمد حسین بن مسعود بن محمد الفراء (متوفی ۵۱۰ ق)
۳. افسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر ابن کثیر.
۴. الكشف و البیان عن تفسیر القرآن اثر ابی احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری (متوفی ۴۱۷ ق)
۵. المحرر الوجیز اثر ابن عطیه اندلسی غرناطی (متوفی ۵۴۶ ق)
۶. الجواهر الحسان فی تفسیر آی القرآن اثر ابو زید عبدالرحمن بن محمد ثعالبی الجزایری (متوفی ۸۷۶ ق)
۷. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور اثر جلال الدین سیوطی شافعی (۸۴۹ - ۹۱۱ ق)

ب - مصادر تفسیر معقول

۱. الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل اثر ابوالقاسم

- محمود بن عمر خوارزمی، زمخشری ملقب به جار الله (۴۶۷ - ۵۳۸ ق)
 ۲. البحر المحيط اثر اثیرالدین أبو عبدالله محمد بن یوسف ابن علی بن حیان اندلسی
 معروف به ابی حیان (۵۶۴ - ۷۴۵ ق)
 ۳. مفاتیح الغیب اثر فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن الرزازی معروف
 به فخررازی (۵۴۴ - ۶۰۶ ق)

مثال: مصادر و منابع علوم قرآنی

از زمره مطالعات قرآن اهل سنت می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

۱. البرهان فی علوم القرآن اثر بدر الدین محمد بن عبدالله الزرکشی (۷۴۵ - ۷۹۴ ق)
 ۲. الإیتقان فی علوم القرآن اثر أبوبکر جلال الدین عبدالرحمن السیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ ق)
- و در مورد اسباب النزول می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:
۳. اسباب النزول اثر ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (متوفی ۴۶۸ ق)
 ۴. لباب النقول فی أسباب النزول اثر جلال الدین سیوطی
- موضوعات مختلفی درباره قرآن کریم نوشته شده است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:
۵. التبیان فی آداب حملۀ القرآن اثر ابو زکریا یحیی بن شرف الدین النووی (۶۳۱ - ۶۷۶ ق)
 ۶. إعجاز القرآن اثر قاضی ابوبکر محمد بن طیب باقلانی (متوفی ۴۰۳ ق)
 ۷. ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن شامل: ۱. «بیان إعجاز القرآن» اثر ابو سلیمان حمد بن محمد بن الخطابی (۳۱۹ - ۳۸۸ ق) ۲. «النکت فی إعجاز القرآن» اثر ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی (۲۹۶ - ۳۸۶ ق) و ۳. «الرسالة الشامیه» اثر ابوبکر عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ق) این سه رساله با تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام توسط دارالمعارف مصر، در یک مجلد منتشر شده‌اند.
 ۸. تأویل مشکل القرآن اثر ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۲۱۳ - ۲۷۶ ق) در

یک مجلد با تحقیق السید أحمد الصقر در دار إحياء الكتب العربية در قاهره منتشر شده است.

۹. متشابه القرآن اثر عبدالجبار بن أحمد المعتزلی (۴۱۵ ق)
 ۱۰. الإكليل فی المتشابه و التأویل اثر ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸ ق)
 ۱۱. مقدمة فی أصول التفسیر اثر ابن تیمیه
 ۱۲. التبیان فی أقسام القرآن اثر ابن قیم الجوزیه (۶۹۱ - ۷۵۱) و در زمینه قراءات قرآن نیز مصادر و مراجع چندی موجود است:
 ۱. کتاب السبعة اثر ابن مجاهد (۳۲۴ ق)
 ۲. شواذ القراءات اثر ابن خالویه (۳۷۰ ق)
 ۳. الحجة اثر ابوعلى الفارسی (۳۷۷ ق)
 ۴. الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها اثر مکی بن أبی طالب القیسی (۴۳۷ ق)
 ۵. الإبانة عن معانی القراءات اثر مکی بن أبوطالب
 ۶. المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات اثر ابو الفتح بن جنی
- در اینجا باید توجه داشت که منبع شناسی نقل مجموعه ای از داده های خام (اسامی کتاب و مشخصات انتشار آنها) نیست. **منبع شناسی در پژوهش متضمن چینش خاص منابع بر اساس پرسش های تحقیق است.** امروزه به لطف پیشرفت های عظیم فناوری، امکانات خوبی جهت منبع شناسی و حتی یافتن متن اصلی منابع پژوهش موجود است. یکی از این ابزارها استفاده از نرم افزارهایی است که در این زمینه تولید شده اند. در حال حاضر (۱۳۹۲ شمسی) از میان آنها می توان به نرم افزار «تراجم و کتاب شناسی» ویرایش ۲ - مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی اشاره کرد که نخستین نرم افزار کتاب شناسی و شخصیت شناسی شیعه است. این نرم افزار به صورت معجم لفظی ارائه شده است و شامل ده عنوان کتاب در شصت و شش مجلد از منابع مهم پیرامون کتاب شناسی و شخصیت شناسی شیعه است که عبارت اند از:
۱. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، شیخ آقابزرگ تهرانی، ۲۵ جلد؛
 ۲. أعيان الشيعة، علامه سید محسن امین عاملی، ۱۱ جلد؛

۳. مستدرکات أعيان الشيعة، سيد حسن امين عاملی، ۷ جلد؛
 ۴. أمل الآمل فی علماء جبل عامل، شيخ حرّ عاملی، در ۲ جلد؛
 ۵. معالم العلماء، ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱ جلد؛
 ۶. موسوعة طبقة الفقهاء، شيخ جعفر سبحانی؛
 ۷. فهرس التراث، سيد محمد حسين حسینی جلالی؛
 ۸. تكملة أمل الآمل، سيد حسن صدر، ۱ جلد؛
 ۹. تعلیقة أمل الآمل، ميرزا عبدالله افندی اصفهانی؛
 ۱۰. تتميم أمل الآمل، شيخ عبد النبي قزوينی.
- بخش‌های اصلی این برنامه عبارت‌اند از: نمایش، جستجو، اعلام، لغت‌نامه و یادداشت. همچنین برخی از پایگاه‌های اینترنتی که می‌تواند دانشجو را در این زمینه یاری کند عبارت‌اند از:

- **کتابخانه ملی ایران**
بخش: جستجوی کتاب‌شناسی
<http://opac.nlai.ir>
- **کتابخانه مجلس شورای اسلامی**
بخش جستجو در کتاب‌های کتابخانه مجلس
www.ical.ir
- **کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**
www.ihcs.ac.ir/Pages/Features/Home.aspx?wid=۲۳
- **پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی**
www.sid.ir/fa/index.asp
- **کنسرسیوم محتوای ملی**
www.icnc.ir/index.aspx?pid=۱
- **مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد**
<http://c-library.um.ac.ir/>
- **پایگاه مجلات تخصصی noormags**
www.noormags.com/view/fa/default

- مرکز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الاسلامية (منبع‌شناسی عربی)
<http://۲۱۳.۱۵۰.۱۶۱.۲۱۷/kfcris/login.htm>
- مكتبة الاسكندرية (منبع‌شناسی عربی)
www.bibalex.gov.eg/home/default_ar.aspx
- النيل و الفرات
کتابفروشی بر خط که برخی منابع جدیدتر و یا محلی‌تر که وارد فهرست‌های کتابخانه‌ها نشده‌اند، قابل مشاهده است.
www.neelwafurat.com/index.aspx
- Internet Archive که پایگاه بزرگی برای دریافت یا بارگذاری (دانلود و آپلود) منابع نوشتاری، شنیداری و دیداری به زبان‌های مختلف جهان است.
<http://archive.org/details/texts>
- مكتبة المهتدين الاسلامية لمقارنة الاديان (دانلود منابع تخصصی در زمینه‌های مختلف عموماً به زبان عربی است).
www.al-maktabeh.com
- شبكة الفكر للكتب الكترونية وب‌گاهی برای دانلود آثار قدیم و جدید شیعی غالباً به زبان عربی است.
<http://alfeker.net/>
- The British Library
www.bl.uk/
- Library of Congress که از جامع‌ترین پایگاه‌های منبع‌شناسی به زبان انگلیسی است.
www.loc.gov/index.html
- مرکز ودود للفهارس و الكتب التحقيق. پایگاهی برای دانلود کتاب و مقاله و خلاصه پایان‌نامه به زبان عربی است.
www.wadod.net/index.php

۱. منبع‌شناسی مطالعات مربوط به تقریب مذاهب اسلامی را انجام دهید.
 ۲. سپس آن را در قالب دسته‌بندی بر اساس ۱. نویسندگان، ۲. دوره‌های زمانی، ۳. موقعیت‌های مکانی و ۴. موضوعی بازنویسی کنید.
- با این تمرین خواهید دید که هر بار اطلاعات جدیدی از داده‌های خام به دست خواهد آمد. همچنین ممکن است دیدگاه شما در اثر اشراف به منابع مطالعاتی مذکور جامع‌تر و فراگیرتر از گذشته شده باشد.

۴۲. توجه به بسامد اندیشه‌ها یا پدیده‌ها

بسیاری از مطالعات فرهنگی در جهان اسلام و نیز رشته‌هایی مانند کلام، شیعه‌شناسی و همواره نیازمند توجه به بسامد اندیشه‌ها و پدیده‌ها هستند. در مطالعه «هنجار» و «انحراف از هنجار» یا به تعبیر برخی «جور» و «ناجور»، بودن یا نبودن اندیشه‌ای و یا تحقق واقعه‌ای آن قدر اهمیت ندارد که بسامد آماری آن. دانستن بسامد اندیشه و یا واقعه‌ای، موجب می‌شود تا امور اتفاقی و استثنایی، از رویه‌های مستمر و متناوب تمییز داده شوند و پژوهش در مسیر موضوعات پیش پا افتاده و کم اهمیت حرکت نکند. هر جامعه‌ای دارای بافت طبیعی فرهنگی و اعتقادی خود است و بسامد آماری می‌تواند تغییرات آن را نشان دهد. این موضوع در دانش تفسیر نویسی هم اهمیت دارد. برای مثال، بسامد تفسیر نویسی موضوعی و یا ترتیبی در طول تاریخ تفسیر نویسی، می‌تواند به بسیاری پرسش‌ها پاسخ دهد و یا بسامد برخی روش‌های تفسیری در طول تاریخ می‌تواند اطلاعات بسیاری را درباره رواج یا افول یک مکتب فکری، یک مشرب و روش و دیدگاه ارائه دهد.

تمرین

- با مراجعه به کتاب‌های «الغدير في الكتاب و السنة و الادب» و نیز کتاب «الغدير في التراث الاسلامي» به این پرسش‌ها پاسخ دهید:
- در فهرست مطالب آن‌ها آیا توجه به بسامد حدیث الغدير در طول تاریخ را می‌توان دید؟
 - اهمیت یافتن بسامد مطالعات در زمینه حدیث غدير در چیست؟
 - علاوه بر توجه به بسامد مضامین ادبی حدیث غدير در طول تاریخ اسلام (مورد

توجه علامه امینی) به بسامد چه موضوعات دیگری نیز می توان توجه کرد؟
(پاسخی ابتکاری ارائه دهید).

۴۳. تمایز میان دنیای نظریه پردازی با دنیای واقعی.

نظریه در پی تبیین و تحلیل واقعیت است، اما لزوماً منعکس کننده آن نیست. باید رابطه ای منطقی میان این دو برقرار شود و نظریه ها موجب غافل شدن محقق از واقعیت ها نشوند و از سوی دیگر مشاهده هم نباید عاری از فکر و اندیشه باشد.

۴۴. درک مفهوم فرصت در گرو درک مفهوم تهدید است.

سمت وسوی مطالعات راهبردی، شناخت فرصت ها از خلال تهدیدهاست. وقتی درصدد کسب چیزی هستیم باید بدانیم که در ازای آن چه چیزی را از دست می دهیم و یا ممکن است که از دست دهیم. توجه به این اصل کمک شایانی به فهم مباحث موافقان و مخالفان یک پدیده است.

این سخن امام خمینی ^(ه) که فرمودند: «ما آزادی و استقلال بی اسلام به چه دردمان می خورد؟» (صحیفه امام، ۷ / ۴۵۹) شاخص مهمی در پذیرش مفاهیم و اخذ و انتقال پدیده هاست.

۴۵. جدایی ناپذیری ابعاد یک پدیده در دنیای واقعیت.

مسایل علوم انسانی، دارای ابعاد و زوایای مختلف و درهم تنیده ای هستند که در پژوهش می توان یک یا چند مورد از آن ها را به صورت انتزاعی مورد بررسی قرار داد، ولی در نتیجه گیری نهایی باید به این موضوع و واقعیت آن اشاره کرد. برای مثال، تفکر درباره هر یک از ابعاد جهانی سازی مستلزم داشتن اندیشه و راهکار درباره دیگر ابعاد است. باید مرز توصیف را از برداشت های ایدئولوژیکی، نظریه ها و پیش بینی ها جدا کرد. نه آن اندازه در دنیای نظریه پردازی سیر کرد که از توصیف صحیح یک پدیده ناتوان شد و نه آن اندازه گرفتار اجزای عینی یک پدیده شد که به واسطه آن از ساختارهای کلی تر در تبیین آن بی بهره ماند.

۴۶. ضرورت توجه به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاها

باید به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاها توجه کرد. آیا ادعای مورد نظر امکان تحقق دارد و یا خیر؟ برای مثال، وقتی گفته می‌شود که شیعیان از روی تقيه در کتاب‌های درسی‌شان نوشته‌اند که قرآن تحریف نشده و هرگز نخواهد شد، این سؤال مطرح است که آیا اصولاً ممکن است به میلیون‌ها کودک ایرانی در مدارس گفته شود که «قرآن تحریف نشده است» تا از روی تقيه! اهل سنت فریب ایشان را بخورند و بعد از تعطیلی مدارس صدها هزار خانواده بار دیگر به کودکان خود بیاموزند که: «هرچه در مدارس فرا گرفته‌اید از باب تقيه و برای دل خوش کردن سلفی‌ها بوده است!» واقعاً تقيه در ابعاد وسیع ده‌ها میلیون نفری به چه معناست؟! و به عنوان مثالی دیگر، در جریان قیام شیعیان بحرین بر ضد ظلم و جور نظام مستبد آل خلیفه، مجموعه‌ای وسیع از منابع مکتوب و صوتی- تصویری در معرفی شیعه تولید شد. در یکی از این منابع با عنوان «الشیعة فی البحرين من این أئمة...؟ خرافة السكان الاصلیین!» که توسط گروهی با عنوان «هیئة الدفاع عن عروبة و تاریخ البحرين» منتشر شده است، نویسندگان مدعی‌اند که شیعیان اکثریت مطلق در بحرین نیستند و مشکل اهل سنت، «اکثریت خاموش» آن‌هاست؛ و با اشاره به سیاست ایران در منطقه و قدرت یافتن شیعیان عراق در دوران پس از سقوط صدام می‌نویسد:

بهترین دلیل ما وضعیتی است که اکنون در عراق در جریان است و آن به واسطه اقدام ایران در صدور نزدیک به چهار میلیون شیعی جهت تغییر ترکیب اهالی عراق ایجاد شده است. از زمره اینان صد هزار زن هستند که جهت نیل به نتیجه نهایی که ازدیاد تعداد شهروندان در جنوب عراق مطابق منافع ایران شیعی است، با حربه متعه به ازدواج عراقی‌ها درآمده‌اند. (هیئة الدفاع عن العروبة، ۲۰۰۷: ۷-۸)

براستی نویسنده چه تصویری از اعدادی چون «صدور چهار میلیون نفر!» یا «یکصد هزار نفر زن ایرانی» که به خاطر «منافع سیاسی ایران» جهت «متعه» به عراق اعزام شده‌اند! دارد؟ و چگونه آن‌ها می‌توانند با ناچیز شمردن سطح فهم و شعور مخاطبش چنین ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح کنند؟ «دقت‌نمایی» و استفاده از ارقام و آمار و نمودار شیوه‌ای رایج در ستیزه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی است که در جنگ روانی مخالفان تقریب مذاهب اسلامی کاربرد وسیعی دارد و محقق نباید گرفتار آن شود. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا نظراتی چنین سخیف مطرح شوند، دو قطبی کردن جامعه بر پایه

مذهب و از میان بردن فرهنگ تقریب است که عوام را مهبیای پذیرش هر ادعایی علیه مذهب مقابل می‌کند. چرا که هر یک دیگری را غوطه‌ور در هاله‌ای از ارزش‌های منفی و ناپسند می‌بیند و چنین وضعیتی همانا مجرای ورود استعمار است.

۴۷. ممانعت از تبدیل نظریه‌های غربی به صورت اصل خود بنیاد.

برخی از مقالات و کتاب‌ها در حوزه علوم انسانی چنان نظریه‌ها و فلسفه‌های غربی را مسلم پنداشته‌اند که موجب شده است تا نویسندگان آن قادر به دیدن دیدگاه‌های بدیل نباشند و خود نیز نتوانند دیدگاه‌های بدیلی تولید کنند. اینان عمدتاً متأثر از فلسفه‌ها و معارف متفکران اروپایی و آمریکایی بودند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اثبات‌گرایی و بعدها ابطال‌گرایی؛ ماتریالیسم دیالکتیکی؛ پدیدارشناسی و هرمنوتیک. جالب آنکه موج اقبال به هر یک از این نظرات تابع اقبال آن در اروپا و آمریکا بوده است. لذا فراز و فرود هر یک از آن‌ها در جهان اسلام متأثر از فراز و فرود آن‌ها در غرب است و در هر دوره‌ای شکل خاص خود را داشته است. پاره‌ای از تفاسیر قرآنی علم‌گرا و تجربه‌گرا متأثر از همین وضعیت بوده‌اند که به اشتباهات عدیده‌ای دچار شدند.

۴۸. ضرورت توجه به گذشته علم مورد نظر

محقق باید گذشته علمی را که بدان اشتغال دارد بشناسد و بر آن احاطه یابد. با آگاهی بر تاریخ علم مورد نظر و شناخت نقاط عطف مهمی که در آن تاریخ موجود است و درک علل فراز و نشیب‌های آن علم می‌توان دیدگاه‌هایی به مراتب پخته‌تر و اصیل‌تر ارائه کرد. این امر مستلزم داشتن مطالعات وسیع و درک مطالب در قالب دسته‌بندی‌های منظم و مشخصی است. برای مثال، در علوم قرآنی شناخت طبقات مفسران و رویکردهای غالب در هر یک از آن طبقات بسیار اهمیت دارد. علامه طباطبایی^(ه) در این زمینه می‌نویسد:

علامه طباطبایی^(ه) در این زمینه در کتاب «قرآن در اسلام» می‌نویسد:

شیعه به نص قرآن مجید، قول پیغمبر اکرم^(ص) را در تفسیر آیات قرآنی حجت می‌داند و برای اقوال صحابه و تابعان مانند سایر مسلمین هیچ‌گونه حجیتی قائل نیست؛ مگر از راه روایت از پیغمبر اکرم^(ص) جز اینکه به نص خبر ثقلین، قول

عترت و اهل بیت را تالی قول پیغمبر اکرم (ص) و مانند آن حجت می‌دانند و از این روی در نقل و اخذ روایات تفسیری تنها به روایاتی که از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده اکتفا کرده‌اند و طبقات خود را به ترتیب زیرین به وجود آورده‌اند.

طبقه اول کسانی که روایات تفسیر را از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت فراگرفته‌اند و در اصول خود به طور غیر مرتب ثبت کرده و به روایت آن‌ها پرداخته‌اند مانند زراره و محمد بن مسلم و معروف و جریر و امثال ایشان.

طبقه دوم اهل تألیفات اولی تفسیر مانند فرات ابن ابراهیم و ابو حمزه ثمالی و عیاشی و علی بن ابراهیم قمی و نعمانی صاحب تفسیر. شیوه این طبقه مانند طبقه چهارم از مفسرین اهل سنت این بود که روایات مأثوره را که از طبقه اول اخذ کرده بودند با اسناد در تألیفات خودشان درج می‌کردند و از هرگونه اعمال نظر خودداری می‌نمودند؛ و نظر به اینکه زمان دسترسی به ائمه اهل بیت (ع) طولانی بود و تقریباً سیصد سال ادامه داشت طبعاً این دو طبقه ترتب زمانی نداشته متداخل بودند و همچنین کسانی که روایت را با حذف اسناد درج کنند بسیار کم بودند و درین باب به عنوان نمونه تفسیر عیاشی موجود را باید نام برد که یکی از شاگردان عیاشی، از تألیف عیاشی اسناد روایات را اختصاراً حذف نموده و نسخه او به عنوان نسخه عیاشی دایر گشته است.

طبقه سوم طبقه از باب علوم متفرقه است مانند سید رضی در تفسیر ادبی خود و شیخ طوسی در تفسیر کلامی خود که تفسیر تبیان است و صدرالمألهین در تفاسیر فلسفی خود و مبدی گنابادی در تفسیر عرفانی خود و شیخ عبد علی حویزی و سید هاشم بحرانی و فیض کاشانی در تفسیر نور الثقلین و برهان و صافی و کسانی میان عده‌ای از علوم در تفاسیرشان جمع کرده‌اند مانند شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان که از راه‌های مختلف لغت و نحو و قرائت و کلام و حدیث بحث می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۹)

۴۹. ضرورت توجه به طبقه‌بندی علوم

هر اندیشمندی طبقه‌بندی خاصی از علم دارد و علوم را بر مبنای آن از هم تمییز می‌دهد. محقق باید بتواند علم مورد نظرش را در طبقه‌بندی علوم جای داده و آن را تفسیر کند. توجه به طبقه‌بندی علوم و موقعیت علم مورد نظر در

اصالت و پخته شدن دیدگاه‌ها اهمیت دارد.

بیندیشیم

- به نظر شما از چند منظر می‌توان علوم را طبقه‌بندی کرد؟
- طبقه‌بندی‌های علوم چه تبعات و پیامدهایی را ممکن است دارا باشند؟

۵۰. توجه به حدود احکام تعمیم

سخن افراد لزوماً موضع مذاهبشان نیست. مواضع افراد با معیارهای متقن مذاهبشان سنجیده می‌شود و نه آنکه مذاهب بر پایه دیدگاه‌های پیروانشان دائماً در حال تغییر باشد؛ بنابراین در بسیاری از موارد عمل افراد را باید مورد نقد قرار داد نه مذاهب اسلامی را؛ و نباید با مشاهده اعمال و رفتار برخی از پیروان مذاهب اسلامی (استقرای ناقص)، حکم کلی درباره آن مذاهب و پیروان آن صادر کرد. برای مثال، برخی از مسلمانان تحت تأثیر اغوای فرهنگی غرب، به اخذ شیوه‌های زندگی غربی روی آورده‌اند. شیوه زندگی آنان ملاک ارزیابی شریعت نیست. این شریعت است که ملاک ارزیابی و قضاوت درباره زندگی و اعمال و رفتار آنان است.

۵۱. پرهیز از استناد به شنیده‌ها و اظهارنظرهای عجولانه

هرچه منابع و استدلال تحقیق محکم‌تر باشد، اعتماد خواننده به آن بیشتر است؛ اما هراندازه که منابع و دلایل ضعیف‌تر شوند، اعتماد خواننده به آن کمتر می‌شود و متن از وثاقت و اعتبار ساقط می‌شود. یکی از دلایل سستی آثار ناصر القفاری بر ضد شیعه استفاده بسیار او از شنیده‌های خود و دیگران و بیان آن‌ها به منزله یکی از اسناد قطعی است؛ چنانکه در آثار خود مدعی است که شیعیان به اذان شرعی پیش از نمازهایشان، این عبارت را با این الفاظ اضافه کرده‌اند: «الله اکبر خمینی رهبر!» (قفاری، ۱۴۱۵: ۱۱۵۴-۱۱۵۵) این مثال نشان می‌دهد که او سخت متأثر از شنیده‌هایش درباره شیعه است. عکس این مطلب نیز صدق می‌کند؛ یعنی محقق باید در نتیجه‌گیری تحقیق خود محتاط باشد. برای مثال، یکی از نویسندگان مصری به نام فرج الله الکردی که زمانی از

مروجان آثار ابن تیمیه بود، «بهایی» شد و آثاری در عقاید ضاله بهائیت نوشته است. نباید این موضوع را به دیگر سلفی‌ها نیز تعمیم داد و آنان را متهم کرد؛ هرچند که بر عقاید آنان نقدهای بسیاری وارد کرد. همچنین رشاد خلیفه نویسنده مصری که نظریه‌ای را در باب اعجاز قرآن با تاکید بر عدد ۱۹ ارائه کرده بود، پس از مدتی ادعای نبوت کرد و از دین اسلام خارج شد. (تاکید بیش از حد او بر عدد ۱۹ این احتمال را که او بهایی شده بود، تقویت می‌کند.) عملکرد او را نباید به حساب برادران اهل سنت گذاشت.

۵۲. کوشش جهت شناخت بی‌واسطه مسایل

یکی از برنامه‌های هر پژوهشگر باید کسب شناخت بی‌واسطه از موضوع تحقیق خود باشد. بسیاری از پژوهش‌ها درباره اندیشه‌های افرادی صورت می‌گیرد که نویسندگان آن‌ها در قید حیات و در دسترس هستند. برای مثال، کتاب‌های درسی در حوزه تعلیمات دینی و قرآن را در نظر بگیریم. در صورتی که بخواهیم بر روی این آثار پژوهش کنیم، ابتدا باید سراغ خود نویسندگان آن برویم، نیز اسناد بالادستی که به موجب آن‌ها این کتاب‌ها نوشته شده‌اند و نتایج تدریس آزمایشی این کتابها و مقالاتی را که دبیران در مجلات رشد آموزش و پرورش و مانند آن درباره مزایا و یا معایب این کتاب‌ها نوشته‌اند. حال دانشجویانی را در نظر بگیریم که بدون مراجعه به این منابع زنده، درباره کتاب‌های مذکور تحقیق می‌کنند و نظایر این‌گونه مثال بسیار است.

۵۳. تمرکز بر رفع نیاز واقعی

مهم‌ترین علل شکل‌گیری و توسعه علوم و از جمله علوم انسانی، پاسخ دادن به نیازهای انسان‌ها بوده است. در حوزه علوم انسانی اگر رشته‌ای نسبت خود را با نیازهای انسان‌ها از دست بدهد، دیگر علم نیست، چیزی از سنخ تاریخ علم است. لذا اعتبار هر علم در توانایی پاسخگویی آن به نیازهای انسان‌ها است. هرچند که گاه نیازهای احساس شده انسان‌ها نیازهای واقعی‌شان نیست و در چنین وضعی برخی از علوم یا مهجورند و یا در مسیر پاسخگویی به نیازهای کاذب قرار می‌گیرند. «علوم انسانی» تنها زمانی اسلامی است که در راستای حل نیازهای واقعی (نه کاذب) جامعه‌ی اسلامی باشد. علوم انسانی

غیر اسلامی هم علمی است که در خدمت به جامعه ی اسلامی نباشد؛ بنابراین بحران در علوم انسانی دو صورت کلی دارد: یا جامعه از ارزش های اسلامی فاصله گرفته است و علوم انسانی در خدمت نیازهای کاذب آن قرار دارد و یا آنکه جامعه، کم و بیش با ارزش های اسلامی زندگی می کند ولی تولیدات دانشگاه ها در خدمت آن نیستند.

۵۴. ضرورت مشخص کردن رویکرد نظری در پژوهش.

رویکرد نظری نشان دهنده دیدگاه کلی پژوهشگر درباره موضوع تحقیق و سنت نظری خاصی است که محقق در چهارچوب آن، به مطالعه می پردازد و بر حوزه های پژوهش خود و نیز شیوه های تشخیص و بررسی مسایل تأثیر می گذارد. در علوم اسلامی معمولاً رویکرد نظری همان مشرب های فکری است: مانند رویکرد تفکیکی، رویکرد عقلی، رویکرد اخباری، رویکرد اشعری و ... و در جامعه شناسی رویکردهای مشهور عبارت اند از: «کارکرد گرایی»، «ساخت گرایی»، «کنش متقابل نمادین» و «مارکسیسم» که در حقیقت موضع گیری اندیشمندان علوم اجتماعی درباره جبر و اختیار را نمایان می کنند. این چنین هر اندیشمند دارای «چشم انداز خاصی» است. هر پژوهشگر و نظریه پرداز باید نسبت به چشم اندازهای خود آگاه و بیدار باشد.

۵۵. ضرورت اجتناب از روحیه کتابی

تکیه بر مصادر اصلی مذاهب اسلامی و نیز اقوال دانشمندان اسلامی نباید به روحیه پذیرش جزمی کتابی منجر شود و به تدریج محقق را از حقیقت دور کند. عبدالله الامام، (سلفی یمنی) رساله ای را با عنوان: «البرهان علی تحریم التناکح بین الإنس و الجن»^۱ نگاشته است که در پی حل مشکل ازدواج جن و انس با یکدیگر و معضل تربیت فرزندان آن دو است (!) اما آیا با نگارش چنین کتاب هایی مشکلات اصلی جهان اسلام حل خواهند شد؟ جن حقیقتی است قرآنی و وجود آن یقینی و تردیدناپذیر و البته نیازمند انجام

۱. نامبرده سه رساله دیگر در زمینه جن دارد که عبارت اند از: «احکام التعامل مع الجن و الآداب الرقی الشرعیة»، «الإيضاح والتبیین من الأحادیث والآثار والهواتف فی الجن والشیاطین»، «إنقاذ المسلمین من وسوسة الجن والشیاطین».

پژوهش‌های قرآنی دقیق و معتبر بر پایه کتاب و سنت نبوی^(ص) منبع‌شناسی مشخص می‌کند که چه میزان از مباحث مطرح شده در این حوزه، متناسب با نیازهای واقعی جهان اسلام است؟ و نشان می‌دهد که آیا نیازهای احساس شده نویسندگان مسلمان، نیازهای واقعی جهان اسلام اند و یا نیازهایی کاذب هستند؟ در خصوص مثال جن، کار به آنجا رسید که راه‌های درمان فرد جن‌زده نیز ابداع شد که نه حکم قرآن بود و نه سنت پیامبر اکرم^(ص)؛ برای مثال عمر سلیمان الاشقر، (۱۹۴۰-۲۰۱۲ م) در کتاب «عالم الجن و الشیاطین، من سلسلة العقيدة في ضوء الكتاب و السنة»، پیرامون مداوای فرد مبتلا به صرع جنی آورده است که علمایی چون ابن تیمیه، زدن سیصد الی چهارصد ضربه محکم با چوب دستی بر پای بیمار مبتلا به صرع جنی را به جهت دفع جن، نافع می‌دانند و نشانه کتک خوردن جن (و نه بیمار!) آن است که بیمار نمی‌میرد؛ بنابراین جیغ بیمار هم در واقع جیغ آن جن است. اعتبار این روش در میان اینان آن است که ابن تیمیه خود گفته است که «من بارها چنین کرده‌ام و این عمل را آزموده‌ام» (الاشقر، ۱۳۹۸: ۶۲-۶۳ و ۱۵۱-۱۵۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۵۶) در اینجا منبع‌شناسی موجب ترغیب محقق به اتخاذ احتیاط علمی می‌شود و اهمیت آن در شیعه‌شناسی آن است که اگر سخن ابن تیمیه در کتک زدن فردی تا حد مرگ، مبتنی بر تجربه شخصی اوست و نه حجتی شرعی، پس حداقل باید درباره دیگر ادعاهای او (از جمله درباره شیعه) بسیار محتاط بود و یا عبدالعزیز بن باز در پاسخ به محمد سید الطنطاوی، شیخ و مفتی وقت الأزهر، رساله‌ای را با عنوان «إيضاح الحق في دخول الجنی فی الإنسی و الرد علی من أنکر ذلک^۱» نوشته است. ماجرا از آن قرار بود که زنی مدعی شده بود که جنی از بت پرستان هندو وارد بدنش شده و حتی کنترل بدنش

۱. نک: پایگاه رسمی عبدالعزیز بن باز با عنوان: «إيضاح الحق في دخول الجنی فی الإنسی و الرد علی من أنکر ذلک» در پاسخ به محمد سید الطنطاوی به نشانی: (آخرین دیدار: شهریور ۱۳۹۲)

www.ibnbaz.org.sa/mat/۸۵۸۱

همچنین ادعای مذاکره با جن بودائی و در نهایت مسلمان کردن آن توسط شیخ عبدالعزیز بن باز در مجله الدعوة شماره ۱۵۷۲ مورخ ۹ شعبان ۱۴۱۷ برابر با ۱۹ دسامبر ۱۹۹۶ م و نیز شماره ۱۵۸۷ مورخ ۳ ذی‌الحجه سال ۱۴۱۷ ق برابر با ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ م آمده است.

را نیز در مواقعی در دست گرفته است. (برای مثال هر وقت زن با صدای مردانه سخن می‌گفت، به این معنا بود که جن در حال سخن گفتن است.) بن باز مدعی است که با صحبت با جن مذکور، سرانجام او را هدایت و راضی کرده است که از بدن زن خارج شود. محمد سید طنطاوی، مفتی بزرگ الأزهر به شدت با چنین ادعایی شدیداً مخالفت کرد و آن را رواج خرافات دانست. البته در اینجا نقد را نباید تنها منحصر به پیروان مذهبی خاص کرد. بی‌توجهی به نیازهای واقعی جهان اسلام و ترجیح امور فرعی بر امور اصلی و عدم رعایت اصل «الأهم فالأهم» و پرداختن به مسایل غیرضروری به جای مصالح جهان اسلام، از هرکس، شیعه یا سنی، محکوم است.^۱

۵۶. یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه

یکی از روش‌های آشنایی با اندیشه هر متفکری، قرار دادن آن در معرض مقایسه با دیگر اندیشه‌های هم‌سنگ آن و یا مطالعه آن از خلال اختلافاتی است که درباره یک موضوع موجود است. اختلافات کوچک و بزرگ در میان علمای همه پیروان مذاهب اسلامی موجود است. مطالعه اختلاف باید برای نیل به حل مسئله باشد و نه دامن زدن به تفرقه که به تعبیر رسای قرآن: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (قرآن مجید، انفال: ۴۶) یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه در حقیقت یافت جریان‌های اصلی متعارض در موضوع پژوهش است؛ به عبارت دیگر افراد مورد نظر، در قالب ساختارهایی وسیع‌تر از بررسی یک اندیشه، مورد توجه قرار می‌گیرند. برای مثال، محمد ناصرالدین آل‌بانی، محدث و شیخ سلفی آل‌بانیایی الاصل مقیم اردن. (۱۳۳۳-۱۴۲۰ ق) بود. در مطالعات شیعه‌شناسی، شناخت آل‌بانی به عنوان یک مکتب فکری سلفی وابسته به سلفیه سعودی اهمیت دارد. آل‌بانی به صورت علنی، سیاستی را مبنی بر تصفیه متون دینی (حدیثی، کلامی و تاریخی) به منظور سلفی کردن جهان اسلام، دنبال می‌کرد. این سیاست به مدت چندین دهه است که از سوی مراکز عربستان سعودی دنبال می‌شود. شناخت شیوه حدیث‌شناسی آل‌بانی موجب درک بهتری از رویکرد انتقادی سلفیه نسبت به سایر مسلمانان می‌شود. بی‌تردید حدیث‌شناسی و تمییز سره از ناسره، امری است ضروری

۱ البته گاه ممکن است پرسشی از یک عالم شود و آن عالم مطلبی را در پاسخ به آن پرسش مطرح کرده باشد؛ بی آنکه درصدد ارائه اولویت موضوع باشد.

و از آنجا که ضعیف و صحیح دانستن یک حدیث اثرات اعتقادی و فرهنگی مهمی در جوامع اسلامی خواهد داشت. در ورود به اندیشه‌های آلبانی توجه به تبعات دیدگاه‌های او اهمیت دارد. همین که فردی پس از گذشت چهارده قرن از تاریخ اسلام، از نو، درصدد مشخص کردن صحیح و ضعیف همه احادیث برآید، خود نشاندهنده اهتمام او به طرحی بنیادین است. از آثار وی که در مطالعات شیعه‌شناسی بسیار بدان استناد می‌شود، «سلسلة الأحادیث الصحيحة و سلسلة الأحادیث الضعيفة» است. بخشی از مجلد دهم «سلسلة الأحادیث الضعيفة» او به نقد شیعه اختصاص دارد.

برای شناخت بهتر آلبانی، علاوه بر شناخت اندیشه‌های او باید به سراغ دوستان و یاران او و نیز مخالفان او رفت که در این صورت، بررسی کنش‌ها و واکنش‌های فکری در قبال آرای آلبانی، به فهم بهتر عقاید او در شبکه وسیع‌تری از دوستان و دشمنان یک اندیشه کمک می‌کند. مهم‌ترین پیامد این امر مشخص کردن مهم‌ترین موارد چالش‌هاست. نقدهای مخالفان هر متفکر علاوه بر تعیین نقاط اصلی درگیری، نقاط ضعف و قوت او را نیز نمایان می‌کند و موجب می‌شود تا محقق به صورت جدی‌تری وارد موضوع شود. این‌گونه مثال‌ها نشان می‌دهند که برای تسلط بر شناخت یک اندیشه و یا یک جریان فکری، باید منبع‌شناس خوبی بود و اطلاعات خود را دائماً به‌روز کرد.

تمرین

یک شخصیت علمی تأثیرگذار را انتخاب کنید. سپس از طریق منبع‌شناسی نشان دهید که چه افرادی دوست او و چه افرادی منتقد او هستند؟ آیا می‌توانید این دوستی‌ها و دشمنی‌ها را در ساختاری وسیع‌تر از آن متفکر مورد بحث و بررسی قرار دهید؟

۵۷. ضرورت داشتن الگوهایی در پژوهش

هر محققی، در پژوهش متأثر از یک یا چند متفکر پیش از خود است. گاه این تأثیرپذیری ناخودآگاه است، یعنی خود فرد درباره آن چندان تأمل و توجه نکرده است؛ بنابراین باید این پرسش را مشخصاً مطرح کرد که من به عنوان یک پژوهشگر متأثر از چه الگوهایی در پژوهش و تحقیق هستم؟

فردی که نتواند پاسخ این پرسش را به درستی مشخص کند، نوشته‌اش سبک و لحن خاص خود را پیدا نکرده است.

۵۸. لازمه یک تحقیق خوب آگاهی محقق از روش شناسی خود است.

محقق باید نسبت به «منابع علمی» در دسترس خود و «روش تحصیل معرفت» از آن‌ها آگاه و بیدار باشد. به ویژه آنکه روش‌ها و پیش‌فرض‌های تحقیق الزامات خود را بر فرایند تحقیق تحمیل می‌کنند. برای مثال، منطق روشی غیرتوجیدی یا درصدد خارج کردن علوم الهی از دایره علم (مانند اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی^۱) است و یا در پی داخل کردن علوم الهی در زمره علوم بشری و طبیعی (مانند فلسفه زبان معاصر) است. چنانکه «برنارد ویلیامز» می‌گوید:

گرچه فلسفه تحلیل زبان بیش از پوزیتیویسم منطقی به زبان دین لطف نشان می‌داد ولی پوزیتیویست‌های منطقی دست کم این احترام را به آن می‌گذاشتند که چون آن را از لحاظ تجربی بی‌معنا می‌دانستند بگویند لطفاً بفرمایید بیرون! پیروان تحلیل زبان می‌خواستند بگویند: اینجا با صورتی از گفتار مواجه‌ایم که مانند هر چیز دیگر یکی از صورت‌های زندگی است و به این ترتیب به طور ضمنی تعبیری از بیخ‌وبن انسانی از دین می‌کردند. مطابق این تعبیر دین و اعتقاد دینی هم مثل هر صورتی از زندگی، مبین نیازهای انسان است ... (مگی، ۱۳۷۴: ۲۱۴)

علامه سید مرتضی عسکری^(ه) به زیبایی به توصیف روش خود درباره «بررسی اصول عقاید اسلامی از قرآن» پرداخته است و با اشاره به آنکه اصول عقاید اسلامی اثرش برگرفته از آیات قرآن کریم است، می‌نویسد که در شناخت بهتر تفسیر آیات الهی به سه گونه از انواع تفسیر قرآن اعتماد کرده است. او در بخشی از روش شناسی خود در کتاب «عقاید اسلام در قرآن کریم» می‌نویسد:

۱. تفسیر روایی: تفسیر آیات به وسیله روایات، مانند آنچه سیوطی در تفسیر (الدر المنثور) و بحرانی در تفسیر (البرهان) خود آورده اند. جز آنکه من، تنها به روایاتی که صحتش را پذیرفته‌ام، اعتماد کرده‌ام، درحالی که سیوطی هر روایتی را که به دستش رسیده، در

۱. در اثبات‌گرایی علم را مجموعه قضایا و نظریه‌هایی می‌دانند که تجربه صحت آن را اثبات می‌کند. ابطال‌گرایی نیز اگر چه در ابتدا بر قیاس تاکید دارد، اما معیار ابطال‌پذیری از طریق تجربی را ملاک علمی بودن آن قرار می‌دهد و از این رو می‌توان آن را شبه اثباتی دانست.

تفسیر خود آورده است. آن گونه که برخی از روایات منقوله، برخی دیگر را نقض می‌کند. بدین سبب پاره‌ای از روایاتش را در این کتاب نقد و بررسی کرده‌ام. در مراجعه به کتاب‌های حدیث، احادیث مورد اعتماد را از همه کتب معتبر مسلمانان اعم از صحاح و مسانید و سنن و غیره برگزیدم و به اخذ حدیث از مکتب خاصی بسنده نکردم. گاهی نیز به بررسی تطبیقی و مقارن بین حدیثی با حدیث دیگر پرداخته و دیدگاهی را که بر یکی از دو حدیث اعتماد کرده، با رأی دیگر مقایسه و با اشاره به صاحب رأی، برداشت خود را با آوردن دلیل، تقویت و اثبات کرده‌ام. در فهم و درایت حدیث تا سده ششم هجری را برگزیدم. این روش در مبحث: (امامان اهل بیت برای شناخت حدیث میزان‌ها نهاده‌اند) در جلد سوم معالم المدرستین آمده است.

۲. تفسیر لغوی: تفسیر آیات با اشاره به معنای واژه‌ها و اصطلاحات، بدان گونه که سیوطی در روایاتش از ابن عباس و غیر او آورده است و چون دانشمندان لغوی گاهی با آوردن معنای حقیقی و مجازی کلمه، بحث را به درازا می‌کشند، از این روش دوری گزیدم و آن معنایی را آوردم که با سیاق آیه سازگار است.

۳. تفسیر موضوعی. تفسیر آیات یک موضوع در کنار هم مانند فقها که در تفسیرشان از آیات احکام آورده‌اند... هر سه روش تفسیری مذکور، همان روش درستی است که از امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده است. چون اکثر آیات قرآن مجید، بیش از یک مقصود را در خود دارد، از الفاظ آیات فقط آن بخشی را که ویژه و مربوط به بحث می‌شود، آورده و غیر آن را ترک کردم تا جمع‌بندی مطالب برای دانشجویان آسان شود... (عسکری، بی‌تا: ۱۲ - ۱۳)

موارد جالب توجه در بیان علامه عسکری عبارت‌اند از:

- آگاهی او از روش استنباط عقاید از قرآن کریم،
- هماهنگی در روش‌شناسی او،
- نحوه تمرکز بر موضوع و اجتناب از حاشیه‌روی.

نیز به تبیین روشی مرحوم علامه مصطفوی^(د) در مقدمه کتاب «التحقیق فی کلمات

القرآن» توجه شود:

از آنجا که استفاده از حقایق و معارف و احکام و آداب قرآن مجید، متوقف است بر درک دقیق و تحقیقی واژه‌ها، لازم است برای درک حقیقت و معنای واقعی کلمه‌ها و تشخیص معانی حقیقی از مجازی تلاش شود.

از طرفی، آثاری که در لغت عرب تألیف شده، گوناگون است و بیشترشان صرفاً

- جمع‌آوری اقوال و اشاره به مطلق موارد استعمال است؛ اعم از حقیقی و مجازی و یا تحقیق نشده‌ای است که در نتیجه معنی حقیقی را روشن نمی‌کند و جز افزایش گمراهی و یا سرگردانی در واژه‌های قرآن، نتیجه‌ای ندارد. از این رو، به فضل خدا، توفیق تألیف این اثر شریف را در این خصوص یافتیم که دارای ویژگی‌های زیر است:
۱. در نقل لغات به کتاب‌های تحقیقی و پرمایه که به ریشه‌یابی و ایراد صحیح پرداخته‌اند، اعتماد کردیم، مثل صحاح و مقاییس و اشتقاق و المصباح، التهذیب، الجمهره، العین و مانند آن‌ها.
 ۲. سپس از کتاب‌هایی که به دقت و تحقیق نزدیک‌ترند، از باب تأیید و توضیح نقل کردیم، مانند اساس، فائق، مفردات و لسان.
 ۳. به منظور اختصار، از کتاب‌هایی که بسیار نقل شده است، جهت اختصار از علائم قراردادی در متن استفاده کردیم و مشخصات منبع را در پایان کتاب آوردیم.
 ۴. نقل از منابع مورد نظر تنها به میزان مورد نیاز بدون تغییر و زیادتی انجام شد و از آنچه نیازی به بیان آن نبود، خودداری شد.
 ۵. در چاپ اول، نقلها با استفاده از خط نسخ و توضیحات و اضافات و تحقیقات و تفاسیر آن‌ها با خط نستعلیق از هم جدا شدند و در چاپ دوم، این دو از هم با استفاده از علائم قراردادی جدا شدند.
 ۶. در تعلیق و تبیین مسایل، از آنچه موجب اطالۀ کلام و خروج از بحث می‌شود و نیز از تکرار گویی خودداری شد.
 ۷. معیار کتاب در شمارش آیات، در غالب موارد سبک «المعجم المفهرس» است و در مواقعی نیز به سایر منابع مانند مصحف‌های مصری مراجعه شد.
 ۸. هدف از تألیف، چیزی جز تحقیق و کشف معانی واقعی واژه‌ها چیزی نبود و تا جای ممکن و بضاعت خویش در این راه کوشیدیم و از قرآن استمداد خواستیم و متوسل به فیوضات الهی و الهامات ربانی شدیم. سپاس خداوند را به دلیل هدایت و عنایت حضرتش که توفیق من تنها از خدای عزیز حکیم بوده است.
 ۹. زمانی که معنای حقیقی واژه‌ای روشن شد، بر همان اساس موارد استعمال کلمه در آیات الهی مورد توجه قرار گرفت تا حق آشکار شود و باطل از میان برود.
 ۱۰. هنگامی که اصل واحد و ریشه ماده‌ای روشن شد، سایر معانی مجازی و موارد استعمال را به همان اصل واحد ارجاع دادیم و وجه تناسب آن‌ها را بیان کردیم.
 ۱۱. با روشن شدن حق، متعرض سایر سخنانی که در کتاب‌های لغوی، تفسیری و ادبی در تضعیف برخی معانی و وهن و انحراف آن‌ها آمده است، نشدیم.
 ۱۲. بر اثر همین دقت نظر و تحقیق، حقایق روشن و معارف حقه و لطایفی شریف و

اسراری پنهان که بر بیشتر مفسران پنهان مانده و موجب اشتباه می‌شد، روشن و آشکار شدند. (مصطفوی، ۱/ ۶ - ۷)

و یا به تبیین روشی مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی^(۵) توجه شود:

تفسیر، روشن ساختن مفهوم آیات قرآن و واضح کردن منظور پروردگار است. بنابراین، در تفسیر نباید به مدارک ظنی و غیر قابل اطمینان استناد کرد. بلکه باید به دلایلی تکیه کرد که عقلاً و یا شرعاً حجیت و اعتبار آن ثابت و مسلم است. زیرا اولاً: پیروی از دلایل ظنی و غیر یقینی، شرعاً ممنوع و نارواست و ثانیاً: نسبت دادن مطلبی به خدا، بدون اذن وی حرام و گناه بزرگ و نابخشودنی است چنانکه خداوند می‌فرماید: «قل الله اذن لکم ام علی الله تفترون» (یونس / ۵۹) «و لا تقف ما لیس لک به علم» (بنی اسرائیل / ۳۶) ... مفسر قرآن در مسیر تفسیرش باید تنها از این گونه مدارک علمی، عقلی و شرعی که در موضوعات ذیل خلاصه می‌شود، پیروی کند:

۱. ظواهر الفاظ قرآن ...
۲. عقل فطری و سالم از تأثیرات افکار و سلیقه‌های شخصی ...
۳. دستورها و گفتارهایی که به طور حتم از ناحیه معصوم علیه‌السلام رسیده ...
۴. اخبار ظنی معتبر در تفسیر قرآن (خبر واحدی که دارای شرایط حجیت و اعتبار است). ... (خوئی، ۱۳۸۲: ۵۲۶ - ۵۲۷)

یکی از اشتباهات رایج در میان برخی از دانشجویان این است که مباحث روش‌شناسی خود را با یک عبارت کوتاه مانند «روش ما مطالعه کتابخانه‌ای است» مختصر می‌کنند و هیچ توضیحی را درباره شیوه مطالعه خود و نحوه بررسی اسناد پژوهشی‌شان ارائه نمی‌کنند. (همچنین گاه دیده می‌شود که دانشجو در جایی که می‌تواند و حتی لازم است که از روش‌های ترکیبی استفاده کند، پژوهش خود را محدود به یک روش خاص کرده است که همین امر موجب کاهش اعتبار پژوهش او می‌شود).

۵۹. شناخت نظام‌یافته مصادر علمی

برای شناخت منابع پژوهش، راه‌های مختلفی موجود است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- بنا بر موضوع مورد نظر، از افراد مطلع (به ویژه با سابقه تدریس یا نویسندگی در زمینه مورد نظر) پرس و جو شود. پیشنهادهای آن‌ها می‌تواند راهنمای خوبی برای تحقیق باشد.

- از فهرست‌های منابع کتابخانه‌ها (فضای اصلی تحقیق) استفاده شود. رقمی شدن (دیجیتالی شدن) فهرست‌های مذکور امکانات بهتری را فراهم کرده است.
 - نیز می‌توان از کتابدارهای باسابقه نیز پرس‌وجو کرد.
 - معمولاً دایرةالمعارف‌های تخصصی در ذیل واژه‌های مد نظر به معرفی مصادر اصلی تحقیق می‌پردازند. این آثار پیشنهادهای خوبی جهت راهنمایی محقق ارائه می‌دهند.
 - برخی از مجلات پژوهشی اطلاعات خوبی درباره آثار منتشر شده علمی به ما می‌دهد.
 - برخی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در اینترنت نیز اطلاعات خوبی در این زمینه ارائه می‌کنند.
- هیچ‌گاه نباید تحقیق خود را بدون بررسی کافی بر منابع تحقیق خود آغاز کرد. پیش از هر کار، محقق باید منابع مکتوب و اسناد در دسترس خود را در فهرستی به تفکیک منابع دست اول و دوم یادداشت کند. منابع دست اول عبارت است از سرچشمه‌های اصلی اطلاعات و آگاهی‌های ما در قبال یک مسئله تحقیق. از طریق این منابع می‌توان بدون واسطه وارد سرچشمه‌های مسئله تحقیق شد. موفقیت هر تحقیق در گرو میزان استفاده از مصادر اصلی است. مصادر اصلی پژوهش در رشته‌های مختلف و مذاهب مختلف متفاوت است. نیز اولویت منابع دست اول به زبان اصلی و نه ترجمه آن خواهد بود. در صورت در دسترس نبودن این منابع و یا برجستگی خاصی در ترجمه، از متن ترجمه استفاده می‌شود. (الطویل، ۲۰۰۳: ۲۳) علامه امینی^(۵) در کتاب شریف الغدير، ضمن نقد آثاری همچون «الصراع بين الاسلام و الوثنية»، «الوشیعه فی الرد علی الشیعة»، «فجر الاسلام»، «ضحی الاسلام»، «ظهر الاسلام»، «الجولة فی ربوع الشرق الادنی» به اهمیت رجوع به منابع اصلی چنین اشاره می‌کند:

تهی بودن تألیفات شرقی و اسلامی از ذکر منابع، همانا موجب از یاد بردن کتاب و سنت و نابودی اصول علم و خیانت به سلف امت و نادیده گرفتن آثار و یادگارهای اسلامی خواهد شد؛ و آن کاری ناقص و تلاشی ناتمام است که نه به خیر و صلاح امت عربی است و نه جامعه اسلامی.

و روزی خواهد آمد که چنین نویسنده‌ای دندان ندامت بر پشت دست بگذرد. چنین

تألیفی به جای آنکه بیانگر علوم و معارف حقیقی باشد، تنها منعکس کننده نفسانیت و غرض‌ورزی نویسنده‌اش است که خواننده‌اش خود را مواجه با روایتی می‌یابد که تنها ساخته‌وپرداخته مؤلفش است. ... (امینی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۹)

«منابع دست دوم» عبارت از منابع مشتق شده از منابع اصلی هستند. برای مثال، چهل حدیث مرحوم حضرت امام خمینی (۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ شمسی) به نسبت کتاب اصول کافی اثر مرحوم کلینی (متوفی ۳۲۸ ق) یک منبع دست دوم است. این منابع اطلاعات مفید و مبسوطی در زمینه تحقیق به ما می‌دهند. استفاده از این منابع، در کنار منابع دست اول، مفید و لازم است. این را نیز باید افزود که گاه به اعتبار موضوع تحقیق، اثری که در یک زمینه منبعی فرعی به شمار می‌رود، در زمینه‌ای دیگر مصدر اصلی است. برای مثال، کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی^(ه) به اعتبار علوم حدیث (روایت معصوم علیه السلام) مرجع فرعی، اما به اعتبار اندیشه‌های مرحوم حضرت امام خمینی ره و یا شیوه استدلالش در زمینه حدیث، مصدر اصلی تحقیق خواهد بود.

تا اینجا مشخص شد که تحقیق را نباید به کتاب‌های غیرعلمی که اصولاً در طبقه‌بندی منابع اصلی پژوهش قرار نمی‌گیرند، وابسته کرد. حداقل معیارهای علمی بودن یک اثر عبارت‌اند از:

- میزان دقت نویسنده،
- رعایت شیوه استدلال علمی در قلم او،
- آشنایی مناسب نویسنده با پیشینه و گذشته تحقیقش،
- مبتنی بودن بر مدارک و منابع دست اول.

۶۰. ارائه اطلاعات علمی صحیح

ارائه اطلاعات علمی کم باشد بهتر است تا نادرست و یا نامطمئن باشد. ابتدا باید منابع دست اول تحقیق خود را از منابع دست دوم جدا کرد. سپس بررسی کرد که چند منبع درجه اول در دسترس موجود است. ممکن است در این مرحله، محقق به این نتیجه برسد که به دلیل نداشتن منابع مورد نیاز به اندازه کافی، لازم است موضوع تحقیق خود را تغییر دهد. حتی‌الامکان بهتر است فهرست مذکور به ترتیب زمانی نوشته شود تا محقق متوجه

سیر تطور تاریخ علم مورد نظرش شود.

مذاهب و فرق مختلف، هر یک دارای مصادر تحقیق خاص خود هستند. برای مثال، شخصی که درصدد انجام پژوهشی در زمینه «فقه حنبلی» است، باید مصادر تحقیق را به روایت خود فقیهان حنبلی شناسایی کند تا بتواند به صورتی بی‌واسطه با آن‌ها ارتباط برقرار کند. این فهرست می‌تواند به صورت زیر تهیه شود.

۱. «المغنی» اثر ابن قدامة (۶۲۰ ق)

۲. «الشرح الكبير على متن المقنع» اثر شمس الدین عبدالرحمن بن قدامة

المقدسی (۶۸۲ ق)

۳. «الفتاوی الکبری» اثر ابن تیمیة (۷۲۷ ق)

۴. «الفروع» اثر محمد بن مفلح المقدسی (۷۶۲ ق)

۵. کشف القناع على متن الاقتاع» اثر شیخ منصور البهوتی (۱۰۵۱ ق) (الطویل،

۲۰۰۳: ۱۲۳-۱۲۴)

هیچ‌گاه نباید به اتکای چند مقاله دست دوم به تحقیق درباره فقه حنبلی و دیگر مذاهب فقهی پرداخت. کم بودن اطلاعات علمی صحیح بهتر از نادرست بودن و یا نامطمئن بودن آن است. شیوة دانشمندان نامی اسلام مانند شیخ الطائفة ابوجعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی معروف به شیخ طوسی^(۵) (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) که از بزرگ‌ترین محققان فقه تطبیقی در جهان اسلام است به ما می‌آموزد که باید علم را از مصادر اصلی آن دریافت کرد. در باب اهمیت این موضوع، مرحوم علامه محمدتقی جعفری^(۵) می‌گوید:

ما می‌توانیم عقاید هر دو طرف {شیعه و اهل سنت} را از کتاب‌های خودشان استخراج کرده و باهم مقایسه نماییم و ببینیم که بین ایشان چه نقاط مشترک و چه تمایزاتی وجود دارد. البته توصیه من در این خصوص آن است که در شناخت این دو مکتب بزرگ باید تنها به محققین و مورخین خارج از اسلام {شرق‌شناسان} تکیه نکنند، یعنی برای مثال، اگر یک فرد شیعه بخواهد درباره اهل سنت، حقایقی به دست بیاورد، باید به کتاب‌های متکلمین و حکمای خود ایشان رجوع کند. هنگامی که منابع دست اول در دسترس ما هست، چه نیازی به کارها و ترجمه‌های دست دوم داریم که چه بسا بدون آشنایی به زبان و مسایل و احکام، نگاشته شده و این در حالی است که در این کار،

غرض ورزی نبوده باشد. اگر افراد اهل سنت نیز بخواهند دربارهٔ عالم تشیع قضاوت کنند، باز به همین ترتیب باید از کتاب های دست اول تشیع که در اختیارشان است، استفاده کنند. ما متأسفانه در دوره های اخیر، بعضی اشخاص را دیده ایم که به منابع دست دوم مستشرقین قناعت کرده و به ارزیابی و داوری در مذهب تشیع پرداخته اند و ما این مسئله را نمی پذیریم، همان طور که علمای اهل سنت {نیز} نباید بپذیرند. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۱)

اگر مرحوم علامه طباطبایی^(۵۰) از منبعی برای مثال، «الدر المنثور» استفاده کرده و مشخصات منبع فوق توسط محققان دفتر انتشارات اسلامی در زیرنویس ترجمهٔ این کتاب آورده شده است، کسی «حق ندارد» با رونویسی از ترجمهٔ تفسیر المیزان و بدون ذکر نام این منبع، چنین وانمود کند که مطلب را مستقیماً از کتاب «الدر المنثور» اخذ کرده است. کسی که می خواهد بزرگ باشد، باید اسباب بزرگی را فراهم آورد. درست است که مراجعه و تحقیق در منابع اصلی سخت و دشوار است، اما مگر می توان بدون تحمل رنج و سختی بزرگ بود؟

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند.

پس اگر فردی درصدد بررسی تاریخ اسلام در سده های پیشین است، باید علاوه بر توجه به نظریه ها، مناقشات و تحلیل های دیگران مورخان تا آنجا که لازم است، به منابع اصلی تاریخی رجوع کند؛ منابعی مانند:

- تاریخ خلیفه بن خیاط - مورخ محدث ابن خیاط العصفری (۲۴۰ ق)
- تاریخ الامم و الملوك - طبری محدث و مفسر معروف (۳۱۰ ق)
- کتاب البدء و التاریخ - مطهر بن طاهر المقدسی (۳۵۵ ق)
- المقتبس فی اخبار الاندلس - حیان بن خلف القرطبی (۴۶۹ ق)
- المنتظم فی تاریخ الامم - ابن جوزی
- المعجب فی تلخیص اخبار المغرب - عبدالواحد المراكشی (۶۲۱ ق)
- الكامل فی التاریخ - عزالدین بن الاثیر (۶۳۰ ق)
- تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الاعلام - الذهبی (۷۴۸ ق)

- البدایة و النهایة - ابن کثیر (۷۷۴ ق)
- کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر - ابن خلدون (۸۰۸ ق)
- مروج الذهب و معادن الجواهر - ابی الحسن علی المسعودی (۳۴۶ ق)
- تجارب الامم و تعاقب الهمم - ابن مسکویه (۴۲۱ ق)
- تاریخ الامم و الملوک - ناصر الدین بن الفرات المصری (۸۰۷ ق)
- النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة - جمال الدین ابی المحاسن یوسف ابن تغری بردی (۷۸۴ ق)
- الروضتین فی اخبار الدولتین النورية و الصلاحية - ابی شامة المقدسی (۶۶۵ ق)
- حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة - سیوطی (۹۱۱ ق)
- البیان المغرب فی اخبار المغرب - ابی عبدالله محمد المراكشی (۶۶۷ ق)
- نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب - احمد بن محمد بن محمد المقرئ التلمسانی (۱۰۴۱ ق)
- الاستقصا فی اخبار المغرب الاقصى - احمد بن خالد الناصری.

مثال - نمونه‌ای از نتایج شناخت نادرست

علامه امینی در بخشی از مجلد سوم کتاب الغدیر به نقد کتاب «منهاج السنة» پرداخته است. (امینی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۱۱) او ادعای ابن تیمیه را زیر سؤال می‌برد که مدعی است از نادانی‌های شیعیان آن است که از عدد ده کراهت دارند. برای مثال، در ساختمان ده ستون نمی‌سازند و همه این‌ها به دلیل بغض آنان با عشره مبشره (جز علی بن ابیطالب) است و ابن تیمیه تعجب کرده است که شیعیان عدد نه را دوست می‌دارند ولی نه تایی از ده تا را دشمن! (همان به نقل از منهاج السنة ۱ / ۹) و حتی ابن تیمیه پا را فراتر از این گذاشته و مدعی است که رافضی‌ها (شیعیان) عدد ده را هم به زبان نمی‌آورند و به جای آن نه و یک می‌گویند. (همان به نقل از منهاج السنة: ۲ / ۱۴۳) امینی در اینجا نقد دیدگاه‌های ابن تیمیه درباره شیعه را از زاویه سنجش میزان شناخت او از شیعه انجام داده است. ابن تیمیه شیعه را مذهبی اسلامی نمی‌داند و بررسی میزان شناخت ابن تیمیه درباره

شیعه می تواند اعتبار احکام او درباره شیعه را مشخص سازد. امینی نشان می دهد که ابن تیمیه در مقام نقد شیعه، گویی از مردمانی منقرض شده و روبه افول سخن رانده است که دیگر کسی از آن ها باقی نمانده تا پاسخ نسبت های دروغین او را بدهد. (همان: ۲۱۲)

بنابراین نقل همین ادعا به معنای رد آن است؛ اما امینی در ادامه به ادعای مذکور پاسخی علمی می دهد. در پاسخ ابتدا امینی آیاتی از قرآن را که در آن عدد ده آمده است یادآور می شود؛ مانند: «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» (قرآن مجید، بقره: ۱۹۶)، «وَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (قرآن مجید، انعام، ۱۶۰)، «وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ» (قرآن مجید، الفجر، ۱-۲)، «فَاتُّوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ» (قرآن مجید، هود، ۱۳) سپس ادعیه ای از شیعه را که متضمن عدد ده است بیان می کند؛ مانند: «دعای عشرات» که شیعه در هر جمعه ای یک بار آن را می خواند و نمازهای مستحبی که در آن ها خواندن ده بار سوره معینی وارد شده است و اذکار مستحبی که باید ده، ده خوانده شوند، در کنار مباحث عقول عشره و جواهر و اعراض عشره (در فلسفه به نام مقولات عشر) که در کتاب های شیعه مورد بحث قرار گرفته اند. سپس گفتارهایی از شیعیان را از منابع شیعی می آورد که در همه آن ها عدد ده به کاربرده رفته است؛ مانند گفتار شیعیان درباره ده نام پیامبر، ده نیروی خدادادی عقل، ده خصلت از صفات امام و ...

۶۱. اجتناب از نقل قول های حجم افزا.

استفاده از نقل قول مستقیم تنها زمانی جایز است که دلیلی برای بیان آن موجود باشد. محقق نباید وقت خود را با از بر کردن الفاظ و سرهم بندی نوشته های دیگران تلف کند و باید به جای حفظ الفاظ، خود را درگیر با مفاهیم کند و قدرت تحلیل خود را بالا برد. او باید بکوشد تا سبک نگارش خاص خود را بیابد و به زبان خاص خود سخن بگوید.

اصل در یک متن تحقیقی آن است که هفتاد درصد مطالب آن نقل قول غیرمستقیم باشد و تنها سی درصد مطالب آن هم به شرط ضرورت، نقل قول مستقیم باشد.

۶۲. تهیه منابعی جهت مقایسه دیدگاه‌ها و وقایع

هیچ‌گاه نباید به پژوهش سمت‌وسوی یک‌طرفه داد. یکی از روش‌های غنی کردن مطالب پژوهش خویش آن است که از طریق یافتن دیدگاه‌های مختلف پیرامون موضوعات مورد بررسی، خواننده را در مقابل وضعیت‌های مقایسه‌ای قرار داد. با انجام مقایسه می‌توان مسئله را از زوایای مختلفی مطرح کرد؛ مانند:

- دیدگاه‌های معارض یکدیگر را بیان کرد.
 - دیدگاه‌های تأییدکننده یکدیگر را شناخت.
 - دیدگاه‌های مکمل هم را شناخت.
 - موارد بیان یک مسئله در آثار مختلف را شمارش کرد.
- هیچ‌گاه نباید از ارزش بالای مقایسه در پژوهش غافل شد. به عنوان یک تمرین، در مطالعه مقالات و کتاب‌های برجسته علمی این سئوالات را مطرح کنید:
- چند مورد مقایسه در متن موجود است؟
 - چه دیدگاه‌هایی در مقابل یکدیگر مطرح شده‌اند؟
 - آیا نویسنده صرفاً به نقل قول مستقیم اکتفا کرده است و یا با بررسی هر نقل، با نقل مطالب موضع خود را بیان کرده است؟
 - آیا نویسنده در جریان مطالعه و پژوهش فردی منفعل است و یا فعال؟

۶۳. یادداشت نویسی منظم

محقق باید دفتر یادداشت مطالعاتی داشته باشد و در حین تحقیق به حافظه خود متکی نباشد. البته پیشرفت‌های رایانه‌ای امکانات جدیدتری برای پژوهش ارائه کرده است و یادگیری مهارت تایپ را برای نسل جدید پژوهشگران الزامی کرده است. یادداشت نویسی اگر چه کاری وقت‌گیر به نظر می‌آید، اما نوعی سرمایه‌گذاری ارزشمند علمی برای درازمدت است. برگه‌های یادداشت مختلفی (و در اندازه‌های گوناگون) در بازار موجود است. هر محقق بنا بر نوع کار و سلیقه خود برگه‌ای را انتخاب و یا طراحی کند و به صورت منظم داده‌های ثبت‌شده را در قالب «بایگانی قابل رجوع» ذخیره کند.

۶۴. استندهای توضیحی و ارجاعی

در طی مراحل تحقیق باید با استفاده از منابع معتبر و در موقعیت مفهومی مناسب (به جا و به موقع) به شکلی نظام مند استناد شود. قاعده کلی استناد به قرار زیر است. همواره نقل قول مستقیم مستند به منبع مورد استفاده شود. ضمن آنکه باید ابتدا و انتهای آن به نحوی مانند استفاده از نشانه «گیومه» و یا اختصاص پاراگرافی برای آن مشخص شود. مواردی که جزو دانش عمومی محسوب می شوند، نیازی به مستندسازی در نقل قول «غیرمستقیم» ندارند. برای مثال، تقسیم بندی کلمه به «اسم و فعل و حرف» جزو معارف عمومی است؛ مگر آنکه منظور دیگری از بیان آن مورد نظر باشد. همچنین است بیان شواهد شعری، در صورتی که ضبط دقیق یا ذکر نام سراینده آن مورد نظر نباشد. باید از نقل قول های بی خاصیت و حجم افزا پرهیز کرد و چنانکه گفته شد، باید اساس نقل مطالب را در نقل قول غیرمستقیم گذاشت. نقل قول غیرمستقیم همواره مشکل تر از نقل قول مستقیم است؛ زیرا نویسنده باید مطالعه دقیق متن، به کمک ذهن خود و نه رونویسی از کتاب ها، محتوا را در قالب نقل قول تحلیل شده، به زبان خود بازنویسی کند. همچنین گاه نویسنده لازم می داند که مطالبی را به اطلاع خواننده اثرش برساند که بیان آن در داخل متن، منجر به از میان رفتن نظم ساختاری نوشتار و گسیختگی در مطالب آنان می شود. لذا توضیحات فوق به صورت مجزا یا در پای صفحه با عنوان پاورقی یا پانویست و یا در پایان فصول و یا کتاب با عنوان تعلیقات یا یادداشت ها آورده می شوند. پانویست بر سه قسم است:

پانویست ارجاعی: استناد مطلب برای رعایت امانت و یا ارجاع خواننده به منابع دیگر.

پانویست توضیحی: بیان توضیحات اضافی درباره موضوع سخن (مانند معنای یک واژه، معرفی اجمالی اعلام غیر مشهور که در متن از آن ها نام برده شده باشد، معادل خارجی یک اصطلاح و ...)

پانویست مختلط: که مشتمل بر ارجاع و توضیح است.

لازم است تا پانویست مترجم و یا ویراستار اثر از پانویست نویسنده تفکیک شود. این امر از طریق قرارداد نشانه ای (مانند: (م) برای مترجم) صورت می پذیرد. همچنین مطالب

پانویست باید به صورت مجمل و فشرده ارائه شوند.

مستند کردن پژوهش بیانگر شخصیت پژوهشگر است. که ضمن بیان دیدگاه خود، در تعامل و واکنش با اندیشه‌های دیگران قرار می‌گیرد. هیچ‌گاه نباید متن پژوهش را تنها به مجموعه‌ای از نقل‌قول‌های بی‌هدف مبدل کرد. از لحاظ شکلی استناد به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. هر شیوه‌ای که بتواند به صورت منطقی، مناسب و با رعایت وحدت رویه، اطلاعات لازم را به خواننده منتقل کند، قابل قبول است. (با توجه به تنوع روش‌های علمی استناد، نیازی به حصر آن در یک روش مشخص نیست.) منابع خوبی در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. احمد سمیعی (گیلانی): ۱۳۸۳، **نگارش و ویرایش**، تهران (چاپ ششم) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲. غلامحسین غلامحسین زاده: ۱۳۸۳، **راهنمای ویرایش**، تهران (چاپ سوم)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۳. آذر مه سنجری، فروغ کاظمی: ۱۳۷۹، **راهنمای ویرایش: شیوه‌نامه انتشارات دانشگاه شهید بهشتی**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح: ۱۳۶۸، **راهنمای نگارش و ویرایش**. مشهد (چاپ هفتم) مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۶۵. ضرورت داشتن استدلال‌هایی صحیح

در طی نگارش یک مقاله و یا رساله دانشگاهی، بارها و بارها از «استدلال علمی» استفاده می‌کنیم. ارزش پژوهش ما به شیوه استدلال به‌کاررفته در آن بازمی‌گردد. استدلال عبارت از **عمل به کار گرفتن دلیل برای اثبات درستی یک مطلب است**. همچنان که در بحث نقل با سند و مسایل پیرامون آن سروکار داریم، در استدلال متوجه استحکام و استواری دلایل هستیم. دلیل سست، قول مشکوک و مردود است. اموری مانند سفسطه، مغالطه، مصادره بر مطلوب، قیاس مع الفارق از زمره عوامل تضعیف‌کننده دلیل هستند. به طور کلی استواری استدلال منوط به دو امر است:

۱. یقینی بودن مقدمات،

۲. نتیجه‌گیری درست از آن‌ها، (در این زمینه به نظریه و نیز مطالعات توصیفی مراجعه شود).
برای درک اهمیت استدلال به این پرسش‌ها توجه کنید:
- در حین انجام پژوهش، چرا برخی از مطالب را می‌پذیریم و برخی دیگر را رد می‌کنیم؟
- مخاطب پژوهش، نیازمند دانستن چه چیزی است تا بتواند دربارهٔ مدعای ما «تفکر» کند؟
- نوشتهٔ ما با وجود چه مؤلفه‌هایی می‌تواند تا خواننده خود را به اندیشه وادار کند؟
باکمی دقت در این پرسش‌ها مشخص می‌شود که سطح استدلال هر متن سطح تفکر آن متن را مشخص می‌کند و نیز امکان ارزشیابی متن را برای خوانندگانش ایجاد می‌کند. به طور کلی معرف‌های یک استدلال علمی خوب عبارت‌اند از:
۱. شناخت مسئله: شخصی که خود در شناخت مسئله دچار ابهام است، چگونه می‌تواند آن را برای دیگران روشن و واضح کند.
۲. رعایت تقدم و تأخر مطالب در بیان مسئله: نباید بدون مقدمه‌چینی لازم وارد نتیجه‌گیری شد.
۳. استفاده از دلایل معتبر: هیچ‌گاه نباید از ادلهٔ نامعتبر (مانند آمار نادرست و یا مشکوک) استفاده کرد. استفاده از روایات ضعیف در تفسیر قرآن و دیگر تحقیقات اسلامی صحیح نیست. (خویی، ۱۳۸۲: ۵۲۷) همچنین هیچ‌گاه نباید امر جزئی را چنان توسعه داد که به کل تعمیم داده شود.
۴. کافی بودن ادلهٔ پژوهش: به جای استفادهٔ بیش از اندازه از ادوات تاکید، باید به اندازهٔ کافی دلیل آورد. هر چه دلایل بیشتر باشد، از نیاز (کاذب) به استفاده از واژگانی چون: قطعاً، حتماً، لاجرم واقعاً، مسلماً و نظایر آن کاسته می‌شود. (ضمن آنکه در چنین زمانی است که واژگان کاربرد صحیح خود را می‌یابند).
۵. آشنایی با نظریات معارض: باید استدلال خود را با توجه به نظریه‌های رقیب و معارض مطرح کرد. اگر هدف ارائهٔ مطالبی درست باشد، پس دیگر چه باک از نقادی آن که زمینه ساز رسیدن به این هدف خواهد بود. یکی از فلاسفهٔ غربی به نام آنتونی کنی (Anthony Kenny) در ضمن بررسی آثار کشیش مسیحی،

توماس آکوینی (۴۳۰ - ۳۵۴ م) به نکته جالبی اشاره کرده است:

... هر وقت آکویناس می خواهد نظریه یا مدعای فلسفی یا کلامی خاصی را مطرح کند، اول سه تا از قوی ترین دلایلی را که در رد آن به فکرش می رسد، ذکر می کند. این روش انضباط عجیبی در تفکر به وجود می آورد و نمی گذارد امور را مسلم فرض کنید وادارتان می کند از خودتان بپرسید: چه کسی را می خواهیم نسبت به چه چیزی متقاعد کنم و قوی ترین اعتراض هایی که طرف ممکن است بکند، چیست؟ (مگی، ۱۳۷۷: ۹۸)

ع. کافی بودن دلایل: گاه جهت شناخت کفایت استدلال خود، مشورت با اهل فن لازم است تا مشخص شود که آیا به اندازه کافی از دلایل قرآنی استفاده شده است؟ آیا به میزان کافی از روایات معصومین علیهم السلام استفاده شده است؟ آیا شواهد تاریخی بیان شده کافی است؟ عدم توجه به این سئوالات و امثال آن ها، منجر به سستی استدلال و در نتیجه ضعف کل پژوهش می شود.

باید ادله خود را در دسته بندی مشخصی بیان کرد: مانند ادله عقلی، ادله نقلی، شواهد تاریخی و نظایر آن. از خلط مباحث پرهیز کرد و ورود خود در هر یک از این زمینه ها را متناسب با ماهیت بحث تطبیق داد. برای مثال، نباید در بحث عقلی از دلایل تاریخی استفاده کرد. اگر چه ادله و شواهد مختلف در جمع بندی نهایی در کنار یکدیگر قرار خواهند گرفت. نیز اگر استدلال بر محور چند حوزه علمی قرار گرفته است، برای مثال، ضرورت طرح مباحث ادبی، تفسیری و تاریخی در ضمن بحث پیرامون یک آیه از قرآن کریم، هر یک از این حوزه ها نیازمند استفاده از ادله کافی هستند. چه بسا که تزلزل ادله در یک حوزه بر اعتبار کلیت استدلال اثرگذار باشد.

۷. شرط تناسب اقدام با موضوع مورد بررسی: پیش تر اشاره شد که هر علمی را نباید با هر روشی درآمیخت.

- براهین فلسفی با عرفان عملی متفاوت است.
- تفسیر کلام بشری، با تفسیر کلام الله مجید متفاوت است.
- روش شناخت جامعه (آنچه اکنون در آن می گذرد)، با شناخت تاریخ آن جامعه مختلف است.
- در پژوهش های عملی نیازمند تناسب روش با موقعیت پدیده مورد نظر

هستیم. برای مثال، دادن پرسشنامه به مردم «بی‌سواد» نادرست است.

- انتخاب غیرمتخصص برای گفتگو پیرامون مباحث تخصصی، کاری غیرمنطقی و اشتباه است،

- اتکا بر استقرای ناقص یقین‌آور نیست و دیگر نظایر آن.

۸. ضرورت استفاده صحیح از اصطلاحات علمی: باید از به کار بردن

اصطلاحات نامأنوس در موضوع پژوهش خودداری کرد و بدون علت موجه، مبادرت به ساخت اصطلاح جایگزین اصطلاحات موجود نکرد؛ زیرا واژه‌سازی تصنعی، علاوه بر ناتوانی در برقراری ارتباطی منطقی با دیگر دانشمندان، (نبود امکان بین ذهنی شدن مفاهیم)، به آشفتگی واژگانی دامن می‌زند. همچنین نباید به جهت نمایش سواد و توانایی‌های خود، از عبارات و اصطلاحات خارجی استفاده کرد. (از مشکلات رایج در بسیاری از پژوهش‌ها)

۹. احتیاط در صدور احکام کلی: فردی که مسئله علمی در عرصه وجود را تنها

همان بداند که خود طرح کرده است، هیچ بهره‌ای از علم ندارد. (جعفری، ۱۳۷۹: ۷۴) در طرح و تعمیم دیدگاه‌های علمی خویش، باید نهایت احتیاط را به خرج داد.

۶۶. پژوهش مستلزم داشتن درک بالایی از زیبایی‌شناسی است.

زیبایی‌شناسی حداقل به دو بُعد مربوط می‌شود:

۱. زیبایی استدلال علمی که به هماهنگی اجزای آن با یکدیگر و صحت و کمال آن بازمی‌گردد.

۲. بُعد زیبایی جویی و زیبا یابی فرد محقق.

در متن پژوهش، توجه به رعایت زیبایی از دو لحاظ محتوا و لفظ مهم است که به اجمال شامل رعایت موارد زیر است:

۱. حق جویی: حق در مقابل باطل است. خیر و برکت‌ها در حق نهفته است. هیچ خیری در باطل نیست.

۲. رعایت انصاف و امانت علمی: بدون رعایت انصاف و امانت علمی، زشتی تدلیس نویسنده آشکار می‌شود.

۳. **ویرایش جملات:** از به کار بردن جملاتی طولانی با بیش از دو سطر اجتناب شود. نیز باید از تکرار بی جهت جملات همسان در لابه لای تحقیق خود و یا جملاتی با محتوای تکراری اجتناب کرد. (مگر آنکه مقاصد خاصی مانند اهداف آموزشی مطرح باشد). استفاده از جملات معترضه نیز تنها در صورت ضرورت باید صورت گیرد. ملاک حذف یا عدم حذف این جملات در پاسخ این پرسش ها نهفته است که آیا عدم بیان آن منجر به ایجاد خللی در ساختار استدلال تحقیق خواهد شد یا خیر؟ و وجود آن ها چه تأثیر مثبتی در این ساختار ایفا خواهد کرد؟ چنانکه پیش تر نیز اشاره شد، بسیاری از توضیحات اضافی تکمیل کننده را می توان در پانوشته های توضیحی بیان کرد.

۴. **استدلال در سطح مخاطب پژوهش:** هر اثری به منظور تأمین نیازهای مخاطبان خاص خود نوشته شده است. انسان ها در سنین مختلف زندگانی نیازها و سطح تفکر مختلفی دارند. اقتضای نگارش برای سنین نوجوانی با بزرگ سالی متفاوت است. نیز سطح سواد مخاطبان در نحوه بیان نویسنده تأثیرگذار است. آیا می توان همان مثال هایی را که برای کودکان ارائه می شود، برای بزرگ سالان نیز بیان کرد؟ معمولاً پایان نامه های دانشگاهی در سطح مخاطبانی با حداقل درجه کارشناسی (لیسانس) تعریف شده اند. لذا باید از بیان مطالب در سطحی پایین تر خودداری کرد.

۵. **دادن امکان تصمیم گیری به مخاطب:** هدف از تحقیق باید تنها بیان چیزی باشد که بر اساس حق جویی به آن رسیده ایم. وظیفه محقق با انجام این کار پایان پذیرفته است. نباید محقق در اندیشه پذیرش اجباری مخاطب نسبت به دیدگاهی خاص باشد.

۶. **توجه به پرورش مفاهیم مورد نظر:** در جریان به کارگیری استدلال، نیازمند توجه به مجموعه مسایل مهمی در کنار آن هستیم. برخی از این امور به طور خلاصه عبارت اند از: الف- تعریف دقیق بین الذهانی کردن مفاهیم، ب- استفاده درست از شواهد، توجه شود که استشهاد گاهی برای اثبات و تأیید نکته ای و گاه برای آرایش سخن است. استشهاد در استدلال نباید به گونه ای باشد که مراد قائلان آن را تحریف کند. {به «لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ» استشهاد شود و از «وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (قرآن مجید، سوره نساء: ۴۳) ذکری به میان نیاید.} استشهاد در علوم اسلامی کاربردی فراوان دارد. ج- استفاده از اسلوب مقایسه تا از این رهگذر مسایل روشن تر و بارزتر ارائه شوند. لازمه صحت مقایسه، رعایت

شرط هم‌سنخ بودن است. د- استفاده از اسلوب‌های بیانی مناسب، چون اسلوب پرسشی، شرطی و نظایر آن. برای مثال، برخی از کارکردهای پرسش در متن عبارت‌اند از:

- ایجاد علاقه و کنجکاوی،
- متمرکز کردن توجه بر مفهوم یا موضوعی خاص،
- واداشتن مخاطب به تفکر و تأمل،
- ایجاد ارتقای فکری در ضمن استدلال علمی.

۶۷. داشتن نگاهی نقادانه

نقد یک اثر عبارت است از نشان دادن نقاط ضعف و قوت آن به گونه‌ای که سرانجام منجر به استخراج قوانینی شود که علل ضعف یا اعتلای یک اثر را بیان کنند؛ بنابراین، نقد علمی صرف یک مدح و ذم ساده نیست، بلکه کوششی در جهت تعالی کلیت علم است. پیام نقد یک اثر به خواننده این است که برای پیشرفت در کار از چه راهی باید رفت و نیز نرفت. معمولاً دانشمندان اسلامی به دو روش به نقد آثار مختلف پرداخته‌اند.

۱. انتقاد مستقیم: بیان نظریه مورد انتقاد و سپس نقد آن مثل اینکه به مقدمات و یا استنتاج آن اشکال گیرند.

۲. انتقاد غیرمستقیم: بیان نظریه‌ای که صاحب‌نظران آن را حق و صحیح می‌دانند. به گونه‌ای که ناظران آگاه از نظریه مخالف، با مطالعه آن اعتراض نهفته در آن نظریه را دریافت می‌کنند. (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۵ / ۱۸۱ - ۱۸۳)

معمولاً نقد در محورهای زیر صورت می‌پذیرد. امری که باید مورد توجه هر دانشجویی در زمان نگارش رساله پژوهشی خود باشد.

- نقد مقدمات استدلال
- نقد نحوه استنتاج
- نقد اصالت پرسش تحقیق
- نقد اعتبار مدارک و منابع
- نقد صحت توصیف
- نقد ساختار و قالب نوشتار

بهترین شیوه نقد اندیشه‌ها پرسیدن درباره آن‌هاست. در مواجهه با یک استدلال ناسازگار با باید پیش از هر کار، آن را در قالب مجموعه‌ای از پرسش‌ها به نقد کشید؛ مانند:

- بستر فکری - فرهنگی نویسنده چیست؟

شناخت اندیشه‌ها و نظرات بزرگان رشته‌های علوم انسانی، منوط به شناخت سنت‌های فکری است که به عنوان منابع تفکر آنان مطرح بوده‌اند. به طور کلی در مطالعه اندیشه‌های هر متفکر سه محور اهمیت دارد:

۱. زمینه فرهنگی و اجتماعی حیات او،

۲. سرچشمه اندیشه‌ها و عناصر سازنده تفکرش. (مکتب فکری‌ای که بدان تعلق دارد.)

۳. تحول اندیشه وی در گذشت زمان.

- استدلال او بر پایه چه روشی است؟

هر متفکری گرایش به نوعی روش‌شناسی دارد. برای مثال، مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین طیب اصفهانی (۱۳۱۲ ق / ۱۴۱۱ ق) در تفسیر خویش بنام «اطیب البیان» در ابتدا از روش تفسیر قرآن به قرآن و سپس استفاده از کلمات معصومین (علیهم السلام) بهره برده است. از سویی دیگر افرادی همچون شیخ طنطاوی (وفات ۱۳۵۸ ق) در تفسیر خود بنام «الجواهر فی تفسیر القرآن» ضمن تفسیر آیه، اهتمام زیادی به ارائه شگفتی‌های طبیعت و دانستی‌های علمی، که در مواردی با کشیدن جدول و نمایش عکس، همراه است، دارد و افراط زیادی بر مباحث علمی به خرج داده است. آیا می‌توان بدون شناخت روش‌های تفسیری، نتایج دیدگاه‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار داد؟

- نویسنده مدعای خود را بر اساس چه ادله‌ای اثبات کرده است؟

برای مثال، در آثار فردی که بر زوال اندیشه سیاسی در ایران حکم می‌دهد، موارد متعددی از عدم شناخت متون اسلامی مشاهده می‌شود. او در یک مورد، با اشاره به فرمان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر درباره لزوم تناسب خراج با توان رعیت، آن را به معنای مصلحت‌اندیشی در نظر می‌گیرد و مصلحت‌اندیشی را تفکر ایران‌شهری می‌داند و با این مقدمات! چنین نتیجه می‌گیرد که نهج‌البلاغه رساله‌ای در

اندیشه سیاسی است که برخلاف رساله‌های شرعی اهل سنت (مانند آثار ماوردی و ابن تیمیه) از سنخ سیاست‌نامه‌های ایرانی است!^۱ (طباطبایی، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۲: ۵۲ - ۵۴) حال بار دیگر به استدلال او توجه کنیم:

۱. فرمان مالک اشتر متضمن مواردی از مصلحت‌اندیشی است.

۲. مصلحت‌اندیشی تفکری ایرانشهری است.

۳. سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی بر پایه تفکر ایران‌شهری است.

۴. پس بخشی از نهج‌البلاغه هم از سنخ سیاست‌نامه‌های ایرانی است.

البته مشخص است که وی اطلاعی محدود و ضعیف از کتاب عزیز نهج‌البلاغه دارد. این سخن علامه جعفری^(۵) نیز در عدم اعتنا به فریندگی ظاهری برخی سخنان جالب توجه است. او در خصوص عبارت مشهور (منسوب به) «ولتر» مبنی بر اینکه: «برای من آزادی آن قدر با ارزش است که حاضرم برای اینکه شما سخن خود را آزادانه بگویید خودم را فدا کنم، اگر چه خود مخالف سخن شما بوده باشم» می‌نویسد: من آن موقع

۱. عین سخن او چنین است: «اما من گمان می‌کنم برجسته شدن جنبه‌های سیاسی نهج‌البلاغه، از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی، دلیل دیگری دارد. به اجمال کوشش می‌کنم به دو نکته در این باره اشاره کنم: نخست اینکه من حدس می‌زنم که بخش‌هایی از این کتاب، بیشتر از آنکه یک سند دینی باشد، از سنخ سیاست‌نامه‌ها است و به عبارت دیگر، از اندیشه سیاسی ایرانشهری تأثیر پذیرفته یا بر پایه رساله‌هایی درباره اندیشه سیاسی ایرانشهری تدوین شده است وجه تمایز اصلی میان اندیشه سیاسی - اعم از ایرانشهری و یونانی - با اندیشه سیاسی دینی، این است که در یک سند دینی اصل بر اجرای حکم خداوند است. حال آنکه در اندیشه سیاسی - و نیز در نهج‌البلاغه به ویژه در عهدنامه مالک اشتر - توجه خاصی به رعایت مصالح سیاسی شده است. در عهدنامه مالک اشتر نیز اصل «مصلح مرسله» یا رعایت مصلحت رعیت است. این امر را می‌توان آشکارا در تاریخ اندیشه در ایران دید و به گونه‌ای که من در جای دیگری توضیح داده‌ام وزیر متشرعی مانند خواجه نظام‌الملک در یکی از مهم‌ترین رساله‌های اندیشه سیاسی ایرانشهری در دوره اسلامی، به صراحت، این نکته را که پیش از او نیز گفته بودند، برجسته می‌کند که «ملک با کفر می‌ماند، اما با ظلم نمی‌ماند». همین ضابطه عدالت، یعنی رعایت مصالح عمومی، در عهدنامه به مالک نیز به تأکید آمده است که خراج باید با توجه به توان رعیت، یعنی با رعایت ضابطه مصلحت، گرفته شود و تردیدی نیست که این ضابطه مصلحت ناظر بر مصالح عمومی کشور است و نه صرف اجرای حکم خداوند.» (ص ۵۳)

با مشاهده چنین عبارتی که به ولتر نسبت داده اند احتمال قوی دادم که ترجمه ها صحیح نبوده است و هنوز هم تا اصل عبارت ولتر را با چشم خود نبینم خطا را به مترجمان نسبت خواهم داد. زیرا ولتر هر که باشد مردی عاقل و متفکر و فرهنگ دیده و محال به نظر می رسد که او سخنی را بگوید که تناقضش را در درون خود داشته باشد. توضیح اینکه فداکاری ولتر برای عظمت و ارزش آزادی است اگر این ارزش و عظمت به قدری مطلق باشد که حتی شامل ابراز عقیده شخصی باشد که بر ضد آزادی است، عمومیت سخن چنین است که ولتر برای این که شما سخن ضد آزادی خود را آزادانه بیان کنید حاضر است خود را فدا کند! نتیجه گزافه گویی در ابراز سخنی که تنها برای جلب شنونده گفته می شود.

- پیامدهای فرهنگی و اعتقادی پذیرش دیدگاه وی چیست؟

باهر اندیشه و تفکری که مواجه می شوید، متوجه تبعات فرهنگی و اعتقادی پذیرش آن بر فرد و جامعه باشید. برای مثال، پیامد صامت انگاری قرآن مجید چیست؟ پیامد تبدیل حکم شناسی به شرایط شناسی در تفاسیر هرمنوتیکی غربی از آیات قرآن چیست؟ پیامدهای اعتقادی پذیرش ابطال گرایی به عنوان یک روش شناخت در مسایل دینی چیست اند؟

- آنان چگونه به پاسخ (احتمالاً) نادرست رسیده اند؟

تأمل بر این پرسش موجب می شود تا در ورود به اندیشه های آنان با احتیاط بیشتری قدم برداشت.

مثال نمونه ای از یک متن علمی

متن زیر درباره احمد بن محمد بن موسی رازی از مورخان ایرانی الاصل اندلسی است که توسط مورخ عراقی دکتر عبدالواحد ذنون طه نوشته شده است. نویسنده در هر سطر از کتابش کوشیده است تا اطلاعات مفید و مستندی درباره مورخ مورد نظرش، ارائه دهد. متن زیر را بر اساس تمییز مثال ها، نحوه توصیف و تحلیل و منابع مورد استفاده مورد توجه و بررسی قرار دهید.

احمد بن محمد بن موسی الرازی

احمد رازی در روز دوازدهم ذی الحجه سال ۲۷۴ هـ / بیست و ششم آوریل سال

۸۸۸ م به دنیا آمد.^۱ از دوران اولیه زندگی و طفولیت او اطلاعات زیادی در دست نیست. با این حال از روایت پسرش عیسی مشخص می‌شود که او سه سال پیش از وفات پدرش در شهر آلبیره به دنیا آمد. از کودکی در پی طلب علم برآمد و علاقمند به ادبیات شد. پس از چندی علاقه شدیدی به تحقیق پیرامون اخبار تاریخی و تفحص در آن در او ایجاد شد.^۲ و از این‌رو، در نزد شیوخ محدثان قرطبه، همچون قاسم بن اصبح (متوفای سال ۳۴۰ هـ / ۹۵۱ م) و احمد بن خالد (متوفای ۳۲۲ هـ / ۹۳۳ م)^۳ که شأن والایی در تاریخ و حدیث داشتند، شاگردی کرد.

به نظر می‌رسد که قاسم بن اصبح بر احمد رازی تأثیر بسیار گذاشته است. قاسم با تألیفات متعدّدش در زمینه‌های گوناگون علوم دینی و دنیوی، مشهور بود.^۴ از آن جمله می‌توان به «انساب» اشاره داشت. ابن حزم بیان می‌کند^۵ که ابن اصبح کتابی در انساب تألیف کرده است و بی‌تردید احمد رازی از آن کتاب، که اکنون در دسترس نیست، استفاده کرده است. ضمن آنکه از کتاب پدرش (الرایات) که کمی پیش‌تر درباره آن سخن به میان آمد، بهره برده است. دلیل آن کثرت مطالب رازی درباره انساب در کتابش با عنوان «الاستیعاب فی انساب مشاهیر اهل الاندلس» است که البته به دست ما نرسیده است، ولی بسیاری از مورخان و نویسندگان زندگی‌نامه‌ها در تألیفات موجود خود از قبیل «تاریخ علماء الاندلس» از ابن حیان الفرضی و «المقتبس» از ابن حیان و «التکملة لکتاب الصلة» از

۱. ابن الفرضی، القسم الاول، ص ۴۰، یاقوت، معجم الادباء: ۲۳۶ / ۴.

۲. المقتبس، تحقیق: مکی (روایة عیسی بن احمد الرازی)، ص ۲۶۹؛ و نیز نک به خود راوی: Arabica, II, ۱۹۵۵, P. ۲۳۰.

۳. از احمد بن خالد. نک به: الحمیدی، ص ۱۲۱ - ۱۲۲: الضبی، بغیة الملتمس، نشر: فرانسسکو کودیرا، مدیر، ۱۸۸۵، ص ۱۶۳ - ۱۶۴: ابن الفرضی، القسم الاول، ص ۳۱.

۴. همان منبع، القسم الاول، ص ۳۶۴ - ۳۶۷، الحمیدی، ص ۳۳۹ - ۳۳۱، الضبی، ص ۴۳۳ - ۴۳۴، معجم الادباء: ۶ / ۳۳۶ - ۳۳۷: P. ۶۰. Pons Bolgues, Op. Cit.

۵. رسالة فی فضل الاندلس، نقلها المقری فی نفع الطیب: ۳ / ۱۵۶ - ۱۸۶، نک به: ص ۱۷۴. همچنین در ضمن (رسائل ابن حزم الاندلسی) آمده است: تحقیق: احسان عباس، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت، ۱۹۸۱، ۲ / ۱۸۴.

ابن‌البار و «الاحاطة فی اخبار غرناطة» از ابن‌خطیب^۱ مطالب آن را نقل کرده‌اند.

و ترجمه از امور دیگری بود که قاسم بن اصیغ بدان پرداخت. برخی از پژوهشگران با استناد به دو متن از کتاب العبر اثر ابن‌خلدون^۲ معتقدند که به فرمان المستنصر، در دوران ولیعهدی‌اش،^۳ قاسم با همکاری ولید بن خیزران قاضی نصاری قرطبه به ترجمه کتاب تاریخ اثر هروشیس (Paulus Horosius) مبادرت کرد. هروشیس مورخ اسپانیایی در قرون چهارم و پنجم میلادی بود که کتاب وی با عنوان لاتینی (Historia Adversus Paganos) از زمره آثاری بود که «ارمانیوس» (Romanos) پادشاه بیزانسی قسطنطنیه در سال ۳۳۷ هـ / ۹۴۸ م برای خلیفه اموی «عبدالرحمن الناصر لدین الله» ارسال کرده بود. نسخه منحصر به فردی از ترجمه عربی کتاب هروشیس در دانشگاه کلمبیا در نیویورک با شماره (X ۸۹۳ ۷۱ ۲ H) موجود است و نویسندگان دیگر مانند ابن‌خلدون و سلیمان بن حسان الاندلسی معروف به ابن‌جلجل از این ترجمه استفاده کرده‌اند.^۴

دکتر حسین مؤنس معتقد است^۵ که رازی از این ترجمه در نگارش مقدمه تاریخ خود در زمینه جغرافیا از آنچه که هروشیس ارائه کرده است، بهره برده است. ضمن آنکه در آن کتاب از موضوعات مربوط به شرق، که در نتیجه ارتباطات و مسافرت‌های میان مشرق و اندلس کسب شده بود، به وفور یافت می‌شد. رازی با استفاده از همه آن منابع، جغرافیایی کامل از شبه‌جزیره ایبریا تهیه کرد و به مانند

۱. نک به: عبدالواحد ذنون طه، دراسات فی التاریخ الاندلسی، الموصل، ۱۹۸۷، ص ۹۸.

۲. العبر و دیوان المبتدء و الخبر، بیروت، ۱۹۵۶ - ۱۹۶۰: ۲ / ۱۶۹، ۴۰۲.

۳. به مقدمه کتاب زیر مراجعه کنید: طبقات الاطباء و الحكماء لابن جليل، بقلم المحقق: فؤاد السيد، القاهرة، ۱۹۵۵، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

نیز نک به: حسین مؤنس، تاریخ الجغرافیه و الجغرافیین فی الاندلس، مدرید، ۱۹۶۷، ص ۳۰، ۳۱ : و مقاله: G. Levi Della Vida, La Traduzione Arabe d'ila storie di Orosio,

Al Andalus. XIX, ۱۹۵۴, fasc. ۲, pp. ۲۵۷ - ۲۶۰.

۴. نک به: طبقات الاطباء و الحكماء، ص ۲، ۱۱، ۱۲، ۳۶.

۵. تاریخ الجغرافیه و الجغرافیین فی الاندلس، ص ۵۴ - ۵۵.

هروشیش جغرافیا را به عنوان مقدمه تاریخ خود درباره اندلس قرار داد. پس از وی روش مقدم داشتن جغرافیا بر تاریخ و یا به عبارت دیگر شرح زمینه (جغرافیایی) پیش از بیان وقایع در نزد تمامی مورخان اندلسی معمول شد و چنانکه در ادامه بیان خواهد شد آنان همزمان جغرافیدان و مورخ بوده‌اند. اکنون وقت آن فرا رسیده است که به سهم احمد رازی در تدوین تاریخ سرزمین اندلس پردازیم. او به حق از برجسته‌ترین افرادی است که در این زمینه صاحب تألیف است و به جهت کثرت آثارش تاریخی‌اش و تدوین کتاب‌هایی درباره تاریخ اندلس ملقب به تاریخدان است.^۱ «ابن حزم» اشاره دارد که احمد رازی دو کتاب، یکی درباره «اخبار ملوک اندلس» و دیگری در زمینه «توصیف قرطبه» تألیف کرده است که در آن از عادات شهری و بناهای بزرگ آن سخن رانده است.^۲ ضمن آنکه وی دایرةالمعارفی بزرگ درباره انساب عرب اندلس با عنوان «کتاب استیعاب فی انساب مشاهیر اهل الاندلس» نوشته است که مشتمل بر پنج جلد بزرگ است.^۳ نیز رازی دارای کتابی بزرگ در زمینه راه‌های اندلس و بندرها و شهرهای مهم و مراکز تجمع سپاهیان و ویژگی‌های هر یک از این سرزمین‌ها، بنام کتاب «مسالک الاندلس و مراسیها و امهات اعیان مدنها و اجنادها الستة» است.^۴ «ابن الابار» اضافه می‌کند^۱ که رازی کتابی دیگر نیز درباره

-
۱. الحمیدی، ص ۱۰۴: ابن الفرضی، القسم الاول، ص ۴۲، نفح الطیب (بروایة ابن حیان) : ۳ / ۱۱۱، و نیز نک به: بالنتیاء، همان منبع، ص ۱۹۷، Pons Bolgues, Op. Cit, p. ۶۲.
 ۲. رسائل ابن حزم الاندلسی: ۲ / ۱۸۴ (رسالة فی فضل الاندلسی : نفح الطیب: ۳ / ۱۷۳) نیز نک به : الحمیدی، ص ۱۰۴، الضبی، ص ۱۰۴، بالنتیاء، همان منبع، ص ۱۹۷، بروکلمان، تاریخ الادب العربی: ۳ / ۸۷، بروفنسال، مادة: (الرازی) فی دائرة المعارف الاسلامیة ، روزنتال، علم التاریخ عند المسلمین، ص ۲۱۰، مؤنس، همان منبع، ص ۵۷.
 ۳. رسائل ابن حزم الاندلسی: ۲ / ۱۸۴، (نفح الطیب، ۳ / ۱۷۴)، الحمیدی، ص ۱۰۴، ابن الابار، الحلة السیراء: ۱ / ۲۴۵، ۲ / ۳۶۶، نیز نک به: دائرة المعارف الاسلامیة، مادة، (الرازی).
 ۴. ابن حزم، همان منبع: ۲ / ۱۷۲ - ۱۷۳ (نفح الطیب: ۳ / ۱۶۰ - ۱۶۱)، الحمیدی، ص ۱۰۴، مؤنس، همان منبع، ص ۵۷.

بزرگان موالی در اندلس بنام «اعیان الموالی» تألیف کرده است. این مرور سریع از تألیفات رازی در وهله اول بیانگر عظمت کار او در حوزه تاریخ‌نویسی است. او تاریخ و جغرافیای اندلس را تا زمان زندگی خود پوشش داده است و ناحیه‌ای از آن نبوده که وصفش نکرده باشد و یا واقعه‌ای از وقایع تاریخی نبوده که آن را بیان نکرده باشد.

۶۸. جهت افزایش قدرت نقادی خود مباحثه کنید

مباحثه گفت‌وگوی علمی درباره موضوعی است که از دیرباز در حوزه‌های علمیه انجام شده است. چنانکه در ابتدای این کتاب بیان شد، در نقد مقالاتی که خوانده‌اید، با دوستان خود مباحثه کنید. توجه کنید که بر سر حسن و قبح چه موضوعاتی در نگارش مقاله توافق دارید و در زمینه چه موضوعاتی دیگر باهم اختلاف نظر دارید.

۶۹. کاهش اشتباهات از طریق مشورت با دوستان اهل فن.

مشورت نیز یکی از سنت‌های حسنه‌ای است که مورد تأکید اسلام است. نباید خود را هیچ‌گاه بی‌نیاز از مشورت دید و از سوی دیگر نباید با افراد ناوارد و نااهل در موضوعات تخصصی مشورت کرد.

۷۰. مشاهده؛ یکی از ابزارهای مهم پژوهش

انسان موجودی چندبعدی است که دارای قوای مختلفی از جمله قوای حسی، عقلی و روحانی است. نمی‌توان به استناد به یکی از این قوا، مانند حس، دیگر قوای انسان را نادیده گرفت و باید متوجه حدود امکان شناخت آن‌ها بود. قوای شناختی انسان قابل تربیت و ارتقا است. برای مثال، با کمی توجه به پرسش‌های کودکان در می‌یابیم که آن‌ها به تدریج و متناسب با پیشرفت فکری‌شان، غالباً از امور محسوس به امور معقول و فراتر از آن در حال حرکت‌اند. مسئله‌ای که برخی از زبان‌شناسان در تحلیل «تشبیهات» بدان

۱. التکملة لکتاب الصلة: ۴۰ / ۱، نیز نک به: بروکلمان، همان منبع: ۸۷ / ۳، Pons Bolgues

اشاره کرده‌اند.^۱ با این حال، نقش حس در دوران بزرگسالی انسان از میان نمی‌رود، بلکه با بهره‌گیری از توانایی‌های ذهنی‌اش، آن را می‌تواند دقیق‌تر و تند و تیزتر کند. مشاهده نوعی کسب تجربه از جهان است که انسان با آن آگاهانه، ادراک و حواس خود را متوجه مسایل می‌کند. برای مثال، زکریا بن محمد قزوینی (حدود ۶۰۰ - ۶۸۲ ق) در کتاب «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات» موجودات را به دو دسته تقسیم کرده است:

۱. موجوداتی که قابل مشاهده با چشم ظاهر نیستند، (مانند عرش، کرسی و ... که راه علم به آن‌ها از نصوص و اخبار صحیح و معتبر حاصل می‌شود).

۲. موجوداتی که به توسط چشم ظاهر قابل ادراک هستند؛ مانند زمین و آسمان‌ها و پدیده‌های موجود در آن‌ها.

قزوینی متوجه این معنا شده بود که در هر حرکتی در این عالم، حکمت و یا حکمت‌هایی موجود است که شخص ناظر، با مشاهده عمیق آن، به عظمت و وحدانیت خالق پی می‌برد. (خطابی، ۱۹۹۸: ۲ / ۷۰۹ - ۷۱۰)

در آیات قرآن مجید هر دستوری که به دیدن داده شده است، مقصود نظر کردن برای تحقیق و شناخت است، نه تماشاگری محض» (جعفری، ۱۳۶۰: ۳۸۱) و مبنای اصلی در اسلام نظر و تحقیق درباره انسان و جهان است و نه تقلید و نگرش‌های سطحی. (همان: ۳۸۲. نیز نک: حکیمی، ۱۳۸۳: ۵)

برخی از آیات الهی در این زمینه عبارت‌اند از:

«فلینظر الانسان مم خلق. خلق من ماء دافق» (قرآن مجید، الطارق: ۵-۶)

«افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت و الى السماء كيف رفعت و الى الجبال كيف

نصبت و الى الارض كيف سطحت» (قرآن مجید، الغاشیه / ۱۷ - ۲۰)

«و لم ينظروا في ملكوت السماوات و الارض» {قرآن مجید، الاعراف / ۱۸۵}

و روایات بسیاری دلالت بر عظمت تدبر در مشاهدات دارد:

۱. مرحوم استاد جلال‌الدین همایی (۱۲۷۸ - ۱۳۵۹ ش) در کتاب معانی و بیان (درس نامه خود) که به کوشش دکتر ماهدخت بانو همایی به چاپ رسیده است، شواهد متعددی درباره این مسئله بیان کرده است که نشان از توانمندی و فهم بالای ادبی او دارد.

أَعْجِبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ، يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ وَ يَتَنَفَّسُ فِي خَرْمٍ.
 شگفتا از آدمی که با پیه می بیند و با پاره‌ای گوشت سخن می گوید و به استخوانی
 می شنود و از راه بینی نفس می کشد. (امام علی علیه السلام)

از دیرباز تدبیر کردن در وقایع روزمره زندگی مورد توجه متفکران اسلامی بوده است. جراح معروف مسلمان ابوالقاسم زهراوی (متوفی ۴۲۷ ق / ۱۰۳۵ م)، حس بینایی را لطیف ترین حواس قوای نفسانی انسان می داند. (خطابی، ۱۹۹۸: ۱ / ۶۷۴) و نیز ابن هیثم (متوفی ۴۳۰ ق / ۱۰۳۹ م) مشاهده را در دو صورت شناخته بود: ۱. مشاهده بدون فکر و به صورت ناگهانی و ۲. مشاهده همراه با تأمل. او واقف به این مسئله شده بود که انسان گاه به رغم قرار گرفتن چیزی در مقابل دیدگان انسان، گویی آن را نمی بیند و گاه امری را دیده ولی در آن درنگ و اندیشه نمی کند؛ اما مسئله در مشاهده مملو از تأمل در سطح عالی تری از شناخت قرار گرفته و بر دو قسم است:

۱. مشاهده بدون شناخت اولیه و قبلی
۲. مشاهده به همراه دارا بودن شناخت پیشین از آن. که بسته به نوع تأمل و میزان استقرار معانی آن متفاوت است. (همان: ۲ / ۷۰۹ - ۷۱۰)

مشاهده هدفمند در تحقیق یا به دنبال یافتن پرسش تحقیق به عنوان بخشی از یک مطالعه اکتشافی است و یا در پی پاسخ دادن به پرسش های مورد نظر است. برای مثال، شخصی که درصدد شناخت روش های اشاعه حجاب اسلامی در جامعه است، باید با گشت و گذاری هدفمند در بازارها و فروشگاه های پوشاک و مشاهده رفتار فروشندگان و خریداران در معرفی و انتخاب پوشش، ضمن شناخت مسئله خود، اطلاعات مفیدی را جمع آوری کند؛ و یا پژوهشگری که درصدد نگارش مقاله ای درباره نحوه سلوک مراجع بزرگوار تقلید با مردم است، لازم است تا با حضور در محضر آن بزرگان، به صورت عملی اطلاعات لازم را کسب کند و یا ممکن است فردی بارها و بارها به فروشگاه های کفش فروشی رفته باشد، اما به نام گذاری کفش های فوق توجهی نکرده باشد. چرا غالب اسامی کفش های فروشگاه های کفش دست ساز شهر تهران، غربی است؟ نویسنده در پاییز سال ۱۳۸۳ برخی از این اسامی را از فروشگاه های کفش خیابان انقلاب تهران (حد فاصل میدان فردوسی و پیچ شمیران) چنین ثبت کرده است: «بارسلون، کارل، میتا، سیلور، پاندا، روبرتو، رئال، متالیکا، ویکتور، پولار، ژانویه، میلان، کارلوس، لرد، موریس، مارسی، موناکو،

ژنو، کلارک، نیکلاس، لیون، پاپ، هیلتون، آتن، زیکو، Kent, Toronto و ...» ممکن است فردی به جهت خرید اسباب بازی کودکان به فروشگاه‌های مربوطه مراجعه کند و بسیاری از اجناس موجود را «حامل فرهنگ غربی» بیابد. چه بسا او پیش از مواجهه با اسباب‌بازی‌ها دارای مسئله‌ای برای پژوهش نباشد؛ اما با مشاهده وضعیت این فروشگاه‌ها، متوجه ضرورت پژوهش درباره نقش اسباب‌بازی‌های کودکان بر جامعه‌پذیری دینی کودکان شود. در اینجا مسلماً او فراتر از یک مشاهده عادی وارد مسئله شده است.

بسیاری از مسایل پیش پا افتاده زندگی ما از قابلیت تدبر و پرورش موضوعی برخوردارند؛ به شرطی که مشاهده به معنای یک استقرای محدود در نظر گرفته نشود. برخی از مهم‌ترین فواید یک مشاهده خوب عبارت‌اند از:

۱. تولید پرسش‌هایی اساسی در انسان
 ۲. توجه به مسایل بنیادین در ساده‌ترین وقایع و پدیده‌های گوناگرد حیات انسانی
 ۳. قابلیت تحلیل مسئله در ساختار روابط علی، بدون افراط و تفریط در مسئله.
- برای مثال، زمانی که کودکی این پرسش را مطرح می‌کند که: «خدا کجاست، من می‌خوام خدا را ببینم.» محقق را متوجه اهمیت پژوهش درباره پرسش‌های دینی کودکان خردسال و نحوه پاسخ‌دهی به آن می‌کند. نویسنده در سفر خود به مشهد مقدس (اسفندماه سال ۱۳۸۳ ش) با بازارها و مغازه‌های باز و شلوغ در هنگام نماز و نیز نماز جمعه مواجه شد. مشاهده‌گر می‌تواند مجموعه عواملی را که منجر به بی‌توجهی برخی از ایشان به انجام این فریضه الهی شده است را در «خود محل» مشاهده کند و به صورت عملاً به مطالعه این موضوع بپردازد که چه چیزهایی به عنوان مانع توجه به نماز عمل می‌کنند؟ و چه راهکارهایی با توجه به موقعیت‌های مورد مشاهده می‌تواند مطرح شوند؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش، مستلزم حضور در آن مکان‌هاست.

۷۱. تفکیک وضعیت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی

مشاهده در دو وضعیت متفاوت باهم صورت می‌پذیرد که عبارت‌اند از:

۱. مشاهده مشارکتی
۲. مشاهده غیر مشارکتی

در مشاهده مشارکتی پژوهشگر، درصدد کسب موقعیت و جایگاهی همانند افراد مورد مطالعه است. لذا در وضعیت دوگانه (محقق / بازیگر) قرار می‌گیرد، از سویی محقق است و از سویی عضو گروه مورد بررسی. صرف‌نظر از ملاحظات اخلاقی، مسئله تأثیرات خواسته و ناخواسته حضور وی بر جریان پژوهش، همواره مورد بحث بوده است. (مانند حضور بازرس در محیط اداره) بحث اصلی در اینجا به رابطه محقق با پدیده اجتماعی بازمی‌گردد. آیا محقق صرفاً یک «تماشاچی» است که به تدبیر در مسئله پرداخته است و یا آنکه خود نیز جذب موقعیت مورد مطالعه شده است؟ در پاسخ به این پرسش باید اشاره کرد که انسان هم بازیگر است و هم تماشاگر. مرحوم علامه جعفری در این باره به اصول مهم زیر اشاره دارد: (جعفری، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۷۰)

۱. واقعیت اشیاء و رویدادها با قطع نظر از درک و تعقل ما وجود دارد. ساده لوحانه است اگر واقعیت، تابع قطب درک کننده در نظر گرفته شود.
۲. در انسان‌ها نوعی موضع‌گیری غیرقابل اجتناب موجود است که عبارت است از عوامل درک و هدف‌گیری ما در جهان هستی. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب» (قرآن مجید، نحل: ۸۸) و تو ای پیامبر کوه‌ها را می‌بینی و گمان می‌کنی که آن‌ها جامد و ساکن‌اند، درحالی‌که آن‌ها مانند ابر در حرکتند.»
۳. خواست اصلی انسان این است که اشیاء را چنانکه هستند دریابد.
۴. این خواسته متأثر از عواملی درونی و بیرونی قرار دارند. عامل درونی مانند عینکی است که فرد از طریق آن امور را مشاهده و تفسیر می‌کند و عامل بیرونی چگونگی اجتماعی است که محقق در آن زندگی می‌کند.
۵. نتیجه سه اصل اخیر (اصول ۲ تا ۴) اینکه معرفت بشری، چه بخواهد یا نخواهد، آگاهانه یا ناآگاهانه ترکیبی از بازیگری و تماشاگری است.
۶. بازیگری^۱ به دو قسم تقسیم می‌شود. ۱. بازیگری ناشی از جبر طبیعت، مانند کوچک دیدن اجسام از مسافت‌های دور و یا دایره دیدن پره‌های سه‌گانه پنکه

۱. مراد علامه محمدتقی جعفری از بازیگری عبارت است از دخالت دادن عوامل درونی و بیرونی در شناخت اشیاء و رویدادها.

- برقی که در حال حرکت سریع است. ۲. بازیگری‌هایی که ناشی از خواسته‌ها، آرمان‌ها و اصول پیش‌ساخته‌ای هستند که ناظر آن‌ها را پذیرفته است.
۷. قسم اول بازیگری، به رغم آنکه نتایج مختلف و متضاد را نتیجه می‌دهد، اما با توجه به موقعیت‌های گوناگون ناظران، نه تنها منفی نیست، که بهترین وسیله برای شناخت چهره‌های گوناگون واقعیت از دیدگاه‌های متنوع است.
۸. عوامل بازیگری نوع دوم عبارت‌اند از: عامل اول: توجهات درون ذاتی: رسوب تدریجی پدیده‌هایی از جهان عینی در درون که استعداد پذیرش آن را در درون داشته و با گذشت زمان و تقویت به وسیله شرایط دیگر، به صورت عاملی فعال، شخص ناظر را آگاهانه یا ناآگاهانه توجیه می‌کند؛ مانند سودجویی و خودخواهی که با جلب افراد به خود (امثال توماس هابز و ماکیاولی) عینک خاصی را به چشمان آنان می‌زند؛ عینکی که جز با وقایع محاسبه نشده‌ای که فرا روی آن‌ها قرار گیرد و مسیرشان را عوض کند، برداشته نمی‌شود؛ و عامل دوم، پذیرش از محیط و اجتماع: اندیشه‌ها و عقایدی که فضای جامعه را فراگرفته است، معمولاً به طور ملموس و یا ناملموس بر افراد جامعه اثرگذار خواهد بود. اگر چه در صورتی که از سوی ناظر تشدید نگردد و قدرت اندیشیدن را از او نگیرد، نه تنها ضرری به واقع جویی و واقع یابی نمی‌زند که مفید و سازنده هم است.
۹. چه کنیم تا از نقش بازیگری ما بر جریان شناخت کاسته شود؟ برخی از راه‌های از میان بردن یا تقلیل بازیگری عبارت‌اند از: مراعات اصول درست اندیشیدن، تنظیم حواس طبیعی، تصحیح بهره‌برداری از تماس با اشیاء از موضع گیری‌های گوناگون. ساخت و تنظیم وسایلی (مانند میکروسکپ و تلسکوپ) که منجر به درک ابعاد بیشتری از واقعیات می‌شود و ...

۷۲. تفاسیر بازیگران و تفاسیر ثانویه علمی

در بسیاری از مواقع، به هنگام مشاهده نیازمند «گفتگو» هستیم. زیرا ادراک انسان‌ها در درک موقعیت‌ها با یکدیگر متفاوت است و بسیاری از مسایل مملو از پیچیدگی هستند که تنها با مشاهده دقیق، قابل شناخت نیستند. همچنین باید بدانیم که انسان‌ها برای

اعمال و رفتارهای خویش، معمولاً دارای دلایلی هر چند ساده، هستند. در مثال اسامی کفش‌های فروشگاه‌های کفش دست‌ساز تهران، برخی از فروشندگان دلایلی مختلفی را بیان می‌داشتند:

- «نامها انتخاب ما نبوده، کارگاه تولیدی با این نام عرضه داشته، ما هم چنین عرضه می‌کنیم.»
- «موضوع مربوط به کاتالگ Catalogue کفش (عمدتاً ایتالیایی) می‌شود.»
- «چون با این اسامی خریدار داره»
- «کفش‌ها مستقیماً از خارج با این نام‌ها وارد شده است!»
- و ...

البته خریدارها نیز برای خود دلایلی دارند؛ اما در اینجا پرسش‌های دیگری نیز قابل طرح است. برای مثال، چرا تولید کننده ایرانی، حاصل کار و زحمت خود را با برچسب و نام خارجی به فروش می‌رساند؟ و در نتیجه، چه گروه‌هایی به عنوان گروه مرجع فکری و رفتاری جامعه فعال شده‌اند و در حقیقت چه فرهنگی با فروش این کالاها، در حال انتقال به جامعه است؟

۷۳. ثبت مشاهدات

پس از انجام مشاهده، نیازمند ثبت دقیق آن در برگه‌هایی مشخص هستیم. گاه می‌توان (بنا بر موقعیت) با استفاده از ضبط‌صوت‌های کوچک، (و البته با پیشرفت‌های رایانه‌ای انواع و اقسام ابزارهای کوچک جدید) مشاهده را جهت اطمینان بیشتر در محل ضبط کرد و سپس آن را در زمان مناسب مورد بازبینی قرار داد.

در نگارش مشاهده باید تاریخ دقیق آن ثبت شود. در صورتی که به اقتضای موضوع بیان تاریخ هجری قمری و یا میلادی مهم باشد، به آن اشاره می‌شود. همچنین باید مکان مشاهده (در کدام شهر، در کدام اداره و یا خیابان و ...) و موضوع مورد مشاهده یعنی موضوعی که مرتبط با پرسش تحقیق ما است، بیان شود. در این زمینه توجه به موارد زیر لازم است:

۱. باید از بیان حواشی واقعه که ارتباطی با موضوع تحقیق ندارد، خودداری کرد.

۲. در هنگام ثبت مشاهدات نباید آن‌ها را تفسیر کرد. (توصیف از تفسیر مشاهده جدا شود).
۳. گاه می‌توان مشاهدات خود را از طریق گرفتن عکس و فیلم مستند کرد؛ اما به این موضوع نیز توجه داشت که گاه عکاسی از یک پدیده، می‌تواند القا گر مفهومی فراتر از واقعیت باشد. برای مثال، دو نفر که در پیاده‌رو در حال راه رفتن هستند و هیچ ارتباطی باهم ندارند در یک لحظه تصویر وانمود می‌شود که باهم آشنایی بسیار دارند. همچنین است فنون عکاسی در برجسته کردن موضوعی از طریق تغییر و تنظیم زاویه دید عکاس.
۴. می‌توان پیش از انجام مشاهده، مسئله تحقیق را در قالب یک پرسشنامه بسته تعریف کرد و در حین مشاهدات گزینه لازم را علامت‌گذاری کرد. هر چند به رغم سهولت در تحلیل کمی، وجود موقعیت‌های غیرمنتظره و نیز تفاوت در ادراک و تفسیر یک پدیده همچنان باقی می‌ماند.
۵. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مشاهده، داده‌های دست اول محسوب می‌شوند، هر چند که در تعمیم مشاهدات خود به کل جامعه باید بسیار احتیاط کرد.

از شروط یک مشاهده خوب عبارت است از:

۱. دقت نظر و استفاده درست از حواس،
۲. عدم اکتفا به مشاهدات یا نقل قول‌های سطحی،
۳. یادداشت‌برداری از یافته‌ها هراندازه هم که جزیی باشند،
۴. پرهیز از نتیجه‌گیری شتاب‌زده،
۵. استفاده از ابزارهای ثبت وقایع مانند ضبط صدا، تصویر و ...
۶. قرار دادن استنتاج خود از مشاهده در معرض ارزشیابی دقیق، مانند بررسی مسئله از زوایای مختلف، مقایسه نتایج مشاهده با نتایج دیگر پژوهش‌های مرتبط، مشورت با اهل فن، توجه به نقد اهل فن.

۷۴. گفت‌وگوی هدفمند با نخبگان

گفتگو یا مصاحبه، یکی از روش‌های یافتن صورت مسئله تحقیق و نیز جمع‌آوری داده‌های پژوهش است. ماهیت گفتگو بنا بر افراد گفتگوکننده، متفاوت است. گفتگو با نخبگان علمی متفاوت با افراد عادی است. اگر چه در هدف همانند هستند و آن عبارت است از: طراحی پرسش و یا پاسخ دادن به پرسش‌های موجود. گفتگوی خردمندانه با دانشمندان خود یک هنر و همواره مورد تاکید منابع دینی بوده است. این مهم باید به گونه‌ای صورت پذیرد که منجر به «ازدیاد» علم شود. لازمه تحقق این امر، احساس نیاز دانشجو به «یادگیری» است. شخصی که خود را بی‌نیاز از دانستن بداند، راه کسب معرفت را بر خود بسته است. لذا پیش‌نیاز هر مصاحبه و گفتگوی علمی، شوق به دانستن است.

هر چیز که دل بدان گراید
گر جهد کنی به دست آید.

۷۵. گفت‌وگوی علمی باید قاعده‌مند و از روی برنامه باشد.

- مصاحبه نیازمند مهارت و شناخت عملی است. لذا بهتر است در ابتدا آن را در جمع دوستان تمرین کرد. مهم‌ترین موارد قابل ذکر در یک گفتگوی علمی عبارت‌اند از:
۱. ابتدا باید هدف از گفت‌وگو مشخص باشد. محقق با انجام گفتگو درصدد رفع چه مشکل معرفتی است؟ هیچ‌گاه نباید بدون هدف وارد گفتگو با اهل علم شد. اگر کسی نداند دنبال چه چیزی است، مسلماً آن را پیدا نخواهد کرد؛ بنابراین پیش از انجام گفت‌وگو باید از خود پرسید که «چه نیازی به انجام آن است؟»
 ۲. مصاحبه‌شونده به درستی انتخاب شود. محقق باید بداند با چه کسی مصاحبه می‌کند؟ و چه کسی می‌تواند مشکل معرفتی او را حل کند؟ معرف انتخاب مصاحبه‌شونده باید علاقمندی به موضوع و تخصص او (مانند اشتغال او به تألیف و یا تدریس در موضوع مورد نظر) باشد و از مسایل غیرحرفه‌ای مانند آنکه «چون ایشان رئیس اداره ما نیز هست!» و ... اجتناب شود.
 ۳. درخواست مصاحبه باید محترمانه، رسمی و مطابق با میزان آشنایی با مصاحبه‌باشد. بهتر است پیش‌تر مکاتبه‌ای رسمی صورت پذیرد و در آن هدف از

- مصاحبه و فهرست مواردی که مدنظر تان است، مختصر و مفید بیان شود. بهتر است مصاحبه عنوان دار باشد. باید مطمئن شد که هدف از مصاحبه و نیز محتوای مورد نظر به درستی به مصاحبه منتقل شده است.
۴. به مصاحبه نشانی و شماره تلفنی داده شود تا در صورت لزوم (مانند قصد تغییر زمان مصاحبه) بتواند با شما تماس بگیرد.
۵. به مصاحبه علت انتخاب او و اهمیتی را که حضور وی در این گفتگو برای پیشبرد تحقیق دارد، خاطر نشان شود.
۶. باید پیش از انجام مصاحبه در زمینه آثار و اندیشه‌های شخص مصاحبه تحقیق شود. نباید بدون اطلاعات کافی درباره عقاید و افکار مصاحبه وارد گفتگو شد. این امر منجر به افزایش روحیه مثبت در طرفین و در نتیجه برگزاری بهتر مصاحبه می‌شود.
۷. باید پرسش‌های مصاحبه را بر اساس زمان مصاحبه طراحی کرد تا از کمترین زمان، بیش‌ترین بهره را جهت اخذ اطلاعات مورد نیاز بُرد. عدم طراحی پرسش، گاه منجر به مکث بیش از حد برای طرح پرسش و در نتیجه اتلاف زمان و کاهش مصاحبه‌گر در مصاحبه خواهد شد.
۸. باید به زمان و مکان مورد توافق پایبند بود. هیچ چیز همانند بدقولی نمی‌تواند سازنده تصویری منفی از مصاحبه‌گر در ذهن مصاحبه باشد. همچنین باید سر وقت معین، گفتگو را به پایان برد.
۹. پرسش‌های مصاحبه باید با یکدیگر هماهنگ باشند. در قالب بیانی مناسبی ادا شوند، بیش از اندازه طولانی نباشند، مبهم نباشند و با عبارات و یا الفاظی نارسا ادا نشوند و به صورتی جانب‌دارانه و یا به شکلی مجادله برانگیز مطرح نشوند و مناسب شأن مصاحبه شونده طرح شوند.
۱۰. آغازی خوب، مؤدبانه و مسلط در گفت‌وگو لازم است. محقق باید خود را مشتاق شنیدن پاسخ‌های مصاحبه نشان دهد. در طول مصاحبه، شرط ادب را رعایت کند؛ و اگر محقق با مصاحبه شونده دچار اختلاف نظر شد، اجازه دهد تا او نظرات خود را به طور کامل بیان کند. مراد از گفت‌وگو، کسب اطلاعات لازم و

نه ستیزه و مجادله است. پس به جای ورود به مجادلات بی‌حاصل، باید تا حد امکان از او توضیحات بیشتر خواست. (هرچند که در گزارش نهایی می‌توان با اطلاع مصاحبه‌شونده، با ارائه دلایل کافی با نظر او مخالفت کرد و در صورت لزوم جوابیه او را نیز منعکس کرد.)

۱۱. در مصاحبه نباید به حافظه متکی بود و حتی الامکان باید مصاحبه را با کسب «اجازه» از مصاحبه ضبط کرد و یا آن را نوشت. نام مصاحبه‌شونده، سمت علمی وی، مکان و زمان مصاحبه، به همراه گزارش نهایی مصاحبه، در برگه یادداشت به طور دقیق آورده می‌شود.

۱۲. باید متن نهایی مصاحبه را در اختیار مصاحبه قرار داد تا او بتواند ضمن رفع ابهامات احتمالی، توضیحات دیگری اگر خواست اضافه کند. در این حالت ملاک متن نهایی مورد امضای اوست.

فصل سوم

انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف

- انتخاب موضوع تحقیق یکی از مهم‌ترین مراحل یک پژوهش علمی و از دشوارترین آن به شمار می‌رود. برای درک بهتر جایگاه موضوع‌یابی، بهتر است تا نگاهی کلی به مراحل پژوهش کنیم. پژوهش را می‌توان بر دو مرحله تقسیم کرد:
- مرحله اول، مرحله پژوهش به منظور یافتن پرسشی شایسته و بایسته پژوهش است.
 - مرحله دوم، پژوهش به منظور یافتن پاسخ پرسش مورد نظر است.

۷۶. پژوهش‌های اکتشافی زیربنای دیگر پژوهش‌ها

- هر پژوهشی در دو مرحله انجام می‌شود که عبارت‌اند از:
۱. مطالعات اکتشافی که در واقع موضوع‌یابی به منظور یافتن بهترین پرسش‌ها در مناسب‌ترین موضوعات به اقتضای هر پژوهشگر است. از طریق مطالعات اکتشافی می‌توان داشته‌های خود را از قبیل منابع و امکانات تخمین زد و محدوده‌های واقع‌بینانه‌ای برای پژوهش ترسیم کرد.
 ۲. پژوهش اصلی که شامل پژوهش برای یافتن پاسخ‌های پرسش‌های مورد نظر است؛ و آن از خلال بررسی مدارک و منابع و جمع‌آوری داده‌های مرتبط با پژوهش و در نهایت تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری نهایی است. در پایان کار نیز مرحله نگارش و ویرایش گزارش

نهایی (در قالب رساله دانشگاهی، مقاله و مانند آن) انجام می‌شود.

۷۷. انتخاب موضوع بر پایه خودشناسی و موضوع‌شناسی

لازمه انتخاب صحیح موضوع پژوهش، خودشناسی است که می‌توان آن را در قالب دو پرسش زیر مطرح کرد:

۱. علاقه معطوف به تخصص من در چه حوزه‌ای است؟
 ۲. توانایی‌های من در حوزه پژوهش در چه زمینه‌هایی است؟
- علاقه محقق باید علاقه‌ای درونی باشد و تحت تأثیر اطرافیان و به عبارت دیگر، «حرف مردم» شکل نگرفته باشد. معمولاً افرادی در پژوهش موفق می‌شوند که به شکلی «مستمر» در یک یا چند حوزه‌های مطالعاتی فعالیت می‌کنند و آن را در طول زمان گسترش می‌دهند. علوم دینی با زحمت به دست می‌آید. پس نباید به فکر حل و فصل سریع همه مسایل و به قولی یک شبه دانشمند شدن باشید.

برای نیل به موضوع شناسی نیز باید به پاره‌ای پرسش‌ها پاسخ داد که عبارت‌اند از:

۱. در زمینه مورد علاقه من چه موضوعاتی وجود دارد؟
 ۲. در زمینه انتخابی من تا کنون چه کارهایی انجام شده است؟
 ۳. انجام چه تحقیقاتی، دوباره‌کاری و تکرار مکررات محسوب نمی‌شود؟
 ۴. امکانات من با کدام یک از حوزه‌های کار نشده دارای بیش‌ترین هماهنگی است؟
- پاسخ به این پرسش‌ها را باید با رجوع به کتابخانه و مطالعه فهرست‌های عناوین مقالات آخرین مجلات علمی، فهرست منابع آخرین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و پرس و جو و مشورت با اساتید و دوستان آگاه به دست آورد. نویسنده غالباً با چند پرسش ساده از دانشجویان متوجه شده است که ادعای بسیاری از آن‌ها مبنی بر اینکه «تحقیق من پیشینه مطالعاتی ندارد.» ناشی از عدم تحقیق کافی در این زمینه بوده است. گسترش جهل مرکب از بزرگ‌ترین خطرات فرا روی مطالعات علوم اسلامی است.

در خصوص موضوع یابی توجه به موارد زیر لازم است:

- در انتخاب موضوع نباید عجله کرد.
- انتخاب موضوع باید بر اساس علاقه خود محقق باشد، نه علاقه دیگران و یا مُد

روز! و نظایر آن.

- انتخاب موضوع باید بر اساس توانایی محقق باشد؛ یعنی او بتواند در آن زمینه «فکر» کند و «منابع و مراجع اصلی» آن مورد احاطه و دسترسی او باشد. داشته باشد.
- موضوع انتخاب شده، باید متضمن موضوع جدیدی در عنوان و محتوا باشد. این جدید بودن می تواند در نوآوری یعنی آنچه تاکنون دیگران انجام نداده اند، یا در قالب تکمیل کارهای قبلی صورت پذیرد.
- انتخاب موضوع باید متناسب باهدف مورد نظر باشد. برای مثال، انتخاب موضوع جهت پایان نامه باید نه آن چنان وسیع باشد که قابل جمع شدن در دوران دانشجویی نشود؛ و نه چندان محدود باشد که بیشتر متناسب با یک مقاله محدود به نظر آید.
- باید به فراخور توانایی علمی خویش وارد مباحث تخصصی علمی شد.
- پژوهش باید برای جامعه فایده عملی داشته باشد و از جهت فکری و فرهنگی بر آن اثر مثبت بگذارد. برای مثال، اینکه حرمسرای فلان پادشاه دارای چند نفر زن و خدمه و غیره بوده است و یا آنکه فلانی صبح پنجشنبه از دنیا رفته است و یا بعدازظهر آن، هیچ کمکی به مشکلات متعدد معرفتی و فرهنگی جامعه (به ویژه مسایل اساسی فرا روی نسل جوان کشور) نمی کند.
- یکی از ویژگی های پژوهش های علمی خوب، منتهی شدن آنها به عرصه های جدیدی برای پژوهش و ارائه پیشنهادهایی سازنده جهت پژوهشگران بعدی است. (لذا می توان از پیشنهاد های پژوهش های قبلی نیز یاری جست.)
- انتخاب موضوع باید با آگاهی بر مشکلات مادی و محدودیت های زمانی و توانایی های روشی محقق صورت پذیرد. (دویدی، ۲۰۰۲: ۴۰۰-۴۰۶ با تلخیص و تصرف)
- موضوع یابی باید به پرسش های اصلی پژوهش منتهی شود. موضوع یابی زمانی به پایان می رسد که پژوهشگر پرسش های اصلی پژوهش خود را یافته باشد. داشتن پرسش مشخص موجب می شود تا او موضوع پژوهش و محدوده های خود را بشناسد. پرسش فوق را باید در چارچوب طرح پژوهش به صورت عملیاتی تعریف کرد.

۷۸. پرسش قطب‌نمای پژوهش است.

اکنون زمان آن رسیده است که مفهوم پرسش تحقیق تشریح شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «ان هذا العلم علیه قفل و مفتاحه المسألة» «علم قفلی است که کلید آن پرسش است.» نویسنده‌ای که پرسش علمی خود را به درستی طراحی نکرده است، قطعاً در اثنای پژوهش، به بیراهه خواهد رفت، زیرا پرسش قطب‌نمای هدایت مسیر پژوهش است. پژوهش از «پرسش» (Question) آغاز می‌شود. پرسش اساس پژوهش بوده و موفقیت هر پژوهشی منوط به نحوه پرسشگری در آن است. آغازی خوب در کسب معرفت، از پرسشی خوب نشأت گرفته و چنانکه مرحوم علامه محمدتقی جعفری^(۵) بیان داشته است «طرح صحیح سؤال اساسی ترین عامل تسهیل جواب است. شناخت اینکه مسئله چیست و ابهام کجاست کار بزرگی است.» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۲) پیش از آنکه پژوهش به معنای یافتن پاسخ پرسشی باشد، یافتن «خود» پرسش است. همان گونه که بدون انجام تحقیق نمی‌توان به پاسخ پرسش رسید، یافتن پرسش مناسب نیز بدون انجام پژوهش میسر نخواهد بود و چنانکه بیان شد، مرحله موضوع یابی زمانی به اتمام می‌رسد که موضوعات مورد نظر در قالب پرسش‌هایی بیان شوند. این مسئله، مستلزم توجه بیشتری به مطالعه پیشینه تحقیق است. بدون در اختیار داشتن تصویر مناسبی از گذشته، نمی‌توان پژوهشی را به منظور کمک به ارتقای سطح دانش در آن رشته بنا کرد.

همچنین باید توجه داشت که برخی از پرسش‌ها بر پایه پاسخ به پرسش‌های دیگری مطرح می‌شوند. برای مثال، این پرسش که تفاوت دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر صدر پیرامون تأویل قرآن چیست؟ مبتنی بر یافتن پاسخ حداقل دو پرسش زیر است:

۱. دیدگاه علامه طباطبایی درباره تأویل قرآن چیست؟
۲. دیدگاه آیت‌الله سید محمدباقر صدر درباره تأویل قرآن چیست؟

۷۹. ضرورت وجود مشکل فکری در پرسش

اصالت کار هر پژوهشگر از پرسش‌های او معلوم می‌شود. این اصالت از خلال مشکل فکری مطرح در پرسش او قابل مشاهده است. وجود حداقل سه شرط در تبدیل یک پرسش به مشکل فکری (Problem) لازم است. این شروط سه‌گانه عبارت‌اند از:

۱. پرسش واجد امری مجهول باشد. (تا اصولاً بحث پیرامون آن عبث نباشد).
۲. این مجهول «معین» و «محدود» شود. (تا ذهن متوجه اصل موضوع شود).
۳. مبتنی بر منبع‌شناسی و آگاهی از پرسش‌های پیشین (مطالعات اکتشافی) باشد. غالباً تصور می‌شود که تحقیق عبارت است از کوشش به جهت نیل به پاسخ مسئله‌ای. حال آنکه اساس هر پژوهش در وهله اول مبتنی بر مسئله‌یابی و ساخت بهترین پرسش است.

برای مثال، پرسش‌های مقالات شماره از مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (ویژه الهیات و حقوق - سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۸۳) به شرح ذیل هستند:

- مقاله «معجزه ضرورتی دفاعی»: آیا معجزه یک وسیله دفاعی است و یا وسیله‌ای تبلیغی است؟
- مقاله «امامت در نگره قرآنی امام کاظم علیه‌السلام»: امامت در تفسیر قرآن توسط حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام، چگونه تبیین شده است؟
- مقاله «حقیقت گروهی، استراتژی اساسی در زبان قرآن»: آیا حفظ حقیقت قرآن در گروه رد هر گونه اذعان به مجاز و تأویل است؟ یا برای رسیدن به حقیقت قرآن باید از ظاهر متن خارج شد؟ آیا می‌توان بدون خروج از صورت ظاهر متن، به صورتی ضابطه‌مند تأویل را پذیرفت؟
- مقاله «حکمت‌های سوگند در قرآن»: هدف‌ها و کارکردهای سوگندهای خداوند متعال در قرآن چیست‌اند؟
- مقاله «تأویل و راسخان در علم»: آیا آگاهی از تأویل متشابهات، منحصر به خداوند است، یا راسخان در علم نیز تأویل متشابهات را می‌دانند؟ در این صورت راسخان در علم چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

- مقاله «آسیب شناسی فهم روایات (تعارض، علل و عوامل آن)»: علل پیدایش تعارض در فهم روایت کدام‌اند؟
 - مقاله «پژوهشی در حدیث طلب العلم فریضة»: بر اساس کدام ادله، مراد از علم در حدیث طلب علم، نه مطلق علوم که علوم مرتبط با اصول و فروع دین و اخلاق اسلامی است؟
 - مقاله «درآمدی بر علم تجوید» پیدایش علم تجوید به چه دوره‌ای بازمی‌گردد و سیر تحول این علم چگونه بوده است؟ روش دانشمندان تجوید در تحقیقات آوایی چه بوده است؟
- پرسش دربردارنده سخنی جدید باشد و تکرار باور معمول نباشد. یعنی از زاویه‌ای به موضوع نگریسته شود که دیگران تا کنون متوجه آن نشده بودند. لازمه کسب این ویژگی انجام مطالعات اکتشافی کافی به جهت تعیین شناخت کارهای علمی انجام‌شده و پی بردن به نتایج آن هاست. اینکه بدانیم آیا مسئله ما دارای پیشینه تحقیق بوده است یا خیر؟ و پژوهشگران قبلی چگونه مسئله را تشخیص داده و به حل آن پرداخته‌اند تا حدود زیادی در طرح خلاقانه پرسش به ما یاری خواهد کرد. پرسش باید متوجه آفرینش و تولید علم باشد. تولید علم زمانی صورت می‌پذیرد که چیزی فراتر از آنچه موجود است ارائه شود. به نحوی که حداقل بتوان گفت که بخشی از نتیجه پژوهش متضمن حرف جدیدی است. یک پرسشگر خوب قادر به دیدن اشکالات فکری در چیزهایی است که تا پیش از او مسلم، بدیهی و غیرقابل اعتنا دانسته می‌شد. شناخت این که «مشکل در کجاست» از بزرگ‌ترین و بنیادی‌ترین استعدادهای علمی بشر قلمداد می‌شود. علامه طباطبایی^(۵) پژوهشگر برجسته‌ای است که درست در همان چیزی که همه بدون فکر، توجه و دغدغه از کنارش گذشته‌اند، مشکل را می‌شناسد. مقدمه تفسیرش نشان از تفکر پویای ایشان در برخورد با روش تفسیری است. اگر چه ایشان یادآور می‌شوند که «طریقه نوینی که بیانات این کتاب بر آن اساس نهاده شده، طریقه‌ای جدید نیست، بلکه قدیمی‌ترین طریقه‌ای است که در فن تفسیر سلوک شده و طریقه معلمین تفسیر سلام الله علیهم است.» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۱) اما این بازشناخت و بازکاوی میراث غنی تفسیری، خود مسئله‌ای نوین در دوران حیات ایشان بوده است.

۸۰. هماهنگی عناصر پژوهش با پرسش‌های اصلی

عنوان پژوهش باید از پرسش اصلی آن ساخته شود. نتیجه‌گیری پژوهش باید پاسخ پرسش‌های آن باشد. فصول مختلف آن باید ارتباط معناداری با پرسش‌های محقق داشته باشند؛ بنابراین پرسش‌های هر پژوهش قطب‌نمای آن پژوهش هستند. هیچ‌گاه نباید موضوع تحقیق خود را با ساخت «عنوان» آغاز کرد. باید ابتدا مسئله علمی را در قالب یک یا چند پرسش بیان کرد. ساخت عنوانی برای یک مقاله و یا کتاب و پایان‌نامه بدون دانستن پرسش پژوهش عملی نادرست است. «ریمون کیوی» و «لوک وان کامپنهود» به درستی بیان داشته‌اند که «محقق باید در نظر داشته باشد که این پرسش آغازی است که در مراحل بعدی تحقیق، برای مثال، خواندن متون و یا مصاحبه‌های اکتشافی، راهنمای او خواهد شد. هر اندازه این راهنما دقیق‌تر باشد، تحقیق بهتر پیشرفت خواهد کرد. علاوه بر این با پرداختن و پیراستن پرسش آغازی است که محقق گسستن از پیش‌داوری‌ها و سوایق ذهنی را شروع می‌کند بالأخره، دلیل آخر ... این است که فرضیه‌های تحقیق که ستون پایه‌های آن را تشکیل می‌دهد، به صورت پیشنهاد‌های پاسخ به پرسش آغازی ظاهر می‌شود. (کیوی، ۱۳۷۹: ۳۰ - ۳۱)

۸۱. اسلوب بیانی پرسش: روان و مختصر و مفید

محقق باید پرسش خود را با روان‌ترین اسلوب بیانی و بدون استعمال واژه‌هایی دشوار و یا فریبنده تنظیم کند و آن را تا حد امکان مختصر و مفید بیان کند. همچنین در تحقیقات میدانی اصطلاحات به کاررفته در پرسش از قابلیت تعریف عملی برخوردار باشند. تناسب اسلوب بیانی پرسش‌ها باید متناسب با نوع پژوهش باشد. در هنگام طراحی پرسش، باید به نوع پژوهش، چه توصیفی (Descriptive) و چه معما گشا (Puzzle Solving Research) توجه کرد. برخی از پرسش‌ها ماهیتی نظری داشته و برخی دیگر ماهیتی کاربردی دارند. هر نوع پژوهشی طراحی پرسش خاص خود را می‌طلبد. در پژوهش‌های تحلیلی پرسش متضمن روابط علی و معلولی مد نظر پژوهشگر است. یکی از اشکال بیانی آن چنین است:

آیا میان ----- و ----- رابطه علی موجود است؟
 معلول / تأثیرپذیر علت / تأثیرگذار

و یا:

آیا ----- بر ----- تأثیرگذار بوده است؟
 علت / تأثیرگذار معلول / تأثیرپذیر

در بخش اول علت (و یا تأثیرگذار) و در بخش دوم معلول (و یا تأثیرپذیر) نوشته می‌شود. یکی از مزایای این شیوه پرسشگری آن است که با حذف واژه پرسش «آیا» به راحتی فرضیه ساخته می‌شود.

شیوه‌ای از پرسش‌های پژوهش‌های توصیفی چنین است:

وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه - (الف) - با دیدگاه - (ب) - در زمینه - (ج) - در چه مسایلی است؟ در اینجا (الف) طرف مقایسه ۱ و (ب) طرف مقایسه ۲ و (ج) وجه مقایسه میان آن دو است. برای مثال، وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه علامه طباطبایی با دیدگاه سید محمدباقر صدر در زمینه «تأویل قرآن» در چه مسایلی است؟ این گونه پرسش مناسب پژوهشی مقایسه‌ای است که دربردارنده دو طرف مقایسه به علاوه «وجه مقایسه» است. در این موارد، هیچ‌گاه بدون بیان «وجه مقایسه» نباید پرسش مطرح شود. همچنین طرفین مقایسه باید در حد و اندازه یکدیگر طراحی شوند. هیچ‌گاه نباید دو اندیشه یا اثری را که فاقد فضای مقایسه متناسبی با یکدیگر هستند، مورد مقایسه قرار داد. برای مثال، مقایسه نظرات علامه طباطبایی در خصوص «تجرد نفس» با اثری ضعیف (برای مثال، درجه سوم) در این حوزه (مانند مقایسه یک وزارتخانه با یک شرکت کوچک) نادرست و غیرعلمی است.

نمونه ای دیگر از اسلوب بیانی پرسش برای پژوهشی توصیفی چنین است: روش (دیدگاه / نظرگاه و ...) - (الف) - در زمینه - (ب) - چیست؟ در اینجا (الف) موضوع تحقیق و (ب) محدوده پژوهش است؛ مانند این پرسش که دیدگاه علامه طباطبایی در زمینه معیار ترجمه قرآن کریم چیست؟ این گونه پرسش درصدد روشن ساختن ماهیت امری است که از دید پرسشگر «مجهول» است. در رابطه با آن حداقل به دو نکته توجه شود: اول آنکه باید مطمئن شد که پرسش پژوهش دارای مجهولی واقعی است. چنانکه پیش تر بیان شد، پیش زمینه این امر در گرو انجام مطالعات مقدماتی و شناخت مطلوبی از تحقیقات انجام شده است. دوم آنکه باید به شیوه ای معقول دامنه مجهول مورد پرسش را محدود کرد.

برخی از پرسش ها موضوع پژوهش را در داخل دو گزینه مورد مطالعه قرار می دهند. برای مثال، آیت الله معرفت در مقاله ای این پرسش را مطرح می کند که آیا معجزه امری تبلیغی است و یا دفاعی؟ (معرفت، بهار ۱۳۸۳: ۷) این پرسش متعلق به پژوهشی توصیفی است و در حقیقت پرسش دربردارنده پاسخ احتمالی و نیز فرضیه آن است.

۸۲. توجه به تخصص، امکانات و محدودیت ها در طرح پرسش ها

طرح پرسش ها باید واقع بینانه و بر اساس توانایی های تخصصی، زمانی و مالی پژوهشگر طراحی شود. این امر به ویژه برای دانشجویان که زمان محدودی در اختیار دارند، حیاتی است.

«فرضیه» همان «ظن» در مفهوم منطقی است. ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) ظن حقیقی را عبارت از اعتقاد به وجود حالتی برای چیزی می داند که می تواند به آن حالت نباشد. (صلیب، ۱۳۸۳: ۴۵۰) معادل واژه فرضیه در زبان انگلیسی (Hypothesis) است که متشکل از دو جزء است: Hypo به معنای «کمتر از»، «کم اعتبار تر از» و Thesis به معنای «اصل»، «نظریه» است. در مقابل ظن «علم» است که بر امری صد درصد یقینی دلالت دارد. در بسیاری از پژوهش ها محقق به دنبال تبدیل ظن خود به علم است. مرحوم علامه طباطبایی^(ه) می نویسد:

کلمه ظن به معنای تصدیق بیش از پنجاه درصد و نرسیده به صد درصد است، زیرا که اگر به درجه صد در صد برسد، جزم و قطع می شود... (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۱) و

کلمه علم همچنان که گفتیم به معنای احتمال صد درصد است، به طوری که حتی یک درصد هم احتمال خلاف آن داده نمی‌شود. (همان: ۳۷۳)

به طور طبیعی، غالب دانشمندان علوم اسلامی نظیر مفسران قرآن، در کنار بیان علم خویش به ارائه احتمالاتی با امکان بیش از ۵۰ درصد مبادرت کرده‌اند و خود یا دیگران به بررسی آن احتمالات پرداخته‌اند؛ اما قرار دادن ظن به جای علم و یا «فرض‌گروی» در علمی چون علوم قرآنی که منجر به دگرگونی پیوسته و انکار یقین می‌شود، امری است که از هیچ محقق صاحب‌نظری انتظار نمی‌رود. (نک: آملی، ۱۳۷۹: ۱۵۹ - ۱۹۱) آیت‌الله جوادی آملی در شرح دیدگاه استاد خویش علامه طباطبائی می‌نویسند:

ششم: جناب استاد (رضوان الله تعالی علیه) آشنایی کامل به مبادی برهان، شرایط و مقدمات آن داشت و لذا هرگز برای فرضیه‌ای علمی، ارج برهان قائل نبود و آن را به منزله پای ایستا و ساکن پرگار می‌دانست که به اتکای آن پای دیگر پرگار حرکت کرده، دایره را ترسیم می‌کند. در حقیقت، ترسیم دایره از آن پای پویای پرگار است نه پای ایستای آن^۱ - لذا از استناد به هر گونه فرضیه‌ای غیر مبرهن در تفسیر آیه پرهیز می‌فرمود و پیشرفت علوم و صنایع را سند صحت آن فرضیه نمی‌دانست و همواره خطر احتمال تبدل آن فرضیه را به فرضیه دیگر در نظر داشت و می‌فرمود: ثابت را که قرآن کریم است نمی‌توان به متغیر که فرضیه‌های زودگذر علمی است تفسیر کرد و یا بر آن تطبیق داد، مگر آنکه به حدّ برهان تام عقلی می‌رسید که در این حال صلاحیت قرینه بودن برای ترجیح برخی از احتمال‌های تفسیری آیه را دارا می‌شد.^۲

۸۳. تنها برخی از تحقیقات فرضیه دارند.

چنانکه پیش‌تر بیان شد پژوهش با پرسش آغاز می‌شود. پرسش تحقیق به مانند یک قطب‌نما، جهت ادامه کار را به ما نشان می‌دهد. پس از طرح پرسش ممکن است محقق در برخی از مسایل دارای احتمالی اولیه باشد که بررسی آن را در اولویت تحقیق قرار دهد. از زمره علل اصلی‌ای که موجب می‌شود یک محقق دارای فرضیه باشد یکی اشراف بر

۱. وجه شبه در این تشبیه، نقش‌آفرینی برهان است نه محور اتکا بودن فرضیه علمی.

۲. به نقل از تفسیر موضوعی قرآن در قرآن حضرت آیت‌الله جوادی آملی، ص ۳۹۹، از سایت اسراء به

پیشینه موضوع و داشتن حدسی قریب به یقین و دیگری شناخت رویکردهای متعارض درباره موضوع مورد بحث و در نتیجه اشراف بر فرضیه های رقیب احتمالی است. همچنین کسانی که در پی آزمون یک نظریه هستند، هنگامی که قوانین نظریه شان را مقید به زمان و مکان و موضوع می کنند، در واقع آن ها را مبدل به فرضیه کرده اند؛ بنابراین پیش نیاز اصلی فرضیه سازی خوب، تسلط بر منبع شناسی و داشتن نگاهی چندبعدی (از زوایای مختلف) به مسئله است. به جهت شناخت بهتر فرضیه، پرسش زیر را مورد بررسی قرار می دهیم: «آیا معجزه امری تبلیغی است و یا دفاعی؟» در این پرسش:

۱. محقق درصدد بیان ماهیت کاربرد معجزه است.
 ۲. پرسش دارای دو گزینه احتمالی است. محقق اجمالاً می داند که «علم» در یکی از این دو گزینه قرار دارد.
 ۳. این دو گزینه، به عنوان مهم ترین گزینه های فرا روی محقق در این پرسش مطرح شده اند.
 ۴. ضمن آنکه ممکن است که پاسخ اصلی، هیچ یک از این دو گزینه نبوده و یا آنکه ترکیب و تعدیلی از هر دو باشد.
 ۵. انجام تحقیق به منظور تبدیل حالت احتمال به علم است.
 ۶. در این وضعیت، هر یک از این دو گزینه که از احتمال صحت بیشتری در نزد محقق برخوردارند، فرضیه نامیده می شود که تا پایان تحقیق واجد حکم علم نیست؛ اما پس از تحقیق، ممکن است که به عنوان علم پذیرفته شود.
- پس فرضیه پاسخ موقتی به پرسش تحقیق است که احتمال صحت آن داده می شود و تا زمانی که با روش معتبر مورد بررسی قرار نگرفته است، ارزش استناد علمی ندارد.
- برخی از مواردی که نیازمند طراحی فرضیه نیستند:
- آن دسته از پژوهش های مقایسه ای که پژوهشگر قادر به بیان فرضیه تا پیش از انجام مطالعه و یا مقایسه نباشد. به عبارت دیگر، سطح آگاهی های اولیه پژوهشگر از موضوع وی را قادر به پاسخ دادن به پرسش نمی گرداند. در این حالت - چنانکه پیش تر بیان کردیم - به جای فرضیه محدوده دقیق را که پاسخ پرسش در آن موجود است، مشخص می کنیم. توجه شود که نبود فرضیه در پژوهش به معنای نبود پرسش نیست.

- پژوهش‌هایی که مربوط به تصحیح کتاب‌های خطی هستند: مانند: «تصحیح و تحقیق در الناسخ و المنسوخ اثر ابو عبدالله اسفراینی» (رساله‌ای در دانشگاه تهران)
- برخی از پژوهش‌هایی که به صورت ترجمه و تحقیق هستند، نیازی به طرح فرضیه ندارند؛ مانند «ترجمه و تحقیق «الخرائج و الجرائح» اثر ابوالحسن سعید بن هبة الله مشهور به قطب‌الدین راوندی (رساله‌ای در دانشگاه تهران)
- نگارش فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌ها در درجه اول نیازمند تشریح دقیق روش‌شناسی آن است. در صورتی که هدف نویسندگان آن اثبات یا برتری دادن نظریه‌ای، برای مثال، در زبان‌شناسی نباشد، نیازمند فرضیه نیست.

۸۴. فرضیه پاسخی علمی به پرسش است.

- هر جمله‌ای را نمی‌توان فرضیه نامید. یک فرضیه خوب عبارت‌اند از:
۱. فرضیه باید پاسخ صریح و متناسب پرسش تحقیق است. برای مثال، این پرسش و پاسخ (انتخاب از پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد) را در نظر بگیرید:
انواع جهاد از دیدگاه قرآن کدام است؟ (پاسخ): قرآن به عنوان کتاب هدایت به بیان ریشه‌های جنگ در ابعاد فردی و اجتماعی پرداخته است.
 - آیا این پاسخ بر طرف‌کننده مجهول پرسش ماست؟ آیا در آن «انواع جهاد از دیدگاه قرآن» یک به یک شمرده شده است؟ مشاهده می‌کنیم که نه تنها پاسخ فوق با پرسش محقق نسبتی ندارد، بلکه در آن واژه «جهاد» به واژه غیرتخصصی «جنگ» ترجمه شده است. عدم رعایت وحدت رویه در پژوهش منجر به «از هر دری صحبت کردن» محقق می‌شود. آیا این‌گونه پاسخ دادن به پرسش‌ها منجر به گسترش معارف دینی می‌شود؟
 ۲. باید فرضیه به صورت یک جمله خبری و به صورت مثبت بیان شود. فرضیه یک عبارت مصدری، یا یک جمله پرسشی یا تعجبی نیست. فرضیه اصلی باید «جهت دار» Directional و در اسلوب مثبت طراحی شود. محقق باید همواره اثبات حق را در کنار نفی امور نادرست و باطل، در مرکزیت کار خود قرار دهد.

لذا فرضیه «اصلی» خود را به صورت منفی بیان نمی‌شود. فرضیه منفی در برابر فرضیه اصلی طراحی می‌شود برای مثال^۱،

- میان نحوه بهره برداری از مأخذ فقهی و اختلاف نظر در قضاوت قضات اسلامی رابطه علی موجود است.

- قرائات قرآن بر تطور مطالعات علم نحو تأثیرگذار بوده است.

- میان توبه و اسقاط حدود در فقه اسلامی رابطه علی موجود است. (این مطالعه می‌تواند به صورت مقایسه‌ای در مذاهب مختلف اسلامی صورت پذیرد).

فرضیه می‌تواند در اسلوب شرطی: اگر ----- پس ----- و یا هر چه بیشتر / کمتر --- پس بیشتر / کمتر و نظایر آن (در قالب قانون علمی محدودشده) استعمال شود. برای مثال، هر چه وحدت اعتقادی جامعه ای افزایش یابد، به همان میزان بر انسجام اجتماعی آن جامعه افزوده خواهد شد. اما این نمونه‌ها فرضیه نیستند:

«بررسی علل پیدایش اختلاف در تفسیر قرآن»؛ «میزان تاکید بر امر به معروف و نهی از منکر در متون اسلامی تا چه اندازه وسیع است!»؛ «نهضت ترجمه در قرن سوم هجری عجب تأثیری بر رشد علم کلام داشته است!»؛ «آیا فهم دینی امری عصری و سیال است؟»

۳. فرضیه باید شفاف، ساده و قابل فهم ادا شود. باید از به کار بردن عبارات طولانی غیر لازم و دو پهلوی طراحی فرضیه خودداری شود. در جمله‌بندی فرضیه از واژگان و عباراتی چون «بهتر است...»، «بدتر است...»، «شاید»، «خوب است که...» و نظایر آن‌ها استفاده نشود. برای مثال، فرضیه زیر (به نقل از یک پایان‌نامه) نادرست است:

با توجه به اینکه در جامعه ناگزیر از ایجاد روابط گوناگونی بین دختر و پسر هستیم و با عنایت به مسائلی که مبنی بر آزادی روابط به وجود آمده است، جامعه و خانواده باید به جوانان آموزش‌های کافی را در خصوص جنس مخالف و خصوصیات روحی و جسمی آن‌ها بدهند تا جوان با آگاهی کامل و با احترام گذاشتن به شخصیت فرد مقابل، بهترین رابطه که همان رابطه آگاهانه و محترمانه است را داشته باشند تا شاهد بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نباشیم.

۱. توجه شود که مثال‌های این کتاب جنبه آموزشی دارد.

به طولانی بودن متن فوق، عدم دقت و تمرکز نویسنده بر اصطلاحات تخصصی، روان نبودن جملات. توجه شود. اما این فرضیه می تواند در زمان و مکان معینی مورد بررسی قرار گیرد:

هر چه معارف دینی از طریق خانواده در فرزندان «درونی» شود، پس به همان میزان روابط میان انسان‌های جامعه بر پایه معیارهای دینی گسترش خواهد یافت. اکنون به این فرضیه نادرست زیر که عیناً از یک رساله دانشگاهی (با عنوان: قرآن از دیدگاه نهج‌البلاغه) نقل می‌شود، توجه کنید:

حضرت علی (علیه‌السلام) نخستین فردی بود که به خدای یگانه و به دعوت راستین پیامبر لبیک گفت و استفاده او به توحید و نبوت و معاد ناب و خالصانه و این اعتقاد ناب در رفتار و گفتار آن حضرت متجلی شده است. پس با احتمال صد در صد در نهج‌البلاغه باید سخنانی از امام پیرامون اصول اساسی دین وجود داشته باشد.

در این فرضیه به موارد زیر توجه شود: طولانی بودن متن فوق، عدم دقت نویسنده بر تمرکز بر اصطلاحات تخصصی، عدم تناسب فرضیه با «عنوان» پژوهش، کلی گویی نویسنده (در نهج‌البلاغه درباره اصول دین سخن به میان رفته است). آیا فرضیه نویسنده متضمن نکته جدیدی از دریای بی‌کران معارف الهی نهج‌البلاغه است؟ آیا نویسنده درصدد حل مشکلی فرهنگی و معرفتی در جامعه است؟

در ساخت فرضیه باید از استعمال واژگانی که استنباط فرضیه را به خواننده موکول می‌کند، خودداری کرد و هیچ‌گاه در داخل فرضیه از علامت (...) و یا واژه «و غیره» استفاده نشود؛ زیرا با این کار خواننده ممکن است به سلیقه خود فرضیه را تفسیر کند. ۴. در یک فرضیه خوب از اصطلاحات علمی به شکلی «دقیق» و «هدفمند» استفاده می‌شود.

هیچ‌گاه اصطلاحات غیرتخصصی را جایگزین اصطلاحات اصلی در فرضیه نکنید. عنوان یکی از پژوهش‌های یکی از مراکز پژوهشی چنین بوده است: «تحلیل تطبیقی تئوری عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) و غرب» صرف نظر از اشتباه در ترسیم فضای مقایسه‌ای در این پژوهش اطلاق واژه «تئوری» بر کلام معصوم (علیه‌السلام) - همانند اطلاق واژه فرضیه - صحیح نیست. فرضیه یکی از رساله‌های پژوهشی «محبت در قرآن» به این شیوه طراحی شده بود: «به نظر می‌رسد نیروی شگفت‌انگیز محبت است

که انسان را به کمال و درجات والای قرب الهی می‌رساند.» در این فرضیه استفاده از واژه «شگفت انگیز» بی‌مورد است. همچنین نیازی به بیان «به نظر می‌رسد» نیست.

۵. فرضیه باید محدوده مشخصی داشته باشد و باید بتوان فرضیه را با روش معتبری مورد بررسی قرار داد.

در تعیین محدوده فرضیه نباید افراط و تفریط شود. فرضیه باید در حد توانایی محقق باشد. نیز در تنظیم فرضیه خود به تناسب شیوه استنباط آن (فقهی، تاریخی، تجربی و ...) توجه کنید.

۶. فرضیه در پژوهش‌های تحلیلی متضمن روابط علی و معلولی مد نظر است. برای مثال، این فرضیه که (هر چه روحیه «تجمل گرایی» در انسان افزایش یابد به همان نسبت ایمان دینی در آن جامعه کاسته می‌شود) بیان می‌کند که تجمل گرایی «تأثیرگذار» بر ایمان دینی (تأثیرپذیر) است؛ و یا در این فرضیه که (سنت «وقف» بر گسترش معارف شیعی در عصر صفویه تأثیرگذار بوده است). سنت «وقف» تأثیرگذار و «گسترش معارف شیعی» تأثیرپذیر است.

۷. (در صورت لزوم) باید فرضیه را بنا بر متغیرهای مکمل به دیگر فرضیه‌ها پیوند داد. در طراحی فرضیه باید توجه داشت که آیا به اندازه کافی از متغیرها استفاده شده است یا خیر؟ نباید هیچ گاه نباید یک متغیر را چنان بزرگ کرد که قادر به دیدن دیگر متغیرها و جنبه‌های مسئله نشد.

در این شیوه از فرضیه سازی می‌توان مجموعه‌ای از متغیرها را در قالب یک فرضیه بیان کرد و یا اینکه آن را به شیوه چند فرضیه بیان کرد. در این حالت به ازای هر متغیر با یک فرضیه سروکار داریم. برای مثال، به این فرضیه (مثال آموزشی) توجه شود:

علل سیاسی رواج شرق شناسی در شمال آفریقا در قرن ۱۹ عبارت است از:

به فرمانروایی رسیدن حکمرانانی متأثر از فرهنگ اروپایی

تبلیغ دینی و اشاعه فرهنگ مسیحی و اروپایی در جوامع اسلامی

ضعف خلافت عثمانی

اشغال الجزایر به توسط فرانسه

حملة ناپلئون به مصر

۸۵. تناسب فرضیه‌ها با نوع پژوهش

برای طراحی فرضیه روش‌های مختلفی موجود است که بسته به اقتضای تحقیق خویش از آن استفاده می‌شود. یکی از شیوه‌های مناسب در ایجاد مهارت در ساخت فرضیه، مطالعه «آگاهانه» کتاب‌های برجسته دینی، باهدف شناخت نحوه استدلال، شیوه طبقه‌بندی موضوعات علمی و روابط علی و معلولی مد نظر نویسنده است.

اولین پاسخ شما به پرسش تحقیق آخرین پاسخ شما نباشد. سعی کنید در قبال هر پرسش علمی چندین پاسخ منطقی ارائه کنید. ممکن است که فرضیه شما در نهایت ترکیبی از مجموعه فرضیات اولیه شما باشد. کوشش شود تا در قبال مسایل مختلف وسعت نظر بالایی کسب شود.

چند شیوه بیانی فرضیه عبارت‌اند از:

----(علت / تأثیرگذار)---- در تکوین / در ایجاد / در شکل‌گیری ----(معلول / تأثیرپذیر)---- اثرگذار است.

مانند: (به کارگیری روش هرمنوتیک در تفسیر نصوص دینی منجر به تبدیل حکم شناسی به شرایط شناسی می‌شود) و یا (خواندن آیات قرآن کریم بر کاهش درد بیماران اثرگذار است).

شیوه دیگر چنین است: میان - (علت / تأثیرگذار)---- و ----(معلول / تأثیرپذیر)- رابطه موجود است؛ مانند (میان مذهب اعتقادی دانشمندان علم نحو و شیوه استدلال نحوی ایشان رابطه موجود است). در چنین فرضیاتی روابط موجود میان متغیرها ممکن است متقابل باشد.

شیوه دیگر بیان فرضیه

وجوه اشتراک / اختلاف میان - (طرف اول مقایسه) - و - (طرف دوم مقایسه) -- در زمینه (یا از دیدگاه) - (وجه مقایسه) عبارت است از: ۱. ۲. ... ۳. (موارد به اندازه کافی بیان شوند).

البته معمولاً مطالعات مقایسه‌ای فاقد بیان فرضیه کاملی هستند. زیرا تا مقایسه صورت نگیرد، وجوه مختلف تشابه و تضاد میان طرفین مقایسه آشکار نخواهند شد؛ بنابراین تنها کسانی قادر به طرح فرضیه در این موارد هستند که مطالعات قبلی مناسبی در موضوع

انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف ۱۳۱

بوده باشند. در این صورت، بیان کافی موارد مورد نیاز فرضیه در واژگانی سنجیده و متناسب نقطه قوت پژوهش محسوب می‌شود.

در وضعیتی که محقق قادر به بیان احتمال اولیه نیست، باید به جای فرضیه، به تعیین دقیق محدوده پاسخ پرسش که در این نوع سئوالات شامل سه بخش طرفین مقایسه و وجه مقایسه است، پردازد. پس در این حالت، به جای بیان فرضیه به تعیین حدود مسئله مانند مکان، زمان و ابعاد موضوع مورد نظر می‌پردازیم.

شیوه دیگر طرح فرضیه استفاده از قانون علمی است که جهت اثبات آن باید محدوده آن را مشخص کرد. (برای مثال، محدود به یک شهر و یا مدرسه در دوره زمانی مشخص)

هر چه ----- بیشتر (/ کمتر) شود، پس ----- بیشتر (/ کمتر) می‌شود
مانند: (هر چه «روحیه تجمل گرایی» در یک جامعه بیشتر شود، پس به همان میزان از «رفتارهای معنوی» اعضای جامعه کاسته می‌شود.)

در این اسلوب با «قانون علمی» سر و کار داریم و جهت صحت اثبات فرضیه خویش نیازمند محدود ساختن آن هستیم. لذا به جای یک جامعه باید به مکان مد نظر خود اشاره کنیم. این مکان می‌تواند با توجه به قصص قرآنی شامل یکی از امت‌های پیشین باشد و یا در یک بررسی عملی شهر تهران انتخاب شود. همچنین باید مراد خود از رفتار معنوی را با تعریف دقیق به همراه مثال‌های کافی برای آن بازگو کرد.
شیوه دیگر به این صورت است:

--- الف ----- به صورت ---- ب ----- است.

این شیوه ساده ترین شکل یک فرضیه توصیفی است که به توصیف مسئله بدون ورود به تشریح علل شکل گیری آن اختصاص دارد. پژوهشگر بنا بر نوع پرسش خود از این نوع فرضیات استفاده می کند. برای مثال، (اسلام از دید تشیع دارای پنج رکن اساسی است: ۱. اصول عقاید ۲. اخلاقیات ۳. موضوعات ۴. احکام اولیه ۵. احکام ثانویه)

اما شیوه دیگر به تحلیل علل شکل گیری موضوع اختصاص دارد؛ مانند:

علل ----- عبارت است از:

۱. -----

۲. -----

۳. ----- (متغیرها به تعداد کافی آورده شوند).

مثال:

علل «عدم تولید علم» در رشته‌های علوم انسانی در ایران عبارت است از:

۱. از میان رفتن سنت فکری پیوسته بومی،
۲. عدم طرح موضوع مبتنی بر نیاز واقعی جامعه،
۳. نگاه غربی به جامعه ایران، تعمیم شرایط غرب بر تاریخ و فرهنگ ایران در نظریه‌پردازی‌ها،
۴. عدم استفاده از روش شناسایی مطلوب،
۵. نبود اعتقاد به کار گروهی.

۸۶. یا فرضیه اصلی یا «فرضیه رقیب».

فرضیه رقیب توضیح دیگری از مسئله است که از نظر منطقی در مقابل فرضیه اول به کار می‌رود. به عبارت دیگر، می‌توان نسبت فرضیه اصلی با فرضیه رقیب را چنین بیان کرد: یا فرضیه اصلی و یا فرضیه رقیب.

ممکن است فرضیه اصلی با اتمام پژوهش، «رد» و یا «اصلاح» شود و یا حتی با فرضیه رقیب «ادغام» شود و از آن وجه سومی حاصل شود. هیچ‌گاه نباید نسبت به فرضیه پژوهش خویش تعصب بی‌مورد نشان داد و چنانکه گفته شد فرضیه‌ها مادامی که با روش صحیح علمی مورد بررسی قرار نگیرند، «علم» نیستند.

هم فرضیه اصلی و هم فرضیه رقیب، ظن و غیر علم هستند؛ اما علت انتخاب یکی به عنوان فرضیه اصلی بر اساس جدی تلقی کردن و نزدیک به علم دانستن آن از سوی محقق است. هر چند که با بیان معکوس فرضیه اصلی می‌توان فرضیه رقیب خود را ساخت، اما توصیه می‌شود که فرضیه رقیب از موضوعات زنده و از دیدگاه‌های مقابلی که در عرصه مباحث دینی و فرهنگی موجود است، انتخاب شود؛ مانند دیدگاه صامت بودن قرآن در مقابل ناطق بودن آن.

۸۷. ضرورت بین‌الذهانی کردن واژگان پژوهش

واژه تعریف (definition) واژه‌ای عربی از ریشه (عرف) و مترادف واژه «تحدید» است. در لغت به معانی شناساندن، معرفی کردن، آگاهی، شرح، توضیح، تصریح، تشخیص، تبیین ... آمده است. این واژه در مقابل «تنکیر» قرار دارد که از معانی آن ناآگاهی و بی‌خبر بودن از چیزی است.

در پرسش و فرضیه پژوهش واژگان مختلفی بیان می‌شوند. برخی از این واژگان مانند: «است»، «هست»، «و» و نظایر آن از زمره واژگان غیرتخصصی جملات و عبارات ما بوده و نقش ربط، اسناد و برقراری دیگر حالات بیانی را بر عهده دارند؛ اما دسته‌ای دیگر از واژگان جملات ما (به ویژه در پرسش و فرضیه تحقیق) شامل اصطلاحات اساسی علم مورد بحث می‌شوند. کلماتی که متضمن مفاهیم اصلی مد نظر پژوهش بوده و تا معنای این واژگان برای پژوهشگر دانسته نشود پژوهش وی پیشرفتی نخواهد داشت.

«تعریف» در اصطلاح روش تحقیق عبارت است: روشن کردن فضای مفهومی واژگان اصلی پژوهش به جهت بین‌ذهنی کردن آن میان مخاطبان پژوهش. (پیش‌فرض آن است که خود محقق از تعریف واژگان تحقیق خود باخبر است.)

بدون بین‌الذهانی کردن واژگان تحقیق نمی‌توان مطالب آن را به خواننده منتقل کرد. انتقال علم در گروه تعریف فضای مفهومی واژگانی تخصصی است. برای مثال، شخصی درصدد انجام پژوهشی در زمینه حجیت اقسام اجماع در علم اصول است. این اصطلاح در علم اصول به شیوه‌های مختلف به کار رفته است. اولین کار باید ارائه تعریفی دقیق از واژه «اجماع» (و نیز حجیت) باشد. تا تعریف این دو واژه معلوم نشود، نمی‌توان وارد پژوهش درباره آن‌ها شد.

۸۸. توافق در تعاریف، شرط گفت‌وگو با دیگران

در برخی از پژوهش‌ها نیازمند توجه به تعاریف مشترک هستیم؛ یعنی قدر مشترک مفاهیم واژگان در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در گفت‌وگوهای بین‌ادیان و یا مذاهب اسلامی، ابتدا کوشش می‌شود تا تعاریفی که مورد قبول همگان است، ارائه شوند. هرچه معرف‌های مشترک مفاهیم واژگانی بیشتر باشد، امکان وفاق بیشتر می‌شود.

۸۹. مآخذ تعاریف لغوی باید مراجع معتبر باشند.

تعاریف پژوهش‌های علمی دارای مشخص‌های زیر است. اول آنکه در کوتاه‌ترین عبارات تنظیم شده‌اند. همچنین متمرکز بر تعریف مختار محقق هستند و عاری از نقل قول‌های بی‌هدف هستند. دوم آنکه با توجه به ماهیت پژوهش خویش تنها از زاویه تخصص مربوطه به تعریف واژگان می‌پردازند.

در پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی اصطلاحات موجود در پرسش، فرضیه و عنوان نیازمند پژوهش هستند.

به طور کلی در تعریف واژگان پژوهش، از این روش استفاده شود:

- اصطلاحات اصلی تحقیق خود را در یک فهرست (به ترتیب الفبا) آورده شود. در اثنای پژوهش، ممکن است بر تعداد آن‌ها افزوده شود.
 - ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی آن‌ها را، با استفاده از منابع و روش متناسب، استخراج شود.
 - چنانکه گفته شد، نباید بخش تعاریف را به مجموعه‌ای از نقل قول‌های به هم چسبیده مبدل کرد.
 - تنها به مواردی باید پرداخت که به پژوهش مربوط است. حواشی بحث نباید د جای متن اصلی را اشغال کند.
 - و در خاتمه تعریف منتخب به همراه حداقل دو مثال بیان شود.
- برخی از فرهنگ‌های مناسب تحقیقات دینی به جهت بررسی لغوی واژگان عربی مورد نظر عبارت‌اند از:
- الصحاح اثر جوهری ابی نصر اسماعیل بن حماد (۳۹۳ ق) لسان العرب اثر ابن مکرّم بن منظور الافریقی (۷۱۱ ق)
 - القاموس المحيط اثر فیروزآبادی مجدالدین محمد یعقوب (۸۱۷ ق) که مرتضی زبیدی در کتاب تاج العروس آن را در ده جزء شرح کرده است.
 - اساس البلاغة اثر زمخشری (۴۶۷ - ۵۳۸ ق) صاحب الکشاف

انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف ۱۳۵

- المخصص اثر شیخ ابی الحسن علی بن اسماعیل نحوی و زبان‌شناس اندلسی معروف به ابن سیده (۴۵۸ ق)

- معجم مقاییس اللغة اثر ابن فارس (متوفی ۳۹۵ ق)

- العین اثر خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی حدود ۱۷۰ ق)

- المفردات اثر راغب اصفهانی

- التهذیب اثر الازهری (نک: الطویل: ۲۰۰۳، ۹۸-۹۹)

- و از آثار جدید کتاب التحقيق فی کلمات القرآن مرحوم علامه مصطفوی^(۵)

استاد علامه حسن‌زاده آملی در توصیف مرحوم آیت‌الله شعرانی^(۵) می‌گویند:

از خصایص دیگر ایشان این بود که دست به هر کتابی دراز نمی‌کرد، حتی المنجد در

میان کتاب‌هایش نبود و خودش صریحاً فرمود: این کتاب منجد را برای دانشجوهای

مدارس نوشته‌اند، نه برای عالم روحانی. ملا دست می‌برد به کتاب‌های علمی اساسی

لغت، به جمهره ابن‌درید، تاج العروس و صحاح، به این جور کتاب‌ها که کتاب است، نه

به منجذی که برای بچه‌های مدرسه نوشته‌اند.^۱

تعاریف لغوی و اصطلاحی باید به گونه‌ای مکمل یکدیگر آورده شوند. در تعاریف واژگان اساسی پژوهش خود هیچ‌گاه نباید به فرهنگ‌های غیرتخصصی مراجعه شود. در مطالعات قرآنی به جای استفاده از آثاری چون «مفردات» راغب اصفهانی (و دیگر فرهنگ‌های تخصصی قرآنی) به سراغ «الرائد» جبران مسعود نباید رفت. بنابراین همواره جنبه تخصصی فرهنگ‌های علوم انسانی را باید رعایت کرد.

۹۰. شرط قابلیت مشاهده و سنجش شرط در پژوهش‌های تجربی

برخی از تعاریف مناسب پژوهش‌های کاربردی در حوزه علوم اجتماعی هستند. به این تعاریف، تعاریف اجرایی operational گفته می‌شود. برای مثال، تعریف واژه «ثروتمند» در لغت با نشان دادن عملی شخص ثروتمند در جامعه ما دو مقوله به هم مرتبط ولی

۱. در واقع آن مرحوم درصدد ترغیب شاگردان خود به استفاده از کتاب‌های اساسی و رعایت استفاده از منابع درجه اول بوده است. نک: روزنامه اطلاعات: ۲/ ۸ / ۱۳۸۴. شماره ۲۳۴۷۵، ص ۶. (با عنوان: شیخ بهایی روزگار. به مناسبت بزرگداشت مرحوم آیت‌الله شعرانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).

متفاوت هستند. در فرهنگ لغت با تعاریف قراردادی در فرهنگ‌هایی نظیر لغتنامه دهخدا سروکار داریم؛ اما در تعاریف عملی نیازمند یافتن معرف‌هایی هستیم که به طور دقیق نشان دهد که از نظر مردم آن جامعه (یا نظر رسمی حکومت که می‌تواند متفاوت از عرف جامعه باشد) داشتن چه سقفی از مادیات، فرد را در زمره افراد ثروتمند قرار می‌دهد. لذا برای انجام تعاریف عملی نیازمند پژوهش در سطح جامعه هستیم. که در بسیاری از موارد مانند مثال بیان شده با مشکلات بسیاری همراه است. زیرا اگر در جامعه‌ای ثروت، ملاک اصلی مقایسه‌های مثبت اجتماعی شود، در آن صورت افراد وارد رقابت «پز عالی، جیب خالی» می‌شوند. در نتیجه نمایش ثروت، موجب می‌شود تا وضعیتی گول زننده حاکم شود. برخی از معرف‌های تعریف عملی ثروت عبارت‌اند از: نوع منزل و ارزش مادی آن وسایل منزل و ارزش مادی آن‌ها؛ لباس و زیورآلات و ارزش مادی آن‌ها؛ ماشین شخصی و نظایر آن. این معیارها با گذشت زمان دچار تحول می‌شوند و از آنجا که نهایت تعریف عملی تبدیل آن به مقادیر کمی و مشخص است، نیازمند تبدیل آن به کمیت مناسب با زمان و مکان جامعه مورد مطالعه هستیم. برای مثال، چه میزان درآمد ماهیانه، چه مدلی برای اتومبیل، چه منزلی، در کجا، با چه مساحت و مصالح ساختمانی شخص را در زمره ثروتمندان قرار می‌دهد؟ (نک: رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۶ به بعد)

برای مثال، دکتر فرامرز رفیع پور در پژوهشی با عنوان «تغییر ارزش‌ها در آیین سینما و مطبوعات» به جهت مشخص ساختن فضای مفهومی ارزش می‌نویسد:

ارزش‌های مورد بررسی: مهم‌ترین ارزش‌های مورد بررسی عبارت بودند از:

- میزان مشروعیت بخشیدن به ثروت و تبدیل آن به یک ارزش مثبت،
- میزان تأیید و مشروعیت دادن به نابرابری‌های اجتماعی یا کاهش آن،
- میزان گستردن ارزش مادی‌گرایی و سودجویی یا کاهش آن،
- میزان گسترش ارزش و روحیه مصرف‌گرایی یا کاهش آن،
- میزان تقویت و یا تضعیف ارزش‌های مذهبی.

به منظور بررسی میزان انتقال ارزش‌های نوع اول تا چهارم، یعنی انتقال ارزش ثروت، نابرابری، مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی، معرف‌های زیر در نظر گرفته شدند:

- نوع منزل و ارزش مادی آن،
- وسایل منزل و ارزش مادی آن‌ها،

لباس و زیورآلات هنرپیشه‌ها و ارزش مادی آن‌ها.

برای بررسی میزان انتقال ارزش‌های مذهبی از نمادهای مذهبی (نظیر حجاب و ریش) استفاده شد. البته معرف‌های دیگری نیز همچون وسایل نقلیه مورد استفاده و ارزش مادی آن‌ها، آرایش هنرپیشه‌ها، رفتارها و عمل‌های مذهبی (از جمله الفاظ به کار گرفته شده)، میزان انتقال ارزش‌های انقلابی و میزان انتقال ارزش‌های مربوط به گروه مرجع غربی یا هویت ملی بررسی شدند که نتایج آن‌ها به طور انفرادی برای هر فیلم مفید است اما از آنجا که برای مقایسه فیلم‌ها با یکدیگر، مناسب نبودند، از نتایج آن‌ها چشم‌پوشی شد. ...» (رفیع پور، ب ۱۳۷۸: ۹) «... همکاران و دستیاران محقق پس از استخراج اشیاء و وسایل در هر فیلم یا مجموعه، به فروشگاه‌های مختلف مراجعه کرده و قیمت تک تک وسایل را که در هر فیلم بسیار متنوع و تعدادشان بسیار زیاد بوده است، از چندین فروشگاه پرسیده‌اند، گر چه فروشندگان نمی‌توانستند برخی از وسایل قدیمی و کم ارزش را ارزیابی کنند. دیگر این که چون قیمت‌ها به سرعت در حال تغییر بوده و هستند، به منظور دست یافتن به مقیاس ثابت تر، قیمت‌ها نسبت به سال مورد نظر و همچنین به قیمت دلار آن زمان استخراج و تبدیل شده است. ... (همان: ۱۲)

۹۱. نام‌گذاری و انتخاب واژگان باید دقیق باشد.

تعریف بی‌هدف از واژگان تحقیق از منظر رشته‌های علمی غیر مرتبط محقق را از هدف اصلی خود دور می‌کند. باید معادل‌های واژگان مورد تفکر در زبان‌های دیگر را دانست؛ اما نباید واژگان بیگانه را زبان اصلی خود کنیم. ما متعلق به ملت و تمدنی هستیم که از سنت‌های محکمی در ادبیات، حکمت و فلسفه، تاریخ، برخوردار است. چرا یک فرد دانشگاهی به جای واژه «مرحله» از واژه «فاز» Phase و یا به جای واژه «مجرأ» یا «مسیر عبور ...» از واژه «کانال» Canal استفاده می‌کند؟ البته غالب این استعمالات ناآگاهانه (و احتمالاً تا حد زیادی ناشی از عدم همکاری نظام‌مند اهل فرهنگ در زمینه معادل‌یابی واژگان بیگانه) هستند.

در یک رساله علمی نباید از اصطلاحات غیرتخصصی مانند استفاده از نبرد به جای جهاد و یا در متون تاریخی قدیم استفاده از ملت (Nation) به جای رعیت و یا در مطالعه تاریخ صدر اسلام استفاده از انتخابات به جای بیعت استفاده کرد.

بدون وجود دلیل موجهی نباید اصطلاحات رایج در علم مورد نظر را تغییر ندید. برای مثال، صبحی صالح می‌نویسد که در زبان عرب معروف است که فرقی بین «حدثنا فلان» یا «اخبّرنا» یا «أبنا» یا «ذكر لنا» یا «قال لنا» وجود ندارد. (صالح، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰) این بیان از منظر علم الحديث اهل سنت مطرح شده است؛ اما همان گونه که مرحوم استاد غفاری^(۶) بیان داشته‌اند، در نزد علمای امامیه اصطلاحات به شکلی دقیق مطرح است که ضمن افادهٔ تحدیث، احتمال تدلیس را از میان می‌برد. برای مثال:

حدثنی: زمانی است که شیخ را ملاقات کرده و حدیث یا کتاب را با اجازهٔ روایت از او گرفته باشد.

حدثنا: زمانی است که حدیث را فقط در درس رسمی از او شنیده است.

اخبّرني: زمانی است که شیخ را ملاقات نکرده و شیخ کتاب خود را برای او (راوی) با اجازهٔ روایت کتباً فرستاده باشد.

اخبّرنا: هر کجا که برای جماعتی فرستاده باشد که بر آن‌ها قرائت شود و خود بر آن‌ها نخوانده باشد. (همان: ۶۹، پاورقی ۹)

مثال و تمرین

دکتر محمد عابد الجابری در پایان کتابی که دربارهٔ ابن خلدون تألیف کرده است، فرهنگ اصطلاحات پرکاربرد را که ابن خلدون در مقدمه کتاب تاریخش به کار برده برده است، در ۶۱ اصطلاح آورده است. در این بخش چند نمونه از تعاریف او را نقل می‌شود که در مطالعهٔ آن به مواردی چون «کوشش نویسندگان در ارائهٔ مختصر و مفید مطالب»، «کوشش نویسندگان در تعریف واژگان بر اساس متن مقدمه ابن خلدون؛ ولو آنکه ابن خلدون خود مستقیماً واژه را تعریف نکرده باشد.» و «کوشش نویسندگان در استفاده از اصطلاحات اصلی آثار ابن خلدون و ارائهٔ مثال‌ها، شواهد بیان و نقل قول‌های مستقیم مناسبی از آن.» توجه شود. با مطالعهٔ نمونهٔ تعاریف زیر، چند اصطلاح علوم قرآنی را انتخاب کنید و آن‌ها را از زاویهٔ نگاه یک شخصیت برجستهٔ قرآنی تعریف کنید.

توحش:

ابن خلدون بدون در نظر گرفتن معنای تحقیر، این واژه را بسیار استعمال کرده است و مراد وی از آن، شیوهٔ عام رفتار و سلوک قبایل منفرد و در انزوا در بادیه و

خصوصاً صحرائشینان است.

«الامم الوحشیة»: قبایلی که در زندگی بادیه‌نشینی فرو رفته، با غیر خود آمیزش نکرده و در سرزمین‌های کم آب و علف در حال کوچ‌اند:

شتربانی منجر شده تا عرب توحش وار در صحراها و زمین‌های بی آب و علف بادیه زندگی کند. (ج ۳، ص ۹۲۹)

و از این رو: عرب بیش از دیگر ملت‌ها به بادیه‌نشینی متصف هستند و در دورترین دشت‌های خشک رفت‌وآمد می‌کنند. (ج ۲، ص ۴۵۶)

– «خلق التوحش»: «طبیعة التوحش»، «عوائد التوحش» ... عبارت است از تمامی صفات و ویژگی‌های روحی و جسمی که به بادیه‌نشینان در حال کوچ در سرزمین‌های خشک تعلق می‌گیرد. این ویژگی‌ها نتیجه شرایط طبیعی و معاش سختی است که صحرا برایشان تحمیل می‌کند. نظیر: شجاعت، کرم، زیر بار ظلم و ستم نرفتن، جنگجویی و افتخار به آن و ... (ج ۲، ص ۴۵۴-۴۵۵)

جاه:

نیروی است که دارنده خود را بر انجام هر تصرف و عمل آزادانه در قبال هم‌نوعان زبردستش چه با اجازه و یا منع و بازداشتن قادر می‌سازد. (ج ۳، ص ۹۱۰) از این رو جاه در این معنا «سلطه» است.

«الجاه مفید للمال»:

ابن‌خلدون جاه را مهم‌ترین منبع ثروت و غنی می‌داند: ... اگر جاه توسعه داشته باشد نتایج و سود آن فراوان خواهد بود و اگر محدود باشد، به همان نسبت سود اندکی خواهد داشت. «کسانی که فاقد جاه باشند: «بهره‌ای بیش از حداقل زندگی نمی‌برند. (ج ۳، ص ۹۱۰)

جیل:

نسل، امت. مراد از امت، قبیله‌ای بسیار بزرگ یا مجموعه قبایلی است که از طریق «نسب» با یکدیگر در ارتباط‌اند.

الف. در این معنا ابن‌خلدون واژه «جیل» را استعمال کرده است.

... تفاوت قبایل و شعوب^۱ با یکدیگر در امور و احوالشان، نتیجه تفاوت ایشان در شیوه معاششان است. (ج ۲، ص ۴۰۷)

ب. گاهی این واژه به معنای اخص استعمال شده و به مرحله یا سطح معینی از مراحل و سطوح پیشرفت بشری چون شهرنشینی و تمدن دلالت می کند. که از زمره این استعمالات عبارت اند از:

«اجیال البدو» (مراحل بادیه نشینی)

«اجیال الحضرة» (مراحل شهرنشینی)

«جیل العرب فی الخلقه طبیعی» (ج ۲، ص ۴۰۹) و معنای عبارت اخیر آن است که اسلوب خاص «عرب و آنچه به معنای عرب افزوده می شود». (م ۳۶) مرحله ای طبیعی در کردار پیشرفت بشری است چرا که اسلوبی در زندگی و شیوه ای در حیات بوده که تحت تأثیر شرایط طبیعی و معاش مناطق سکونتشان قرار دارد.

ج. الاجیال الحادثة. (ج ۲، ص ۴۸۴) به معنای نسل های جدید (بعدی).

حسب:

به نسب شریف و صفات و ویژگی های پسندیده اطلاق می شود و صفات نیکو در پیدایش آن اهمیت دارد:

شرف و حسب از راه خصال و ملکات نیکو حاصل می شود. و «پس معنای حسب به اصل و نسب بازمی گردد. (ج ۲، ص ۴۳۱)

– الحسب بالحقیقة او بالاصالة: مبتنی بر ثمره و نتیجه نسب یعنی عصبیت است.

«حسب و نسب در میان خداوندان عصبیت حقیقی و اصالت داراست. چرا که ایشان

از «ثمره نسب» = عصبیت برخوردارند و به تفاوت عصبیت – که راز بزرگی ایشان

است – خانواده در شرف و بزرگی مختلف اند.» (ج ۲، ص ۴۳۲) از این رو در نظر

ابن خلدون، حسب خاص خداوندان عصبیت بادیه نشین است.

– الحسب بالمجاز: به بزرگی حاصله از نسب که «فاقد عصبیت» باشد، اطلاق

می‌شود. این نوع حسب به شهرها اختصاص دارد.

... اگر حسب را در میان ساکنان شهرها (اهل الامصار = م ۳۸) در نظر گیریم، به این معنا خواهد بود که فردی از ایشان، آباء و اجداد خود را که متصف به خصال نیکو و هم‌نشین نیکوکاران بوده‌اند در حسب خود بر می‌شمرد ... درحالی‌که این حسب به معنای استعمال حقیقی آن نیست. (ج ۲، ص ۴۳۲) «زیرا شرف و بزرگی حقیقی تنها به اهل عصیبت اختصاص دارد. (ج ۲، ص ۴۳۳).

– الحسب بالمَجَاز: همچنین بر بزرگی‌ای که «موالی» (م ۵۶) و بندگان از خواجگان به دست می‌آورند، دلالت دارد.

حضارة:

ضد «بداوة». شهرنشینی در مقابل بادیه‌نشینی است و حضر بر اهل شهرها یعنی افرادی که در شهرها و بلاد «حضور» دارند، دلالت می‌کند.

الف. حضارة در اصطلاح ابن خلدون عبارت است از: «تفنن در ناز و نعمت و احکام صنایع متداول در قالب شیوه‌ها و انواع گوناگون آن از قبیل امور آشپزخانه‌ها، پوشیدنی‌ها، ساختمان‌ها و گسترده‌ها و وسایل و سایر امور خانه‌داری» (ج ۲، ص ۴۸۸) از این رو «حضارة» بیانگر شیوه زندگی آریستوکراسی حاکمان مقیم در پایتخت و نوع زندگی از قبیل «امارة» است. یعنی جماعت حاکمی که با گذشت دورانی از زندگی در شهر، بادیه‌نشینی و خشونت آن را (م ۱۰) فراموش کرده و به صورت سربار اطرافیان خود و جامعه، مصرف‌کننده و بدون تولید درآمده‌اند. ب. از دیدگاه ابن خلدون شهرنشینی^۱ مقرون با فرمانروایی است. پس ساکنان شهر، مردمان دولت^۲ در مرحله ناتوانی‌اش می‌باشند. «امور شهرنشینی از توابع آسایش و خوش‌گذرانی^۳ و کشورداری و حکمرانی^۴ است.» (ج ۲، ص ۴۹۲)

۱. حَضَارَة

۲. اهل الدولة

۳. الترف

۴. الملك

ج. رقة الحضارة: در مقابل خشونت بادیه نشینی است و به مجموعه صفات جسمی و روحی و شیوه های سلوک فردی و اجتماعی حاصله از زندگی شهرنشینی، به معنای که گذشت اطلاق می شود.

د. الحضارة مفسدة للعمران: شهرنشینی، عمران را از نظر ماده و صورت تباه می کند. مراد از فساد ماده عمران، فساد اخلاق فرد فرد اعضای جامعه از درون (ج ۳، ص ۸۷۷) و مراد از فساد صورت عمران، فساد دولت و زوال امکانات و ابزار آن و یا به عبارت دیگر جدایی عصبيت از حکمران است.

حل و عقد:

از نظر ابن خلدون اهل حل و عقد و شوری عبارت از «اهل عصبيت حاکمه» (حاکمانی که دارای نیروی عصبيت اند) می باشند.

... زیرا عمل شوری و حل و عقد را تنها صاحب و دارنده عصبيت می تواند انجام دهد. کسانی که به دلیل عصبيت توانایی حل و عقد و یا انجام و ترک عملی را داشته باشند؛ اما کسانی که فاقد عصبيت اند نظیر: فقها، قضات ... «چه دخالتی می توانند در کار مشاوره و شوری داشته باشد. (ج ۲، ص ۵۷۴)

فصل چهارم

نکاتی درباره نگارش طرحنامه و مقاله

طرح تحقیق عبارت از گزارش جامعی از برنامه پژوهشی محقق و توصیف منظم و منطقی آن است. نحوه نگارش طرح تحقیق منعکس کننده هویت علمی پژوهش و به نوعی سند دانش و اعتبار علمی پژوهشگر است.

۹۲. بخش‌های مختلف یک طرحنامه

طرحنامه‌ها معمولاً شامل سه بخش هستند.

الف - کلیات نظری طرح پیشنهادی:

شامل:

۱. بیان مسئله
۲. مرور تحقیقات پیشین
۳. پرسش‌ها
۴. فرضیه‌ها (در صورت دارا بودن)
۵. متغیرها (در صورت دارا بودن آنها)
۶. تعاریف
۷. سازمان‌دهی تحقیق

ب - روش‌شناسی:

شامل:

۱. نوع پژوهش

۲. نوع روش شناخت علمی بکار رفته در پژوهش

۳. ابزار گردآوری داده‌ها

۴. پیش‌فرض‌ها

۵. محدوده‌ها و محدودیت‌ها

ج - اهمیت بررسی:

شامل:

۱. کاربرد پژوهش

۲. مخاطبان پژوهش

۳. نوآوری‌های پژوهش

برخی از پژوهشگران، نقاط ضعف متداول طرح‌های پژوهشی را در شش محور خلاصه کرده‌اند. این محورها عبارت‌اند از:

۱. مسئله، بی‌اهمیت و موضوعی حاشیه‌ای است و شایسته پشتیبانی مالی نیست.

۲. حدود مسئله مشخص نیست.

۳. اهداف، فرضیه‌ها و سؤال‌ها بیش از حد گسترده تبیین شده‌اند. (کلی‌گویی موجب می‌شود تا مسئله تحقیق بیش از آنکه واقعی باشد، آرمانی و غیرقابل انجام شود. همچنین کلی‌گویی خواننده را گیج می‌کند)

۴. روش انجام پژوهش فاقد جزئیات است و کاملاً تشریح نشده است.

۵. از یک طرح ساده برای بررسی یک مسئله پیچیده استفاده شده است؛ به عبارت دیگر طرح پژوهش متناسب با مسئله نیست.

۶. محقق یا به متغیرهای مسئله نپرداخته است و یا آنکه برخی از آن‌ها را نابجا حذف کرده است. او باید نشان دهد که از وجود متغیرهای نامربوط دخیل در بررسی آگاه است و توضیح دهد که چگونه می‌خواهد آن‌ها را در طرح خود بگنجانند. (آری، ۱۳۸۰: ۶۱۷-۶۱۸)

نگارش طرح پژوهش نیازمند چندین بار ویرایش است. نباید اولین نگارش طرح پژوهشی را آخرین کار خود قلمداد کرد و باید به منظور ارزیابی طرح تحقیق خود، نوشته خود را در معرض نقد افراد آگاه و علاقمند قرار داد. یکی از رایج‌ترین اشتباهات

دانشجویان، عدم مشورت سازنده با دوستان اهل فن در زمینه طراحی طرح پژوهش است.

۹۳. تنظیم طرحنامه بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش است.

تا زمانی که به پرسش‌های مشخصی نرسیده‌اید، به دنبال پر کردن برگه طرحنامه پژوهشی نباشید. نگارش طرح پژوهش پس از انتخاب موضوع تحقیق و اطلاع از پرسش و مسئله خود است. بنابراین تا زمانی که پرسش تحقیق معلوم نشده و حوزه کلی و جزئی مطالعه مشخص نشده است، نباید وارد نگارش طرح تحقیق شد.

۹۴. اجزای طرحنامه پژوهش باید باهم هماهنگ باشند.

اجزای طرح پژوهش باید باهم هماهنگ باشند. باید پرسش و فرضیه آن کاملاً به هم مربوط باشند. پرسش و پاسخ باید به گونه‌ای مرتبط با یکدیگر قرار گیرند که سکوت بر آن جایز باشد. یعنی انسان مطلع با شنیدن پرسش و پاسخ عرفاً آن‌ها را در ارتباط باهم بباید. (هر چند که می‌تواند از لحاظ مفهومی پاسخی نادرست به پرسش باشد). برای مثال، به تناسب میان پرسش، فرضیه و عنوان این پژوهش توجه شود:

عنوان پژوهش: «بررسی تأثیر استفاده از وسایل کمک آموزشی بر پیشرفت یادگیری قرآن کریم دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران - ۱۳۸۰»
پرسش: آیا میان استفاده از وسایل کمک آموزشی قرآن کریم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران (در سال ۱۳۸۰) رابطه علی موجود است؟
فرضیه: میان استفاده از وسایل کمک آموزشی قرآن کریم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران (در سال ۱۳۸۰) رابطه علی موجود است
متغیرها: متغیر مستقل (تأثیرگذار) استفاده از وسایل کمک آموزشی / متغیر وابسته (تأثیرپذیر) پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

عنوان پژوهش باید بیانگر همان موضوعی باشد که قرار است در بیان مسئله طرح شوند. متغیرهای آن باید دقیقاً همان متغیرهایی باشند که در فرضیه پژوهش به کاررفته است و ازگان تعاریف انتخابی باید همان واژگانی باشند که در پرسش و فرضیه پژوهش به کاررفته‌اند. (واژگانی تعریف نشوند که اصلاً ربطی به پژوهش مربوطه ندارند!) میان انتخاب محدوده پژوهش با محدودیت‌های فرا روی محقق باید تناسب و سنخیت موجود

باشد و همه این مسایل نیازمند هماهنگی با یکدیگر هستند. هر چه این هماهنگی بیشتر باشد، بر جنبه زیبایی‌شناسی کار شما افزوده خواهد شد.

برای مثال، به نحوه ساخت عنوان پایان‌نامه توجه شود. پیش‌تر اشاره شد که عنوان بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش تنظیم می‌شود و بهتر است که با توجه به عرف رساله‌های پژوهشی بهتر است که عنوان تحقیق از ۱۶ کلمه فراتر نرود. در ساخت عنوان پژوهش باید از رساترین واژگان استفاده کرد و در صورتی که مطالعه به شکل «مقایسه‌ای» (میان دو نظریه، دو اثر، دو پدیده و ...) باشد، عنوان باید منعکس‌کننده طرفین و وجه مقایسه باشد؛ مانند: «بررسی مقایسه‌ای عوامل پیشرفت و انحطاط جوامع اسلامی در اندیشه امام خمینی و علامه طباطبایی»

پس از انتخاب عنوان بهتر است آن را برای دوستان اهل فن بازگو کرد و بررسی کرد که آیا آنچه آن‌ها دریافته‌اند، همان مراد نویسنده بوده است؟ یا خیر؟ اهمیت انتخاب عنوان در آنجاست که عنوان در فهرست‌های کتاب‌شناسی ثبت می‌شود و بهترین عنوان پژوهش، عنوانی است که به راحتی توسط علاقمندان به موضوع پیدا شود. یک عنوان خوب باید بتواند محدوده تحقیق را به روشنی بیان کند. (محدوده موضوع، محدوده مکانی، محدوده زمانی) در صورت لزوم می‌توان از عنوان فرعی در داخل دو قوس () و حروف با اندازه کوچک‌تر استفاده کرد.

بخش بیان مسئله نیز در واقع تشریح پرسش اصلی پژوهش است. در بخش بیان مسئله اشاره می‌شود که کسب چه معرفتی برای محقق مطرح است؟ و جایگاه این معرفت در قبال کارهای انجام یافته و موجود کجاست؟ باید توجه داشت که هرچند محقق از موضوع کار خود مطلع است، اما خواننده از آن بی اطلاع است و از این رو باید قدم به قدم او را مطلع کرد. (ناگهان مسئله را از نیمه راه آغاز نکرد.) برای نگارش بیان مسئله، باید با در نظر گرفتن پرسش اصلی، آن را حداقل در ده سطر توضیح داد. این پرسش به چه معناست؟ محقق در نگارش بیان مسئله باید به مخاطب خود نشان دهد که به موضوع کاملاً آگاهی دارد. بعد از اشاره‌ای مختصر به آنچه تاکنون صورت گرفته است (ادبیات موجود) ویژگی‌ها و مشخصات کار خود را در عباراتی کوتاه و بامعنا بیان کند. پس از نگارش اولین متن، آن را با مشورت با دوستانان بارها و بارها ویرایش کنید تا متنی بدون

ابهام و اشکال آماده شود.

در بخش مرور پیشینه پژوهش نیز باید تنها بر مهم‌ترین و شایسته‌ترین پژوهش‌های مرتبط با طرح‌نامه متمرکز شد و از آنجا که هدف فضل‌فروشی نیست، تنها به ارائه اطلاعاتی پرداخت که مستقیماً به موضوع مربوط می‌شوند. می‌توان تحقیقات پیشین را با ترتیب موضوعی و به صورتی تخصصی و کاربردی بیان کرد. برای مثال، در پیشینه پژوهشی درباره «مفهوم زمان در قرآن» به چهار دسته مطالعات اشاره شده است:

۱. مطالعات کلامی،

۲. مطالعات فلسفی (کلاسیک / معاصر)،

۳. مطالعات ستاره‌شناسی و

۴. مطالعات روانشناسی. (بابا عمی، ۲۰۰۰: ۱۹-۲۰)

این را نیز باید در نظر گرفت که به لحاظ کار پژوهشی، بررسی پیشینه تحقیق مقدم بر تدوین طرح تحقیق است؛ اما از نظر ارائه گزارش در پایان‌نامه می‌تواند پس از طرح تحقیق واقع شود. هر چه گزارش پیشینه تحقیق یک طرح‌نامه جامع‌تر باشد، ضریب اطمینان به پژوهش مذکور بیشتر خواهد بود. مراد از پیشینه تحقیق، رسیدن به پاسخی برای این پرسش‌هاست: آیا در زمینه مورد نظر، پیش‌تر کاری انجام شده است؟ آیا پژوهشگران قبلی همان مسئله را تشخیص داده‌اند؟ چگونه به حل مسئله پرداخته‌اند؟ چه جنبه‌هایی از مسئله به اندازه کافی پروراند نشده است؟

مطالعه ادبیات نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با مسئله برای محقق فواید بسیاری را به همراه دارد:

۱. اشراف بر موضوع تحقیق

۲. جلوگیری از دوباره‌کاری

۳. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات مشابه در دیگر تحقیقات

۴. شناسایی روابط علت و معلولی

بهتر است که بخش پیشینه تحقیق در صورت داشتن حجم بالای مطالب آن، به صورت فصلی مجزا ضمیمه طرح‌نامه شود. در این صورت این بخش بر دو قسم است: الف- کتاب‌شناسی مهم‌ترین آثار موجود. در زمینه مد نظر چه آثاری موجود است. می‌توان آن را فهرستوار و با ترتیب الفبایی بیان کرد.

ب- بیان خلاصه‌ای از مهم‌ترین نظریه‌های یادشده.

بنابراین توصیه می‌شود که در این بخش از نگارش طرح تحقیق، ابتدا موضوع یا موضوعات پژوهش خود را مشخص کرده، (رفتار دانش‌آموزان یک مدرسه؟ اعراب قرآن؟ دیدگاه علامه طباطبایی؟ اخبار تاریخی؟ تفسیر قرآن؟ و ...) سپس مناسب با موضوع تحقیق، منابع شناختی ایشان را بیان داشته و روش منتخب خود در قبال منابع فوق را بیان کنید. توجه داشته باشید که مهم‌ترین موارد ارزیابی رساله شما به صحت روش انتخابی آن بازمی‌گردد.

همچنین در این بخش ابزار و وسایل مورد نیاز پژوهش (و در برخی از پژوهش‌های عملی، نوع پرسشنامه) بیان می‌شود. در جریان پژوهش، اگر از پرسشنامه استفاده شده باشد، حتماً نمونه‌ای از آن در ضمیمه کلیات طرح پژوهشی آورده می‌شود. (گاه نمونه‌ای از آن را در پایان رساله پژوهشی می‌آورند) و در ادامه نوع مطالعه بیان می‌شود.

۹۵. محدودیت حجم مقاله (حداکثر ۷۰۰۰ واژه)

خير الکلام، ما قل و دل

کم گوی و گزیده گوی چون درّ

مقاله علمی گزارش دستاوردهای یک تحقیق است که در عرف بیش از سه صفحه تنظیم می‌شود. عرف رایج در مجلات علمی - پژوهشی مابین ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار واژه و مقاله به معنای عام حداقل ۲۰۰۰ کلمه است. پژوهشگر زمانی مبادرت به نگارش مقاله علمی می‌کند که تحقیق خود را به پایان رسانده باشد. این گزارش ممکن است جهت ارائه به یک همایش علمی یا موسسه‌ای پژوهشی و یا سازمانی اداری، انتشار به صورت چاپ در یک کتاب (مجموعه مقالات و یا مقاله‌ای در یک دایرة المعارف و ...) و یا رایج‌ترین حالت آن یعنی انتشار در یک فصلنامه و نشریه تخصصی تهیه شود. برای یافتن مجلات معتبر علمی به پایگاه‌های اینترنتی زیر مراجعه شود:

- دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم تحقیقات و فناوری)
<http://journals.msrt.ir>

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

۹۶. نگارش مقاله به معنای اتمام پژوهش است.

مقاله گزارش پژوهش است. بنابراین بهتر است تا بار دیگر با اشاره به مراحل مختلف یک تحقیق، جایگاه نگارش مقاله را در آن را شناسایی کنیم. مراحل یک پژوهش علمی عبارت‌اند از:

- **مطالعات اکتشافی به جهت یافتن موضوع.** البته موضوع می‌تواند به سفارش و یا پیشنهاد موسسه یا نشریه ای ادواری صورت پذیرد؛ اما پذیرش آن باید با علاقه معطوف به تخصص نویسنده همراه باشد. موضوع خوب موضوعی است که به رشد فرهنگ و ارتقای علوم اسلامی در جامعه یاری می‌رساند. به جهت نیل به چنین هدفی، محقق باید مطالعه ادبیات موجود و پیشینه تحقیق خود را دست کم نگیرد.

- **کار بر روی پرسش تحقیق (و احیاناً فرضیه‌های مرتبط)** در فصول قبلی این کتاب اشاره شد که هر چه اصالت یک پرسش بیشتر باشد، احتمال موفقیت و برجستگی آن بیشتر خواهد بود. بنابراین هیچ گاه در یافتن بهترین پرسش تحقیق، تعجیل نکنید.

- **نگارش طرح اولیه مقاله:** برخلاف رساله های دانشگاهی که دارای بخش خاصی با عنوان کلیات طرح تحقیق هستند، طرح تحقیق مقاله عیناً در آن آورده نمی‌شود و تنها مهم‌ترین موارد آن در مقدمه مقاله به شرحی که می‌آید، بیان می‌شوند.

- **بررسی مدارک و منابع تحقیق** در صورتی که با انجام تحقیق کافی به این نتیجه رسیدید که فاقد منابع کافی برای پژوهش هستید، در طرح پرسش های تحقیق متناسب با امکانات موجود تجدیدنظر کنید.

- **جمع‌آوری داده‌ها باهدف یافتن پاسخ تحقیق** یادداشت نویسی را به صورت هدفمند انجام دهید. دقیقاً بدانید که چرا برخی از مطالب را می‌نویسید و برخی دیگر را نمی‌نویسید. نظام یادداشت نویسی مرتب و منظمی ایجاد کنید. یادداشت‌ها را به صورت منظم، هر یک در داخل پوشه‌ای عنوان دار و پوشه‌ها را در داخل پرونده‌های

مربوطه قرار دهید. همواره به گونه ای عمل کنید که بتوانید بعدها نیز از حاصل زحمات یادداشت نویسی خود استفاده کنید پس یادداشت نویسی باید در نظامی کلی تر و درازمدت (و نه مقطعی) تعریف شود.

– **تحلیل داده ها بر اساس روش شناسایی صحیح و متقن**، در این زمینه به نکات زیر توجه کنید: ۱. تحلیل داده های جمع آوری شده خود را بر اساس یک روش شناسی مشخص و تعریف شده انجام دهید. ۲. از خلط مباحث خودداری کنید.

– **نتیجه گیری نهایی.**

– **مرحله نگارش و ویرایش آخرین مرحله** یک پژوهش، مرحله نگارش آن است. از این رو صورت مسئله یک مقاله نویس چنین است:

~ تحقیق را انجام داده ام،

~ محتوای مطالب را در اختیاردارم،

~ حال آن را در چه قالبی به صورت مقاله علمی درآورم؟

برای رسیدن به بهترین پاسخ، ابتدا بررسی شود که مناسب ترین مکان چاپ مقاله شما در کجاست؟ چه مخاطبانی را برای تحقیق خود مناسب می دانید؟ ضمن اینکه ممکن است که مقاله را به سفارش مؤسسه ای علمی تهیه کنید. همه نشریات علمی و نیز مؤسسات معتبر پژوهشی دارای شیوه نامه مخصوص به خود در جهت نگارش مقاله هستند. بنابراین:

۱. بهترین شیوه منحصر در یک شیوه نبوده و به اقتضای موضوع مقاله و محل چاپ آن شیوه های علمی متعددی موجود است.

۲. بهترین شیوه نگارش مقاله، شیوه نامه فصلنامه و یا موسسه معتبری است که قصد چاپ آن را دارد.

به طور کلی در جریان نگارش یک مقاله به موارد زیر توجه کنید:

معمولاً مقالات علمی شامل سه بخش هستند:

الف – **طلیعه مقاله:** که شامل بیان چهار عنصر اساسی است:

۱. عنوان مقاله،

۲. نام نویسنده (و یا نویسندگان) به همراه بیان میزان تحصیلات،

۳. بیان چکیده مقاله، (که مشتمل بر خلاصه ای کلی از هدف، روش علمی و نتیجه

نهایی تحقیق را به صورت جملات کوتاه در حداکثر ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه است.)
۴. کلید واژگان تحقیق. (بیان واژگان مهم تحقیق که محور مفاهیم تحقیق بر گرد آن‌هاست.)

ب - متن اصلی مقاله: که شامل عناصر زیر است:
۱. مقدمه (طرح مسئله): شامل بیان مختصری از پیشینه، اهداف، پرسش‌ها و تبیین روش‌شناسی محقق است.
۲. لازم است تا انتخاب عناوین بخش‌های مختلف یک مقاله هماهنگ با مسئله باشند.

۳. گزارش تحقیق: شامل بیان بررسی‌ها، اسناد، دلایل موافق و مخالف و ... می‌شود که در طول تحقیق از سوی محقق صورت پذیرفته است.
ج - نتیجه‌گیری نهایی:

مشمول بر بیان یافته‌های تحقیق بر مبنای مطالب موجود در متن اصلی مقاله است.
در جریان نگارش مقاله خود کمتر از نقل‌قول مستقیم استفاده کنید.
۱. هیچ‌گاه مطالب را بدون تأمل و تحلیل به همدیگر ارتباط ندهید.
۲. از آنجا که محدوده نگارش و تنظیم مقالات محدود است، بکوشید تا هر سطری از تحقیقتان در خدمت یافتن پاسخ پرسش تحقیق باشد.
۳. از به کار بردن جملاتی با مضامین و محتوای یکسان پرهیز کنید.
۴. مقالات علمی بر اساس منطق و برهان محکم و نه تخیل و عاطفه هستند.
۵. در مقالات علمی به رعایت اصطلاحات علمی توجه کنید.
۶. در استنباط و استنتاج مطالب دقیق باشید.
۷. نگارش هر مقاله نیازمند حداقل به سه بار ویرایش از سوی نویسنده است. در زمان ویرایش به این موارد توجه کنید:

الف - ساختار بیانی نوشتار،

ب - غنای محتوای مفهومی متن،

ج - نحوه استنادات ارجاعی و توضیحی در متن.

در اینجا خلاصه‌وار، برخی از موارد مهمی که منجر به موفقیت یک مقاله می‌شوند و در اثنای موارد پیشین به آن‌ها اشاره شد، بازگو می‌شوند که عبارت‌اند از:

- بدیع بودن و تازگی موضوع،
- کوشش در جهت رفع نیازهای معرفتی جامعه،
- استفاده از منابع دست اول،
- دقت در نقل قول و رعایت امانت علمی،
- رعایت وحدت رویه: نتیجه‌گیری مقاله، منطقی‌ترین پاسخ به پرسش مقاله باشد.
- رعایت وحدت رویه: عنوان مقاله هماهنگ با پرسش‌های مطروحه در آن تنظیم شود،
- رعایت وحدت رویه: استفاده از روش‌شناسی صحیح و متناسب با موضوع مورد نظر،
- رعایت وحدت رویه: رسم الخط نوشتار یکدست و یک نواخت باشد،
- خلاقیت در طرح پرسش‌های تحقیق،
- پرورش کافی مفاهیم،
- روان و سلیس بودن نوشتار و ویرایش مناسب مقاله

۹۷. نتیجه‌گیری پاسخ پرسش‌های اصلی و یا بیان صحت و سقم فرضیه‌هاست.

نتیجه‌گیری مقاله باید مبتنی بر مباحث موجود در مقاله و نه خارج از آن باشد. در ارائه نتیجه‌گیری نباید شتاب زده عمل کرد. نتیجه‌گیری هر تحقیق چیزی جز پاسخ به پرسش‌های اصلی آن تحقیق نیست. پیش از آماده شدن مقدمات مورد نیاز، اقدام به نتیجه‌گیری نکنید.

۹۸. نگارش بندها (پاراگراف‌ها) باید هدفمند باشند.

هر مقاله از مجموعه‌ای از بندها (پاراگراف‌ها) تشکیل شده است و هر پاراگراف از مجموعه‌ای از جملات تشکیل شده است. هر بند باید یک مضمون مشخص را دنبال کند؛

بنابراین از میان جملات هر بند، یک یا چند جمله کلیدی است که نقش انتقال مضمون اصلی را بر عهده‌دارند. جملات دیگر در ربط پاراگراف‌ها به یکدیگر و یا ارائه شواهد و دلایل و استنادها به یاری جملات کلیدی می‌آیند؛ بنابراین:

- باید از نگارش بندهای غیرضروری اجتناب شود.
- پاراگراف‌ها باید به گونه‌ای به هم متصل شوند که با خواندن مقاله این احساس به خواننده منتقل نشود که اجزای مقاله باهم مرتبط نیستند و یا در چنینش مطالب رعایت اصل اول مقدمات لازم سپس نتیجه‌گیری نشده است.

۹۹. سهل‌الوصول بودن مطالب مقاله

مطالب مقاله باید سهل‌الوصول باشد. برخی گمان می‌کنند که اگر به گونه‌ای بنویسند که مطلب در دسترس خواننده نباشد بر اهمیت مقاله افزوده‌اند و از این رو از تعابیر سخت و نامأنوس استفاده می‌کنند و خواننده را با نقل قول‌های طولانی معطل می‌کنند؛ این در حالی است که هدف از نگارش مقاله انتقال مطالب به خوانندگان است. پس نویسنده باید متناسب با سطح خوانندگان مورد نظرش (نوجوانان و یا اهل فضل و کمال) به بهترین صورت اطلاعات خود را منتقل کند.

برای این کار باید موضوع را در دسته‌بندی‌های مشخصی ارائه کرد. استفاده از جداول و نمودارها می‌تواند در این زمینه بسیار کمک کنند؛ به ویژه آنکه خواننده با یک نگاه متوجه اصل موضوع می‌شود. باید در مقدمه مقاله نقشه و نمای کلی از مقاله یا کتاب به خواننده ارائه شود.

۱۰۰. پایان هر پژوهش ارائه رهنمود به آیندگان است.

پژوهشگر باید در پایان کتاب یا پایان‌نامه خود به اختصار نقشه راه آیندگان را ترسیم کند و پیشنهادهایی عملی برای گسترش حوزه علمی پژوهش ارائه دهد. از همین رو معمولاً پژوهش‌های خوب متضمن تأملاتی درباره آینده پژوهش هستند که به عنوان راهنمایی برای دیگر پژوهشگران به شمار می‌روند.